



# چراغ

C H E R A G H

ایران را سرزمینی امن  
برای همجنسگرایان خواهیم کرد



ششششمین

پیش شماره ماهانه

شهریور ۱۳۸۴



WWW.CHERAGH.PGLO.ORG

## تقدیم به شما

### بنگر، زمانی خوش فرا می رسد و رویاهایت را باور می کنی

به آن می کوشم که توانیم ،  
سرچشمه توان ما گنجینه ی درون ماست.  
حتی اگر گاه فراموش کنی ،  
به یادت می آورم که تو چقدر یگانه ای ،  
باورت دارم ! بسیار ،  
و می دانم که می توانی آن گونه که می خواهی  
و نیازمندی ، عمل کنی.  
و اگر روزی ، روزگاری نیازمندم بودی ،  
در کنارت خواهم بود.  
به دنبال هر رويا ،  
لحظاتی پیش می آید ،  
که گویی آن را از دست داده ای ،  
درست در همان لحظه هست  
که باید خود را باور کنی ،  
باور به اینکه قادر به هموار ساختن  
هر مانع در راهی.  
و آن گاه که رویاهایت به حقیقت پیوست ،  
در خواهی یافت که چقدر نیرومند شده ای.

پیام سردبیر	۲
همجنس گرایی در کشورهای همجوار	۲
همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی	۲
افراد همجنس گرا و خانواده - ۳	۵
همجنس گرایی اسلامی	۹
اعتیادی جدید	۱۱
خاطره ای که می پرستم	۱۴
سازمان همجنسگرایان ایرانی و UNHCR	۱۵
واژه نامه جنسی	۱۹
زندگی حق بدون قید و شرط انسان ها	۲۱
کنار تو	۲۲
مطالب بهداشتی و پزشکی	۲۲
تازه های خواندنی	۲۶
اطلاعه ها و مطالب	۳۲
دل بری	۳۳
اعدام دو نوجوان در مشهد	۳۴
شما با پیام و پیام با شما	۵۳
تماس با ما	۵۷

CHERAGH MAGAZINE  
Cultural – Social

Sponsor: PGLO  
Editor-in-chief: Payam SHIRAZI  
Editor: Nima  
Cover Designer: Amir Hosein  
6th Pre-Issue: September 2005  
Web Site: [www.cheragh.pglo.org](http://www.cheragh.pglo.org)  
E-mail: [editor@pglo.org](mailto:editor@pglo.org)

نشریه ی فرهنگی اجتماعی چراغ

صاحب امتیاز : سازمان PGLO

سردبیر : پیام شیرازی

ویراستار: نیما

طراح روی جلد: امیر حسین

ششمین پیش شماره: شهریور ماه ۸۴

آدرس وب سایت :

پست الکترونیکی :

استفاده از مطالب این نشریه با ذکر منبع آزاد است

### پیام شیرازی

به دار آویختن محمود عسکری و ایاز مرهونی دو نوجوان مشهدی در ماه گذشته جامعه ایرانی و بین‌المللی را به لرزه درآورد. در حالی که تمام توجهات داخلی و خارجی به سمت نتایج انتخابات جدید ریاست جمهوری، نگرانی‌های ایجاد شده از فعالیت‌های هسته‌ای ایران و وضعیت جسمی اکبر گنجی نویسنده آزادی‌خواه زندانی معطوف شده بود بر پایی ناگهانی مراسم اعدام این دو نوجوان که گویی از قبل مهیا شده بود برای چنین اوضاع بی‌سامانی شوکی بر جان همه انداخت. تلخی اعدام‌ها آن‌چنان بود که از پس زمینه بیرونش آورد و به بحث روز دنیا بدلش کرد. امروز از هر شخص که نظرش را در مورد اسلام و ایران پرسیم تصویر این دو نوجوان در ذهنش مجسم خواهد شد. باید دید کشورمان ایران در مورد تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که با نتایج انتخابات اخیر آریستن آن شده است چه به بار خواهد آورد. آن‌چه که نگرانی‌های ما و سایر سازمان‌های مدافع حقوق بشر و همجنسگرایان را تشدید می‌کند نه تنها ادامه پیدا کردن این‌گونه مجازات‌های سخت و قرون وسطایی است بلکه حاکم شدن جو خفقان و عقب‌گرد فرهنگی-اجتماعی است.

در زمینه‌ی اعدام‌های اخیر که نمونه‌های علنی نقض حقوق بشر می‌باشند نکاتی چند لازم به توضیح است.

- ورای از چگونگی و نحوه اتفاق افتادن جرم و جستجوی سبب که لازمه بحث تخصصی جرم‌شناسی است باید اذعان داشت حکم تجاوز به زور از قطعی‌ترین و شنیع‌ترین امور حقوقی چه اسلامی و یا بین‌المللی می‌باشد. اما عدم تطابق داشتن جرم و مجازات است که در احکام حقوقی ایران به وضوح به چشم می‌آید. بدیهی است گرفتن حق حیات از شخصی که اگر به فرض، تجاوز به زور هم انجام داده باشد خارج از منطق امروزی قلمداد می‌شود.

- از این دو نوجوان اعدامی یکی از آن‌ها زیر سن قانونی است و در علم حقوق کودک محسوب می‌شود یعنی از هر نظر با دیگر پسر سیزده‌ساله که از طرف قاضی بالغ محسوب نشده و پدرش شکایت پرونده را به عهده گرفته برابر می‌باشد. از این جهت تامل بیشتری را نیاز داشت.

- مدتی پیش در پی اظهارات قوه قضاییه مبنی بر لغو قانون اعدام کودکان (افراد زیر ۱۸ سال) و ایرادهای

حقوقی دادگستری تهران از وضعیت متهمین و سعی در توسعه و به روز کردن نظام حقوقی ایران این اطمینان را به نهادهای بین‌المللی داد که نسبت به رفع نقایض حقوق بشر در ایران آسوده خاطر باشند. از این رو دستگاه قضایی ایران یک تضاد رفتاری کاملاً مشخصی را از خود بجا گذاشت.

- عدم انطباق حکم صادره با قانون را می‌توان از دیگر ایرادات به حساب آورد چرا که واژه‌ی "لواط به عنف" به معنی رابطه جنسی دو مرد با هم شرط لازم برای اجرای قتل نیست. برابر با قانون مجازات‌های اسلامی ماده ۱۱۱ اجرای اعدام را تنها در موردی شایسته می‌داند که "فاعل و مفعول هر دو بالغ و عاقل باشند". همچنین در ماده ۱۱۲ دست‌زیاد (حداکثر) ۷۴ ضربه شلاق برای مفعول نابالغ آن هم اگر بی‌میل نبوده باشد در نظر گرفته شده است. در ماده ۱۱۳ می‌گوید اگر دو نابالغ با هم رابطه جنسی داشته باشند باز تنها ۷۴ ضربه شلاق خواهد خورد و در پایان قانونگذار در ماده ۱۲۶ پشیمانی را برای مجرمین در نظر گرفته است که می‌توانند در هر حال مشمول عفو شوند.

- در مورد آخر ابهام قانون برای فرق نگذاشتن بین حکم دو همجنس‌گرا که با میل و رغبت روابطی را برقرار می‌کنند و آن‌ها که به زور (به عنف) عملی را انجام می‌دهند به طور منطقی لازم به بررسی جداگانه است. چراکه اراده و زور دو عامل تاثیرگذار در تشخیص جرم می‌باشد.

- دقیقاً همجنسگرا بودن و یا نبودن این دو نوجوان مشخص نیست. با توجه به عدم آزادی جنسی و در دسترس نبودن جنس مخالف برای تخلیه پتانسیل جنسی‌شان احتمال وسوسه آن‌ها برای داشتن چنین تجربه جنسی قوی می‌باشد.

نکته‌ی مهمی که امروزه و یا هر روزه باید در نظر داشت اهمیت حضور در عرصه‌های اجتماعی فرهنگی و بین‌المللی است. همان‌طور که سازمان همجنسگرایان ایرانی و سایر سازمان‌های مدافع حقوق بشر در جهت اعتراض به این اعمال وحشیانه اقدام می‌کنند نباید اهمیت حضور اجتماعی خود همجنسگرایان ایرانی را نیز از ذهن دور گذاشت.

ما در این شماره سعی کردیم تا حد امکان مطالب و واکنش‌های مربوط به این مهم را جمع‌آوری و منتشر نماییم.

## همجنس گرایی در کشورهای هم سایه امین - کانادا

### ازبکستان



با توجه به قانون جزایی ازبکستان ماده ۱۲۰ روابط جنسی بین مردان جرم شناخته می شود و تا سه

سال مجازات حبس دارد. در ماده یاد شده هیچ نامی از روابط بین زنان برده نشده است. روسلان شاریوف روزنامه نگار ازبک که همجنسگرا بودن خود را به طور واضح و علنی بیان کرده بود در تاریخ ۱۳ آگوست ۲۰۰۳ به جرم رفتارهای جنسی غیر معمولی متحمل جزای زندان شد. علاوه بر تلاش های انجمن های حقوق بشر و دفاع از حقوق نویسندگان و روزنامه نگاران متأسفانه آقای روسلان به پنج سال و نیم حبس محکوم شد. پس از این اقدام تمامی انجمن های دفاع از حقوق نویسندگان و سازمان های دفاع از حقوق بشر طی بیانیه هایی اعلام کردند که هنوز ازبکستان صاحب آزادی بیان و دموکراسی نشده است و دلیل اثبات ادعایشان را ماجرای این روزنامه نگار همجنسگرا دانستند. سازمان روزنامه نگاران بدون مرز از طریق دبیر کل آن آقای روبرت منارد اعتراض خود را بیان داشت. اعلام کردند که کسی خواستار حمایت از روابط جنسی افراد زیر سن قانونی و یا تجاوز جنسی نیست. اما متأسفانه هر زمان بحث از آزادی جنسی پیش آمده است از آن به تعبیر جنایت جنسی و یا تجاوز نام برده شده است و همیشه به نمونه های روابط جنسی نابالغ اشاره می شود که در هر جوامعی وجود دارد. دولت ازبکستان با این عمل خود که با دستاویز شدن به دلایل مبهم و بی اهمیت یک روزنامه نگار را به پنج و نیم سال حبس محکوم می کند نشان داد که طاقت دموکراسی و آزادی را ندارد. همچنین سازمان دیده بان حقوق بشر نیز نسبت به این موارد اعتراض شدید نشان داد و از دولت ازبکستان آزادی روزنامه نگار را خواست و در پایان روزنامه نگار همجنسگرا پس از اقرار به جرم خویش و پذیرفتن گناه خود از زندان خارج شد. وکیلان مدافع وی این واکنش غیر منتظره را به سبب شکنجه و فشارهای روحی و روانی دولت ازبکستان بر موکل همجنسگرایشان دانسته اند.

## همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی

### دکتر سیروس شمیسا

### معشوق لشکری یا لعبت سپاهی

در دوره غزنویان که آغاز حضور ترکان در تاریخ است معمولا معشوق مذکر، ترکان لشکری هستند. از این رو بعدا صفات ایشان چون عربده جویی، بی وفایی، جفاکاری، سست پیمانی، خونریزی و ظلم جزو مختصات معشوق شعر فارسی می شود. حتی مشخصات جسمی ایشان چون چشم تنگ، کمرباریک، قdblند، زلف برتافته نیز بعدها از مختصات معشوق شعر فارسی می شود. این که در شعر فارسی نگاه معشوق تیر و ابروی آن کمان و زلفش کمند است به این سبب است که این عاشقان ترک عمده نظامی بوده اند و ایاز هم در اصل از سپاهیان است در دیوان فرخی سیستانی مکررا اشعاری در مدح این معشوقان سپاهی آمده است. از اشعار زیر معلوم می شود که شاعر عاشق سرهنگی بوده است:

مرا سلامت روی تو باد ای سرهنگ

چه باشد ار به سلامت نباشد این دل تنگ

دل به عشق تو در سختی و عنا خو کرد

چنان که آینه زنگ خورده اند زنگ

از این گریستن آن است امید من که مگر

به اشک من دل تو نرم گردد سرهنگ

\*\*\*

برکش ای ترک و به یک سو فکن این جامه ی جنگ

چنگ برگیر و بنه درقه و شمشیر از چنگ

به مضاف اندر کم گردد که از گرد سپاه

زلف مشکین تو پر گرد شود ای سرهنگ

رخ روشن را زیر زره ی خود بپوش

که رخ روشن تو زیر زره گیرد زنگ

ای کژه تیر و کمان ابرو تیرت به چه کار

تیر مزگان تو دل دوزتر از تیر خدنگ

از ابیات زیر معلوم می شود که گروهان معشوق شاعر که لشکری است از شهر بیرون رفته است:

یاری گزیدم از همه ی گیتی پری نژاد

زان شد زبیش چشم من امروز چون پری

لشکر برفت و آن بت لشکر شکن برفت

هرگز مباد کس که دهد دل به لشکری

\*\*\*

از این قبیل ابیات در دیوان شاعران این دوره به وفور یافت می شود که از معشوق ترک لشکری سخن رفته است. چنان که عنصری که لقب حکیم داشت و ملک الشعراء دربار محمود غزنوی بود گوید:

رامش افزایی کند وقتی که در مجلس بود  
لشکر آرایی کند روزی که در میدان بود

پس معشوق ترک این دوره هم زیباست و هم جنگاور، چنان که ایاز هم این چنین بوده است و فرخی در مدح ایاز در آن قصیده ای که ابیاتی از آن را قبلا نقل کردیم، در اشاره به خروج ایاز از غزنین از دربار محمد و پیوستن به مسعود در نیشابور گوید:

کجا گردد فراموش آن چه او کرد  
ز بهر خدمت شاه جهان دار

میان لشکر عاصی نگه داشت  
وفا و عهد آن خورشید احرار

به روز روشن از غزنین برون رفت  
همی زد با جهانی تا شب تار

نماز شام را چندان نخواست  
که دشت از گشته شد با پشته هموار

گروهی را از آن شیران جنگی  
بکشت و ما بقی را داد زنهار

جز او هرگز که کرده است این به گیتی  
بخوان شهنامه و تاریخ اخبار

در هر حال در بسیاری از تغزلات به این هر دو جنبه زیبایی و رشادت که منجر به پیروزی در دو میدان می شد اشاره شده است:

کمان کنشی است بتم با دو گونه تیر بر او  
وز آن دو گونه همی دل خلد به صلح و به جنگ

به وقت صلح دل من خلد به تیر مزه  
به وقت جنگ دل دشمنان به تیر خدنگ

جالب این است که این ابیات معمولا جزو تشبیه قصاید مدحی هستند که در حضور شاه و بزرگان در دربار قرائت می شده است و لذا می توان مطمئن بود که عشق مرد به مرد به هیچ وجه قبیحی نداشته است. در این نوع اشعار فقط صحبت از عشق و عاشقی نیست بلکه شاعر آشکارا به مسایل جنسی مثلا سرین(نشیمگاه) سفید معشوق مرد اشاره کرده و پس از وصف این گونه مسایل به اسم شاه و یا ممدوح خود تخلص کرده است:

دوست دارم کودک سیمین لب بیجاده لب  
هر کجا زایشان یکی بینی مرا آن جا طلب

ای خوشا زین پیشتر کاندرا سرایم زین صفت  
کودکان بودند سیمین سینه و زین سلب

با سرین های سپید و گرد چون تل سمن  
با میان های نزار و زار چون نار قصب

گر تهی شد زین بتان اکنون سرایم باک نیست  
دل پر است از آفرین خسرو خسرونسب

شعر دوره خراسانی شعر رئالیستی است. اینکه شاعر می گوید قبلا در خانه ام از این کودکان سپید سرین بسیار بوده اند و اکنون نیستند اشاره به وضع مالی خود می کند و به قول ادبا حسن طلب است. زیرا افراد متمول به راحتی در بازار برده فروشان کنیز و غلام می خریدند.

ای پسر جنگ بنه، بوسه بیار  
این همه جنگ و درشتی به چه کار

تو چو من یار نیابی به جهان  
من چو تو بایم هر روز هزار

من اگر خواهم از بخشش میر  
کودکانی خرمی هم چو نگار

\*\*\*

ای پسر مرا نیز سنگدل و تند مخوان  
تندی و سنگدلی پیشه توست ای دل و جان

دوش باری به سخن گفتم با تو صنما  
که چنان تنگدل و تافته دل پستی از آن

تو غلام منی و خواجه خداوند من است  
نتوان با تو سخن گفتن و با خواجه توان

به کنیز و غلام اموال ناطق می گفتند و حق داشتند که هر کاری که دلشان می خواهد را با اموال خود کنند. خرید و فروش برده به حدی رواج داشت که در فقه اسلامی احکامی دارد. در فقه هم در مورد مجامعت با کنیز و فرزنددار شدن از او و ارث او قواعد و قوانینی مطرح شده است و هم در مورد مجامعت با غلامان که بعدا اشاره خواهیم کرد.

باری با توجه به اینکه قالب شعری رایج در دوره غزنویان قصیده بود (که به بیت آغاز آن تغزل می گفتند)، ادبا یکی از مختصات تغزل قصیده را سخن گفتن از معشوق مرد (معمولا ترک سپاهی) ذکر کرده اند. جالب است که در ادوار بعد که غزل جای قصیده را گرفت نیز ردپای

## خانواده درمانی برای بحران ناشی از همجنس گرایی افراد همجنس گرا و خانواده

نویسنده: میشل لاسالا  
مترجم: نیکی - پرنیان

### قسمت سوم فرایند متاسف گشتن والدین



بیشتر والدین تصور می کنند که فرزندانشان می بایست در بزرگسالی، دگرجنسگرا شوند و وقتی با خلاف این تصور روبرو می شوند لطمه شدیدی احساس می کنند. تحقق

روایي شرکت در مراسم عروسي فرزندان و نوه دار شدن وابسته به این است که فرزندشان دگرجنس گرا باشد. توصیه می شود؛ والدین افراد همجنس گرا مراحل پنجگانه کویلر - راس را به ترتیب زیر پشت سر بگذارند؛ شوک، انکار، اندوه، عصبانیت و در نهایت پذیرش جهت گیری جنسی فرزندانشان. تحقیقات نشان می دهد که نگرش والدین نسبت به همجنسگرایی فرزندشان، در طول زمان، اصلاح خواهد شد. این تحقیقات، در خصوص سازگاری یا متاسف گشتن روزافزون والدین به هنگام مطلع شدن از همجنس گرایی فرزندشان، شواهد بیشتری را ارائه می کند.

### نیاز به جلسات انفرادی

در خانواده درمانی، روانشناسان بالینی باید به افراد کمک کنند تا افکار و احساسات خود را توضیح دهند، نقطه نظرهای خود بیان نمایند و در مورد راه های حل مشکلات و مسائل خود به مذاکره بنشینند. با این وجود، خانواده هایی که دچار فشارهای عصبی و روانی هستند ممکن است با ناموفقیت تلاش کنند تمام اینها را بطور هم زمان انجام دهند؛ زمانی که سطح اضطراب بالا باشد این کار ناممکن است. از آنجا که این خانواده ها گرایش به عدم ثبات و واکنش پذیری دارند، درمان، در درجه اول باید بر آرام نمودن اعضای خانواده تکیه کند تا آنها بتوانند نقش خود را در الگوهای خانواده بازشناسند. ملاقات نمودن اعضای خانواده بطور انفرادی یکی از راه هایی است که روانشناسان بالینی

همین معشوق مرد را می بینیم. در این غزل معروف حافظ:

پیرهن چاک و غزلخوان و صراحی در دست

نیمه شب دوش به بالین من آمد بنشست

سر فرا گوش من آورد و به آواز حزین

گفت ای عاشق دیرینه ی من خوابت هست؟

معشوقی که نیمه شب آواز خوان و صراحی در دست و مست به خانه حافظ عاشق می آید مسلما مرد است نه زن که در محیط شهرهای قرن وسطایی حتی غروب هم نمی توانسته است در معابر به راحتی آمد و شد کند.

برخی از صفات و مشخصات این معشوق ترک نظامی - چه معنوی مثلا بدگوی و پرخاشگری و چه جسمی مثل زلف تابدار مجعد - که در بیت تغزل قصاید دیده می شود بعدها در غزل هم دیده شد. منتها در غزل لطیف تر و هنری تر شده است و این هم دلیل دیگری است که غزل صورت تکامل یافته تغزل است.

### CHAT CLUB

دوستان عزیزى که مایل به  
چت کردن با دیگر دوستان خود  
هستید.

یک کلوب فقط برای چت کردن

شما می توانید به آدرس زیر  
مراجعه نمایید.

[http://groups.yahoo.com/  
/group/PersianGayChat/](http://groups.yahoo.com/group/PersianGayChat/)

می‌توانند از طریق آن از سرعت این جریان بکاهد و زمان فروکش کردن این بحران، هر یک از وظایف فوق را بطور جداگانه مورد بررسی قرار دهند تا ثمر بخشی جلسات درمان زوجی هر چه بیشتر افزایش یابد. در کار با خانواده‌هایی که با بحران آشکارسازی مواجه‌اند، ممکن است بهتر باشد که ابتدا جلسات جداگانه‌ای با والدین و فرزندان برگزار شود و به هر یک اجازه داده شود تا آزادانه احساسات تند خود، که با فرآیند آشکارسازی همراه است را بیان نمایند. اعضای خانواده پس از بیان و اظهار احساس خود، برای پذیرش آموزش و میانجیگری‌هایی که برای حل و پشت سر گذاشتن بحران بدان نیاز دارند، آمادگی بیشتری خواهند داشت. بدیهی است سندی و والدینش، اهداف متناقضی دارند که وقتی مطرح شوند، فرآیند اختلافات شدید دو سویه‌ای را در بر خواهند داشت. باب و راث نیاز داشتند درباره احساسات خود درباره همجنس‌گرایی دخترشان در غیاب او بحث کنند زیرا واکنش‌های او ممکن بود مانع توانایی‌شان در پرداختن به این احساسات قوی شود. سندی هم نیاز به حمایت داشت و می‌بایست یاد بگیرد که چگونه در طی این دوره سخت بدون واکنش با والدینش ارتباط برقرار کند. او هم چنین نیاز داشت که مادر و پدرش به موقع گرایش جنسی او را بپذیرند. دیدار جداگانه با سندی و والدینش، و ایجاد امکان تخلیه احساسات طرفین بدون مزاحمت، اولین گام مهم در حل این بحران بود.

راث و باب می‌ترسیدند شیوه‌ای که سندی برای زندگی انتخاب کرده به طرد شدگی و تنهایی بیانجامد. آنها نگران این بودند که زندگی آشکارا بعنوان یک زن همجنس‌گرا به معنی غرق شدن در اجتماع همجنس‌گرایان و به مفهوم طرد شدن از خانواده باشد. آنها هم چنین با منطبق ساختن همجنس‌گرایی سندی با تعالیم کلیسا مشکل داشتند و مانند اکثر مردم، آنها با همجنس‌گرایی که با این گرایش کنار آمده و می‌توانستند برداشته‌های اشتباه خود را اصلاح کنند، در تماس نبوده‌اند.

درمانگر به هنگام ملاقات انفرادی با باب و راث، آنها را به بحث در مورد احساسات‌شان ترغیب کرد. درمانگر نگرانی نسبتاً عادی آنها را تأیید نمود. بعضی از نگرانی‌های آنها حاکی از بی‌اطلاعی آنها از شیوه

زندگی افراد همجنس‌گرا بود، و بدیهی بود که راث و باب به اطلاعات بیشتری در این زمینه نیاز داشتند.

### آموزش والدین

با در نظر گرفتن تأثیر همه جانبه اطلاعات قدیمی و تبعیض آمیز، والدین احتمالاً نیاز خواهند داشت تا درباره شیوه زندگی همجنس‌گرایان مجدداً کسب اطلاع نمایند. تحقیقات نشان می‌دهد که هر چه پدر یا مادر درباره افراد همجنس‌گرا و روابط آنها بیشتر بدانند، آشکارسازی همجنس‌گرایی پسر یا دخترشان را راحت‌تر خواهند پذیرفت. به عنوان مثال، والدین باید بدانند که کارشناسان بهداشت روانی امروزه دیگر همجنس‌گرایی را یک بیماری نمی‌دانند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). شاید دانستن این نکته نیز برای والدین مفید باشد که افراد همجنس‌گرا، والدین‌شان، و حتی بعضی از روحانیون با تعلیمات مذهبی که همجنس‌گرایی را محکوم و مردود می‌شمارند، مخالف هستند. مطالعه کتاب‌های آموزنده‌ای که برای والدین افراد همجنس‌گرا نوشته شده‌اند نیز خالی از فایده نیست. بورهک و برنشتاین که هر دو دارای فرزند همجنس‌گرا هستند، مقالات حساس و آموزنده‌ای درباره مبارزات سخت خود و دیگران برای پذیرش داشتن فرزند همجنس‌گرا نوشته‌اند. خواندن این مطالب می‌تواند بسیار سودمند باشد زیرا این قبیل والدین غالباً خود را منزوی و تنها حس می‌کنند. بورهک در چندین فصل از یکی دیگر از کتابهای خود، "آشکار سازی برای والدین"، نصایح سودمندی برای والدین ارائه داده و درباره مسائل مذهبی مطالبی را ذکر کرده است. اطلاعات دقیق ممکن است والدین را قادر سازد تا کمتر به همجنس‌گرایی دختر یا پسرشان با نگاهی طردآمیز بنگرند.

وقتی راث و باب فرصت یافتند درماندگی و نگرانی خود را بیان نموده و احساسات خود را ابراز نمایند، درمانگر اطلاعاتی را به آنها عرضه داشت که عقاید تبعیض‌آمیزشان درباره شیوه زندگی زنان همجنس‌گرا را به چالش می‌طلبید. راث و باب سوالات زیادی درباره همجنس‌گرایی داشتند که می‌بایست در یک محیط بیطرف مطرح کنند. درمانگر به آنها اطمینان داد که گرچه دلایل همجنس‌گرایی نامعلوم است، اما امروزه

همجنس گرایی دیگر نه یک بیماری روانی محسوب میشود و نه ناشی از قصور والدین می باشد. او به آنها هشدار داد که، مانند اکثر افراد همجنس گرا، بعید به نظر می رسد که دخترشان قبول کند گرایش جنسی اش را تغییر دهد. با وجود این، همجنس گرایی سندی مانع از خوشبختی و سعادت او نمی شود. والدین از درمانگر خواستند کتابهایی که از نقطه نظر والدین دگرجنس گرا در رابطه با افراد همجنس گرا و آشکارسازی به رشته تحریر درآمده اند را به آنها معرفی نماید و او نیز چندین کتاب را به آنها توصیه نمود. گرچه آنها کم کم درک می کردند که دخترشان به عنوان یک همجنس گرا می تواند زندگی شاد و سعادت آمیزی داشته باشد، اما این مسیری نبود که آنها برای دخترشان انتخاب کرده بودند. با کمک درمانگر، باب و راث تصور دگرجنس گرایی دخترشان که می توانست روزی با یک مرد ازدواج کرده و در یک خانواده سنتی زندگی کند، را به بوتی فراموشی می سپردند. باب و راث همچنین می بایست آن دختر کوچکی که بی چون و چرا به والدینش تکریم میکرد را فراموش کنند، دختری که بعنوان یک زن جوان، قادر بود مستقلاً دست به انتخابی بزند که با ارزشهای والدین و جامعه در تضاد باشد.

دست آخر، والدین سندی می بایست امیدوار شوند که دخترشان را از دست نخواهند داد. درمانگر ترس آنها را نشانه علاقه آنها به دخترشان تلقی نموده و آنها را تحسین کرد؛ زیرا با وجود اینکه شیوه زندگی دخترشان برایشان قابل درک نبود با این حال می خواستند ارتباطشان را با او حفظ نمایند. درمانگر به آنها یادآوری کرد که سندی تمایلات جنسی خود را به این امید برای آنها آشکار ساخته که صداقتش، در نهایت، موجب تحکیم روابطشان شود. درمانگر، راث و باب را به خاطر تربیت کردن دختری شجاع و دوست داشتنی که مایل بود برای روابطی آزاد تر و خالص تر، خطر انتقاد شدید آنها را به جان بخرد، مورد ستایش قرار داد. مخالفت باب و راث کم کم جای خود را به موافقت داد.

بسیاری از والدین قبل از آموزش پذیری نیاز دارند در مورد واکنشهای اولیه شان بحث کنند. با وجود این، این جنبه های درمانی، الگوهای سلسله مراتبی ثابتی ندارند. و ممکن است درمانگر در طول درمان مجبور

شود گاه رفتار والدین را تأیید کرده و گاه اطلاعاتی را در اختیارشان قرار دهد.

علاوه بر آموزش والدین و تأیید احساس آنها، درمانگر می بایست از سندی نیز حمایت می کرد. در طی جلسات انفرادی، درمانگر آزردهی سندی از واکنش های والدین و نیز اینکه والدین او اطلاعات درستی در مورد شیوه زندگی افراد همجنس گرا ندارند را تأیید می کرد. درمانگر جلسات قبلی شان که در طی آن در مورد ناراضی قابل انتظار والدین بحث کرده بودند، را برای سندی یادآوری کرد. ظاهراً با این یادآوری مقداری از خشم و آزردهی سندی تسکین یافت. درمانگر این موضوع را نیز به او یادآوری کرد که چگونه تقاضای او برای پذیرش فوری از سوی والدین، منجر به این شده بود که آنها سعی کنند او را به کمک گرفتن تشویق نمایند. درمانگر سندی را متقاعد ساخت که عجلتاً بر این امر اصرار نکند، بلکه در عوض موقتاً از والدینش فاصله بگیرد و به آنها فرصت دهد تا به دور از نفوذ او، با احساسات خود کنار آیند. درمانگر همچنین از سندی خواست تا احساسات قلبی اش را نسبت به شریک زندگی اش بیان کند تا بدین طریق، تا اندازه ای او را از نگرانی ناشی از واکنش والدینش رها سازد.

**دوری برنامه ریزی شده و تماس های کوتاه مدت**  
آموزش اعضای خانواده برای اجتناب از قطع روابط، کاری ضروری و اساسی است. در مورد سندی، دسترسی به والدین و دختر همجنس گرایی که تمایلات خود را آشکار ساخته، سود مند بود زیرا امکان این وجود داشت که هر دو طرف را به داشتن تماس های کوتاه و غیر واکنشی ترغیب نمود. می توان کنشهای متقابل خانواده را به دو بخش تقسیم نمود: نزدیکی در طی دوره های توافق نظر و دوری واکنشی هنگامی که اعضای خانواده با هم در تضاد هستند. با وجود این، در بعضی از مواقع می توان با برنامه ریزی، از طریق کنشهای متقابل مختصر و سطحی، فاصله موقت عاطفی ایجاد کرده و ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر را حفظ نمود و در عین حال با ایجاد فضای عاطفی به آنها امکان داد تا به با احساساتشان کنار آیند.

به منظور ایجاد تماس کوتاه و درادور میان سندی و والدینش، درمانگر باب و راث را ترغیب نمود تا با



دخترشان ارتباط تلفنی برقرارکنند. درمانگر آنها را راهنمایی کرد که در مورد احساس شان نسبت به تمایلات جنسی سندي چیزی به او نگوید و نیز به او توصیه نکنند که برای تغییر احساس خود از کسی کمک بگیرد زیرا این نوع ارتباط فقط موجب می شود سندي عصبانی شده و حالت دفاعی بخود بگیرد. او به آنها تأکید کرد که عجلتاً موضوع همجنس گرایی سندي را فراموش کنند و روابط فعلی شان را با او حفظ کنند اما بصورت سطحی بطوری که راه های ارتباط باز بمانند. او همچنین سندي را تشویق کرد که تماس های مداوم اما کوتاه تلفنی با والدینش برقرار کند. درمانگر با تأکید از او خواست تا بحث کردن در مورد همجنس گرایی اش را به تعویق اندازد و در صورتی که والدینش سوالات شخصی نامناسبی از او پرسیدند و یا کلمات رنجش آوری به زبان آوردند، با رعایت ادب حد و اندازه را نگه دارد.

باب و راث پس از چند هفته بیان و بررسی احساساتشان و نیز آموزش دیدن درباره شیوه زندگی همجنس گرایان آمادگی یافتند تا خود را با آگاهی از تمایلات جنسی دخترشان سازگار کنند. آنها علاوه بر کتاب هایی که درمانگر توصیه کرده بود، خود نیز کتاب هایی را یافته و مطالعه کرده بودند. آنها شروع به پرسیدن سوالاتی درباره رابطه اعتقادات مذهبی شان با همجنس گرایی نمودند و با کشیشی روشن فکر صحبت کرده و او نیز آنها را به پذیرش دخترشان تشویق نموده بود. آنها رفته رفته در خصوص همجنس گرایی سندي کمتر احساس قصور می کردند و کمتر نگران خراب شدن زندگی او بودند. پس از چند جلسه انفرادی، خشم سندي از والدینش کاهش یافت و بنظر می رسید که او قادر است با حالت دفاعی کمتری در برابرشان واکنش نشان دهد. آنها آماده بودند تا جلسات گروهی را در طول تعطیلات بعدی مدرسه سندي ادامه دهند.

باب و راث سنوال های فراوانی داشتند که برای دخترشان مطرح کنند و درمانگر به آنها کمک کرد که نگرانی هایشان را بگونه ای بیان کنند که رفتارهای واکنشی دخترشان را به

حداقل برسانند. او سندي را راهنمایی کرد تا بدون حالت تدافعی به نگرانی های والدینش گوش داده و به آنها پاسخ دهد. با کمک درمانگر، سندي یاد گرفت هرگاه از سوالات یا اظهار نظر های آنها بوی تحقیر یا تحمیل شدن به مشامش برسد، از عباراتی استفاده کند که با "من" شروع شده اند. کنش های والد فرزند تازه ای بر اساس علاقه خانواده به ارتباط صادقانه بوجود آمده بود و پذیرش روز افزون وضعیت جدید سندي بعنوان يك فرد بالغ جوان دارای اعتماد به نفس از سوی باب و راث، این کنش ها را بارور تر می ساخت.

وقتی باب و راث شریک زندگی سندي را به يك جشن تعطیلی خانوادگی دعوت کردند، نطقه عطف تازه ای بوجود آمد. افراد همجنس گرا شمول شرکای زندگی در مراسم خانوادگی را اولین نشانه پذیرش شیوه زندگی خود از سوی والدین می دانند. والدینی که شرکای همجنس فرزندانشان را به مراسم خانوادگی دعوت می کنند ممکن است هنوز هم قلباً از شیوه زندگی و روابط آنها ناراضی باشند، اما این اقدام را می توان پیشرفتی برای این خانواده ها بشمار آورد.

( این مطالب ادامه خواهد یافت.)



## همجنس گرایی اسلامی

### خانه دوست

استفن موری (Stephen O. Murray) نویسنده مقیم سانفرانسیسکو دارای دکترای جامعه شناسی از دانشگاه تورنتو و فوق دکترای انسان شناسی از دانشگاه برکلی است. او نویسنده کتاب هایی چون "همجنس گرای آمریکایی"، "پژوهش های همجنسگرایی"، "همجنس گرایی اسلامی"، "تئوری اجتماعی و حقیقت های همجنس گرایی" و کتاب های متعدد دیگری است.

متن سخنرانی استفن موری در کنفرانس الفاتحه در سانفرانسیسکو:

کل اطلاعات من در مورد همجنس گرایی در اسلام، در کتاب من بهتر بیان شده است. بعلاوه، من نسبت به افرادی که در اینجا حضور دارند کمتر در مورد مسلمان بودن می دانم. با وجود اینکه اسلام پایه اصلی تحقیقات من در بررسی سازمان های اجتماعی همجنس گرا در تاریخ جهان بوده است، اما نه تنها خود مسلمان نیستم، بلکه با وجود اینکه در این شهر چند فرهنگی زندگی می کنم، هیچ تحقیق شهودی هم در مورد مسلمانان همجنس گرا انجام نداده ام.

من در جامعه روستایی، همگن و اهل مذهبی کهن تر، در شرق میانه آمریکا بزرگ شدم. از آنجایی که به مذهب و اجتماع خود پشت کردم، هیچ تجربه شخصی از تطبیق همجنس گرایی خود با مذهب را ندارم و نمیتوانم نمونه و یا الگویی برای دیگران ارائه دهم. با این وجود، مدتی پیش که ایدئولوژی مسیحی - لیست دوازده باوری که زمانی در یک نفس از حفظ می خواندم - را مرور می کردم، به نظرم رسید که مسلمانان با داشتن دو باور الزامی، از قدرت مانور بیشتری نسبت به مسیحیان برخوردارند.

این فکر مرا به نوبه خود یاد مکالمه اخیرم با دوست پاکستانی به نام شاهد انداخت. شاهد به من یادآوری کرد که در طول تاریخ، جوامع مسیحی بودند - و نه مسلمان - که به طور فعال یهودیان را مورد آزار قرار داده اند، و رایش سوم مسیحی بود که در جهت نابودی یهودیان اروپا تلاش کرد.

هم چنین طبق تاریخ، تفتیش عقاید کلیسای مسیحی بود که سعی در از بین بردن همجنس گرایان و

شبهه های همجنس گرایی داشت. با وجود اینکه در طول قرون، از زمان پیامبر اسلام، امواج گرایش های پرهیزکارانه دائما در جوامع اسلامی ظهور و سقوط کرده اند، اما دول اسلامی هرگز سعی در از بین بردن همجنس گرایان و روابط شان را نداشته اند. طرز نظارت و بازرسی طالبان بر خلاف ادعای آنها اصلا سنتی نیست. سعی آنها در کنترل مطلق تمام ابعاد زندگی افراد، امری مدرن است. ادعای روش های گمشده آنها، یادآور نازی ها و استفاده آنها از تکنولوژی مدرن جهت آزار موثرتر یهودیان، برای اعاده بهشت اولیه آریایی است.

طالبان و رایش سوم را کنار بگذاریم، بر خلاف تلاش مسیحیت در تنظیم تمایلات جنسی افراد، در جوامع اسلامی این باور شایع وجود دارد که ارضای نیاز جنسی برای مردان امری الزامی است، و اکثر رهبران مذهبی مسلمان ازدواج می کنند، و بر خلاف پیروان مسیحیت کاتولیک رومی، در صومعه منزوی نمی شوند.

من قصد ندارم مانند بعضی تاریخ نویسان دیگر، اسلام را به عنوان مذهبی با نگرش مثبت به جنسیت معرفی کنم، با اینکه منکر این نمی شوم که نگرش مسیحیت نسبت به این مساله بسیار منفی است. بجای مثبت و یا منفی بودن، اخلاق جنسی عرب، در زمان محمد پیامبر، آن طور که در قرآن بیان شده است، محدود کننده است، اما زاهدانه نیست. همینطور که س.م. نعیم توضیح می دهد:

"[اکثر تحلیل های غربی] سعی دارند ارزش گذاری منفی همجنس گرایی در غرب را در مقابل آن چه آن ها به عنوان مثبت در شرق، بخصوص در جوامع اسلامی، برداشت می کنند قرار دهند. اما صحیح تر است اگر جوامع اسلامی را در یک موقعیت بی تفاوتی بینابین در نظر بگیریم، که بسته به شرایط، یا همجنس گرایی را شهوت تلقی می کنند، و یا به شدت آن را رد می کنند. به عبارت دیگر، اگر واکنش اروپا در مقابل همجنس گرایی همیشه خصومت آمیز بوده است، شرق اسلامی نه از آن تجلیل کرده است، و نه نسبت به آن کاملا بی تفاوت بوده است، بلکه بیش از هر چیز به آن نگاهی تحقیر آمیز داشته است. با این وجود،

محکومیت همجنس گرایی توسط مذهب همواره تهدیدی زنده بوده است."

فکر می کنم این امر را می توان به زندگی دگرجنس شدگان (Transgender) هم تعمیم داد، و البته همانطور که صباح فتنا یادآودی می کند، نگرش اسلام به جنسیت، فقط برای مردان می تواند مثبت تلقی شود. با مقایسه برخوردهای واقعی تر جوامع مسیحی و مسلمان با مسایل جنسی به طور کلی، و همجنس گرایی به طور خاص، اهمیت دارد به این نکته اشاره کنم که مسلمانان قرن هاست که دارای رهبریت واحد مرکزی (مانند پاپ کاتولیک برای مسیحیان) نبوده اند. با عدم وجود رهبریت مرکزی، که قدرت تغییر خواسته های خدا و کتاب مقدس را داشته باشد، در جوامع اسلامی همواره تعبیر متفاوتی از اسلام و قرآن وجود داشته است. بعضی حتی بجای اسلامی واحد، سنتی و مستقل از زمان، صحبت از اسلام ها می کنند. همان طور که انسان شناس لیوود فالرز بیان می کند، اسلام مفاهیم متفاوتی برای اعراب، ایرانی ها، افراد ساکن آسیای جنوبی و یا آفریقا دارد، و در

داخل هر کدام از این سرزمین ها، بخش های مختلف جامعه برداشت متفاوتی از اسلام دارند.

**برای اعتراض به اعدام همجنسگرایان به آدرس های زیر رفته و امضا کنید و در انتشار آن نیز کوشا باشید.**

<http://www.abolition.fr/ecpm/french/petitions.php?ref=14>

<http://www.petitiononline.com/1021ir>

کتابی که من و ویل روسکو (Will Roscoe) به اتفاق هم در مورد همجنس گرایی در اسلام تهیه کردیم، نشان می دهد که هر سه الگوی اصلی همجنس گرایی، در طول تاریخ و مکان، در جوامع اسلامی مشاهده شده اند؛ (از عشق معبودانه به پسران در اشعار فارسی، ترکی، اردو و عربی گرفته، تا استفاده جنسی مردان جوان مطرب، رقص و غیره) موقعیت جنسی خاص خنیث های مذکر در عمان و موسترجیل های (mustergil) مونث در جنوب عراق و باکره های قسم خورده بالکان و روابط بین بعضی افراد در رده های اجتماعی یکسان. این که تصور کنیم همجنس گرایی در جوامع اسلامی شکوفا شد، گزافه گویی در نوع گفتمان های شرق شناسان است. اما بدون مبالغه، می توان گفت که قبل از قرن بیستم، سرزمین های دارای متنوع ترین و آشکارترین نمونه های همجنس گرایی، کشورهای آفریقای شمالی و آسیای جنوبی بودند، نه اروپای شمالی. تنوع وسیع الگوهای همجنس گرایی در کشورهای مسلمان بیش از هر چیز نشان دهنده این است که الگوهای تک خطی برای بیان آن کافی نیست.

هیچ چیز بازدارنده رشد هویت همجنس گرای مدرن نیست. الگوهای همجنس

گرا که در آن زوج ها بر حسب سن و یا جنسیت نمایان متمایز می شوند، همچنان وجود دارد. با این وجود، در جهت تطبیق با مفاهیم جامعه در حال تغییر، پرورش پیدا می کند. به عنوان مثال، رشد شهرها یکی از عوامل اجتماعی مهم در پیدایش همجنس گرایی مدرن و فرهنگ همجنس گرایی شناخته شده است. از طرفی، جهان شهری بودن (cosmopolitanism) از مشخصات مهم جوامع اسلامی، در دوران تاریک قرون وسطایی اروپا بوده است. در آن زمان، اروپا در مقایسه با جهان اسلام، سرزمینی غالباً روستایی نشین، عقب مانده و دورافتاده به نظر می رسید.

هویت همجنس گرای غربی معاصر، می تواند نمایانگر یک شکل هویت، سبک زندگی و گروه بندی باشد. اما همانطور که در همجنسگرایی اسلامی بیان شده

هم چنین، در طول زمان، مفهوم اسلام برای جوامع مختلف متفاوت بوده است. خارج از مرز بین سنی و شیعه، مسلمانان این تصور را دارند که اسلام واقعی، اسلامی است که در آن بزرگ شده اند. تحقیقات من که در کتاب "همجنسگرایی اسلامی" چاپ دانشگاه شیکاگو جمع آوری شده است، این دیدگاه آکادمیک عرف - که قبل از همجنس گرایی به مفهوم "گی" امروزی، هیچ تمایل هوشیار همجنس گرا وجود نداشته، و یا غیر منسجم تر، پراکنده تر و بی اهمیت تر از آن بوده که بتوان با مفهوم همجنس گرایی امروز مقایسه کرد - را رد می کند.

استثنای غربی - عادت به نمایاندن تاریخ اروپای غربی، به عنوان اوج تمام پیشرفت های بشر - مدتی است که مورد انتقاد قرار گرفته است. فکرمی کنم

است، هیچکدام از این عناصر مختص همجنس‌گرایی مدرن نیست، و در جوامع اسلامی در حد کافی الگوهای رفتاری همجنس‌گرای قابل‌طبقه‌بندی مشاهده شده است.

مطرب‌های غیر مردانه عرب، که مخنث نام داشتند، مطمئناً دارای هویت خاصی بودند، به این دلیل که ایفا کننده نقش‌های اجتماعی با نامی مشخص بودند، و بی‌شک متعلق به یک حوزه فرهنگ اجتماعی نیز بودند. باکره‌های قسم‌خورده بالکان و موسترچیل‌های جنوب عراق نیز دارای هویت خاصی بودند. در حالیکه شعرای فارسی ایرانی، ترک و عرب از زیبایی مردان

جوان الهام می‌گرفتند و به ابعاد معنوی عشق بین دو همجنس می‌اندیشیدند، نوع ادبی همجنس‌گرای خود آگاهی پرورش یافت که تا زمان‌های اخیر بی‌رغیب مانده بود.

بی‌شک نمونه‌های سنتی مشخص‌کننده موقعیت‌شخص، که همواره زوج‌های جنسی را بر حسب این‌که کدام فاعل و کدام مفعول است،

طبقه‌بندی می‌کند، برخلاف نظریه همجنس‌گرای مدرن است. اما برخورد با الگوهای همجنس‌گرایی در جوامع اسلامی، به عنوان مقوله‌هایی کاملاً جدا از همه جوانب هویت همجنس‌گرای مدرن، فقط نمایانگر نگرش خود مرکزین اروپایی است.

امکان بیان میل به همجنس، پیگیری روابط با همجنس، اقتباس هویت غیر دگرجنس‌گرا و گراییدن به شبکه‌های افرادی با تمایلات مشابه، در دوران مختلف و مکان‌های مختلف، در جوامع اسلامی وجود داشته است. با این وجود، تساهل در قبال همجنس‌گرایی، در جوامع مسلمان، همواره همراه با نوعی انکار جمعی بوده است، که در آن شرط همجنس‌گرا بودن، حاشا کردن آن است. من از این امر تحت عنوان "میل به ندانستن (will not to know)" رفتار و روابط همجنس‌گرا یاد کرده‌ام.

بدرالدین خان در دو کتاب همجنس‌گرایی اسلامی و تعلق به یکدیگر و نه سکس (Longing and Not Sex) از فشار منکوب‌کننده خانواده صحبت می‌کند، که خواسته‌های شخصی را ناچیز نگاه می‌دارد، و شرکت در سازمان‌های اجتماعی خاص را از شخص سلب می‌کند. تساهل در قبال همجنس‌گرایی مستلزم این است که فرد سبک زندگی همجنس‌گرایانه مطالبه نکند، و یا خواستار روابطی پایدار با جنس موافق نباشد، بطوری که تهدیدی برای روابط با جنس مخالف به حساب بیاید، و یا با مسئولیت خانوادگی تداخل پیدا کند. تجزیه و تحلیل بدرالدین در مورد موانع در مقابل سازمان

های همجنس‌گرا از نظر من قابل قبول است، و بجای اینکه بیشتر از این در مورد آن صحبت کنم، از شما دعوت می‌کنم مستقیماً به این فصل از کتاب او مراجعه کنید.

امروز من با بدرالدین تلفنی صحبت می‌کردم، و از او پرسیدم در اینجا چه بگویم. وی گفت روشی که لازم است مسلمانان مقیم



آمریکای شمالی دنبال کنند شامل سه بخش است: قبول شخصی میل همجنس‌گرا، تطبیق هویت همجنس‌گرا با هویت مذهبی و حرکتی سیاسی در جهت کسب حقوق متفاوت بودن، و حق غیر دگرجنس‌گرا بودن. ممکن است بدرالدین خود در مورد نحوه‌های رسیدن به این استراتژی مطلبی بنویسد، اما تخصص محدود من فقط در حد جمع‌آوری اسنادی است که نشان می‌دهد تشکیلات مختلف جهت پذیرش همجنس‌گرایی و ناسازگاری جنسی، همواره در طول تاریخ و مکان‌های جغرافیایی مختلف در جهان اسلام، وجود داشته است. چگونگی بهره‌گیری از این میراث، از حیطة تخصص من خارج است و تنها می‌توانم برایتان آرزوی موفقیت کنم.

## اعتیادی جدید



از سال ۱۹۹۵ میلادی روانپزشکی بنام گلد برگ، **اعتیاد جدیدی** را کشف کرد! او با مردمی روبرو می شد که برای دیدن مونیتر کامپیوترشان، خانواده را رها کرده اند! این ها در

بسیاری از مواقع ترجیح می دادند وقت خود را با کامپیوتر و در سایتهای مختلف اینترنت بگذرانند! بدین ترتیب این اعتیاد جدید را کشف کرد و بتدریج سایر محققین جنبه های دیگر این اعتیاد را شناسائی نمودند. **اعتیاد به اینترنت سرعت رو به گسترش است و هر روز افراد جدیدی را به کام خود می کشد.** سن و سال فاکتور کم اهمیتی در این اعتیاد است و مبتلایان از گروههای مختلف سنی به آن دچار میگردند.

البته به هیچ وجه نمی توان منکر خوبی ها و نکات مثبت اینترنت در مسیر پیشرفت جامعه ی بشری شد. بسیاری از تجارت ها، ارتباطات، آموزش ها، خریدها و... به راحتی با این وسیله ی ارتباطی انجام می شوند و هر روزه نقش این سیستم در زندگی ما پر رنگ تر می گردد. اعتیاد به اینترنت نیز مثل اعتیاد به تماشای تلویزیون، حل جدول، تماشای فوتبال، و... از جمله اعتیادهای کم خطر محسوب می شود اما به هر حال باید به آن توجه خاصی داشت.

نکته ی جالب و قابل ذکر این است که این افراد درست مثل معتادان به مواد مخدر، در صورت عدم دسترسی به خواسته شان، دچار بی قراری، تحریک پذیری، عصبانیت و احساس نیاز می شوند! البته شدت این علائم از فردی تا فرد دیگر متفاوت است. وابستگی این ها به کامپیوترشان و وسواسشان نسبت به آن باعث بی تفاوتی نسبی، انکار مسؤلیت نسبت به خانواده، ازدواج، شغل و سایر مسائل می شود! به همین دلیل مشکلات کوچک و بزرگی برایشان پدید می آورد. نکات و تحقیقات بسیار جالبی روی مسائل و حواش اینترنت صورت گرفته است، برای مثال بررسی میزان استرس و اضطراب در استفاده کنندگان دائمی اینترنت در اثر مشاهده ی قبض تلفن آخر ماه !!! که البته خوشبختانه، در جامعه ی مورد مطالعه هیچ افزایشی در سطح استرس این افراد مشاهده نشد.

هم چنین در تحقیقی دیگر، تاثیر اینترنت بر روی سیکل خواب و بیداری استفاده کنندگان مورد بررسی قرار گرفته است، که نشانگر کاهش ساعات خواب شب و برعکس، افزایش خواب روزانه ی این افراد بوده است. اختلال در تنظیم خواب و بیداری، مختل شدن تغذیه و نظم آن، از دست دادن و یا فراموش کردن وعده های غذایی و... از جمله نتایجی است که مطالعات مختلف بر روی این افراد، در آن اتفاق نظر دارند!

### معیارهای تشخیصی اعتیاد به اینترنت چیست؟



چند معیار شناخته شده و پذیرفته شده برای این اعتیاد وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: افزایش تدریجی ساعت هایی که از اینترنت استفاده می کنند، علائم

قطع تماس و بازگیری از اینترنت، عدم موفقیت در سعی برای کاهش استفاده از اینترنت، درکنار اعتیاد به اینترنت، حالت کنترل شده تری بنام وابستگی به اینترنت نیز وجود دارد که در آن شدت علاقه کمتر بوده، اصلاح آن با سهولت بیشتری انجام می گیرد. زندگی و کارهای روزمره این افراد کمتر از معتادان اینترنتی تحت تاثیر قرار می گیرد.

فرار از مشکلات روزمره و بهبودی خلق و خو، از جمله مهم ترین علت های اعتیاد و وابستگی به اینترنت می باشند. یک آمار بسیار جالب و قابل ذکر از طرف دستگاه پلیس ملی امریکا ارائه شده است که در آن به کاهشی معادل ۲/۱۴ درصد در جرائم سخت و تبه کاری در طول سالهای پس از ۱۹۹۵ اشاره کرده اند !!! ( از زمانیکه استفاده از اینترنت بتدریج رو به افزایش گذاشت، البته این مسئله ارزان نخواهد بود و پیش بینی میکنند که بر عکس آمار جرائم اینترنتی روز به روز افزایش یابد !!! و موجب درد سرهای جدیدی گردد.

### تشخیص میزان اعتیاد به اینترنت:

چه گونه میتوان به میزان اعتیاد به اینترنت را تعیین کرد؟ میزان استفاده از اینترنت در افراد مختلف، متفاوت است و میزان اعتیاد به آن را نمی توان بر اساس تعداد ساعت های متصل بودن به اینترنت تعیین کرد. میزان تاثیر و نقش اینترنت بر زندگی فرد و آثار آن ( در خانواده،

کار، تحصیل و...) معیار مهمتر و دقیق تری برای سنجش این اعتیاد است.

به همین دلیل محققین معیارهای جالب و عملی را برای سنجش میزان اعتیاد به اینترنت ابداع کرده اند که از جمله می توان به فرم پرسشنامه ای زیر اشاره کرد: نکته ی مهم اینست که در زمان پر کردن این فرم، زمانهای اتصال به اینترنت در فعالیتهای مرتبط با شغل، تحصیل و سایر استفاده های ضروری را در پاسخ دخالت ندهیم تا پاسخی صحیح تر بدست آوریم. \* برای هر کدام از سؤالهای زیر، یکی از گزینه های زیر را بعنوان پاسخ، انتخاب کنید و نمره ی آن را به خود بدهید:

۱ = بندرت

۲ = گاهی اوقات

۳ = معمولا

۴ = اغلب

۵ = همیشه

سؤال اول: دوست دارید برای مدت زمانی بیشتر از زمان واقعی مورد نیاز، به اینترنت متصل بمانید؟ (دلتان نمی آید از اینترنت جدا شوید)

سؤال دوم: چه میزان از کارهای منزل را برای متصل بودن بیشتر به اینترنت ناتمام می گذارید، یا از آن فرار می کنید؟ (چقدر دوست دارید شما را راحت بگذارند تا با اینترنت مشغول باشید)

سؤال سوم: تا چه حدی به ایجاد ارتباطات جدید در اینترنت و مکالمه با دوستان آنلاین خود اهمیت می دهید؟ (چه مدتی را به چت با آنها می پردازید) سؤال چهارم: تا چه حدی دیگران از آنلاین بودن شما گله میکنند؟

سؤال پنجم: چه میزان از کار و زندگی و تحصیلات شما در اثر کار با اینترنت دستخوش تغییر شده است؟ سؤال ششم: چقدر از وقتتان را صرف چت با دوستان خیلی نزدیکتان در اینترنت می کنید؟

سؤال هفتم: تا چه حد، قبل از انجام کارهای دیگر، به چک کردن ایمیلتان می پردازید؟

سؤال هشتم: چه میزان از توانایی های کاری و تولیدی شما در اثر کار با اینترنت تحت تاثیر قرار گرفته است؟

سوال نهم: تا چه میزان مجبورید در مقابل سؤالات دیگران در مورد استفاده از اینترنت خود را قایم کنید، یا مجبور به دفاع از خود باشید؟

سوال دهم: تا چه حدی نیاز دارید برای فرار از تفکرات آزار دهنده، به سراغ اینترنت بروید و با آن خود را تسکین دهید؟

سوال یازدهم: چه میزان به این فکر هستید که کی میتوانید مجددا وارد اینترنت شوید؟

سوال دوازدهم: چقدر به این که زندگی بدون اینترنت بسیار خالی از انگیزه، تهی از شادی و... است فکر میکنید؟

سوال سیزدهم: چقدر از اینکه دیگران از شما در زمان کار با اینترنت سؤال کنند، یا کاری را به شما محول کنند، به خشم می آید؟

سوال چهاردهم: چقدر از خواب خود را در طول شب بخاطر استفاده از اینترنت از دست می دهید؟

سوال پانزدهم: چقدر از اینکه نمی توانید به اینترنت متصل شوید، پریشان خاطر می شوید و بر عکس از اینکه می توانید از آن استفاده کنید، خوشحال می شوید؟

سوال شانزدهم: چقدر پیش می آید که برای آف شدن از اینترنت به خود بگوئید: فقط چند دقیقه ی دیگر؟ سوال هفدهم: چقدر تلاش می کنید تا به اینترنت وصل شوید؟ (اگر خط های شما مرتبا شلوغ باشد و به راه شما راه ندهد)

سوال هجدهم: تا چه حدی سعی می کنید متصل بودنتان به اینترنت را از دیگران مخفی کنید؟ سوال نوزدهم: تا چه حدی ترجیح می دهید بجای بیرون رفتن از خانه (با دیگران) با اینترنت مشغول باشید؟

سوال بیستم: تا چه حدی از آف بودنتان پریشان خاطر، عصبی و بیقرار می شوید؟

پس از اینکه این سؤالات را بر اساس گزینه های ابتدا پاسخ دادید، نمراتی را که به خود داده اید جمع بندی کنید نمره ی نهائی را بر اساس مطلب زیر تفسیر کنید: 20-49: شما از جمله استفاده کنندگان متوسط اینترنتی هستید، ممکن است که استفاده ی شما بیشتر از حد معمول باشد اما بهر حال روی این استفاده کنترل دارید و این نکته ی مثبتی تلقی می شود.

## خاطره ای که می پرستم

### دل آرام

می نویسم

برای محبوبی که هیچ وقت نفهمید چقدر دوستش داشتی. به مناسبت تولد چهل سالگی! ساده بودم و تنها، دوست داشتم اما هیچ کس نمیدانست، عشق من گناه بود اما پاک. وقتی از دور تو را می دیدم که می آیی، فرار میکردم که من را نبینی، تا یک وقت تو چشمهایم عشق را خوانی! یک وقت نفهمی خیلی بیشتر از عشق شاگرد به معلم دوستت دارم تا یک وقت لرزیدن دست و پاهایم را نبینی.

روزهایی که با تو کلاس داشتم از شادی میدانستم باید چکار کنم. میرفتم پشت پنجره ی آن یکی کلاس منتظر آمدنت می شدم تا حتی یک لحظه دیدن تو را هم از دست ندهم. وقتی تو را می دیدم که از پله بالا می آیی، تا به من برسی، تا به من درس بدی، تا برای من حرف بزنی، دوست داشتم هم آنجا بایستم و بدون اینکه من را ببینی راه رفتن تو را نگاه کنم، که چه با ابهت پله ها رو سریع میایی بالا...

در باز میشد و تو با سلام سلام گفتن و آن لبخند همیشگی تو وارد کلاس میشدی. با آن کلاسور آبی تو، خدای من، سر جایم خشک می شدم، اما چشم های عاشقم تو را تا میز دنبال می کرد تا یک وقت لحظه ای از دیدنت باز نماند.

حالا وقت حضور غیاب بود، وقت خواندن اسم من، منی که همیشه حاضر بودم، اما تو هیچ وقت حضور من را احساس نکردی، وقتی اسم من را می خواندی و با بله جواب تو را می دادم، وقتی سرت را از روی ورق بلند میکردی و نگاهم میکردی...

دوست داشتم یک بار نفسم تو سینه حبس نمی شد. دوست داشتم یک بار زبانم بند نمی آمد. دوست داشتم می توانستم بلند شوم و بگویم: خانوم اجازه! میشه ما بریم بمیریم؟

درس تو را خواندم و بهترین شاگرد تو شدم. این تنها راهی بود که میتوانستم خودم را توی دلت جا کنم، چه امید بزرگی بودی در زندگی، چه رویای زیبایی بودی، رویایی که هیچ وقت سعی نکردم به حقیقت بپیوندم. اگر می خواستم هم محال بود.

79-50 : شما بخاطر استفاده ی مکررتان از اینترنت دچار مشکلاتی هستید و باید توجه داشته باشید که اینترنت همه ی زندگی شما نیست. به جنبه های دیگر زندگیتان نیز بپردازید.

100-80 : استفاده ی بیش از حد شما از اینترنت باعث آسیبهای شدیدی برای شما شده است و مسؤل بسیاری از مشکلاتتان می باشد.

توجه داشته باشید که هر چه نمره ی بیشتری بگیرید، میزان وابستگیان به اینترنت بیشتر است .

### سپاسگزاریم ای دوست

با سپاس از تمامی دوستان و عزیزانی که به کمپین نجات جان آندره آراگلی پیوستند و با ارسال فاکس ها و نامه ها و ایمیل های خود خواستار متوقف شدن دیپورت این همجنسگرای ایرانی از آلمان به ایران شدند. بدینوسیله به اطلاع می رساند که آندره آزاد شد و چندی پیش با دوست خود ازدواج کرد و چندی دیگر جشن ازدواج این دو همجنسگرا برگزار خواهد شد.

ما نیز در شادی او سهیم هستیم

شاد باشید و سربلند



## نشست PGLO با کمیسری عالی پناهندگان سازمان ملل UNHCR

مدت های زیادی بود که در حال ایجاد ارتباط و برقراری پایدار با سازمان ملل و دفتر کمیسری عالی پناهندگان بودیم. تا اینکه پس از واقعه ناگوار اعدام های مشهد



به کمک سازمان سراسری پناهندگان ایرانی در کانادا در جلسه رسمی کمیسری عالی پناهندگان سازمان ملل در دوم آگوست به حضور پذیرفته شدیم.

هیئت سه نفره ای متشکل از سرکار خانم مینو همیلی

معاون سازمان سراسری پناهندگان ایرانی و جناب آقای وحید مهاجر مسول واحد نیوزلند و جناب آقای آرشام پارسی سخنگو و دبیر کمیسیون حقوق بشر سازمان همجنسگرایان ایرانی با هیئت عالی رتبه از کمیسری عالی پناهندگان متشکل از جانشین رییس دفتر سازمان، سخنگو و مسول روابط خارجی و مسول امور جایگزینی پناهندگان ملاقات و گفتگو کردند.

مدت این نشست حدود دو ساعت بود و پیرامون پناهندگان ایرانی و پناهندگان همجنس گرا و وضعیت همجنس گرایان در ایران بحث و تبادل نظر شد.

رولند شیلینگ جانشین رییس اعلام کرد که با توجه به ۱۵ سال سابقه کار او در این نهاد و تجربیات او حدود ۲۰ سال هست که مردم نارضایتی خود را از UNHCR اعلام می کنند و همواره شاکی هستند. ایشان نقش اصلی UNHCR را حفاظت از پناهنده هایی دانستند که فرار می کنند. مسولیت حفاظت جانی انسانها به عهده دولت ها می باشد و زمانی که دولتی این کار را انجام ندهد و فردی از آن بگریزد و فرار کند ما این کار را انجام می دهیم. اما متاسفانه قدرت حمایت و حفاظت

بالاخره روزی که از رسیدنش وحشت داشتم رسید. روزگار داشت من را به زور از بهشت کوچک بیرون می کرد. آخر سال سر امتحانت وقتی ورقم را به تو دادم، وقتی با تو چشم تو چشم شدم باز هم زبانم بند آمد. سریع سرم را انداختم پایین. یک خسته نباشید گفتم و وقتی کنار رفتی که راه باز شده و من رد شوم، من رد شدم و با تمام وجودم دویدم، باز هم از تو فرار کردم.

حالا من از تو فقط چند دقیقه صدا که یواشکی سر کلاس ضبط کردم دارم و دو تا عکس که آخر سال با ما انداختی. دیگر نه شاگردی به اسم من توی آن کلاس هست، نه عشقی به اسم تو در قلب من. دیگر هیچ وقت سعی نکردم یک رویای دست نیافتنی را توی سرم قرقره کنم. دویدم و از همه چیز فرار کردم، از عشق پاکتی به اسم گناه فرار کردم، یک بار دیگر از تو فرار کردم.

معلم محبوبم، الهه ی رویاهای من !

تولد بهانه ای بود که یادت را از بایگانی ذهنم بیرون بکشم و یادی از تو کنم. باز هم جایی از تو یاد می کنم که هیچ وقت به دست تو نرسد. تا حرفهای ناگفته ی من همچنان ناگفته بماند. تا خودت و عشقت باز هم در خاطرات خوب بچگی هایم بماند. فقط در خاطراتم بماند، خاطره ای که می پرستم!





کافی نداریم زیرا که نه قدرت پلیس و نه چاه نفت و نه درآمدی داریم که بخواهیم سرویس دهی های مناسبی داشته باشیم یعنی خودمان هم به نوعی فقیر هستیم و این ناخرسندی های مردم به علت این منبع کم مالی است. به عنوان مثال در کشوری که ۸۰۰۰۰۰ پناهنده وجود دارد به اندازه ۱۰۰۰ نفر بودجه وجود دارد و این باعث بروز مشکلات زیادی هست. ما حداقل یک میلیون دلار کسر بودجه داریم که در صورت داشتن آن می توانستیم خدمات دهی کنیم. ما سعی می کنیم که درآمد بدست آورده و کمبودهای خود را مرتفع سازیم.

جناب آقای رولند شیلینگ اظهار داشتند که شاید از منظر ریز نگری و نمونه های آماری کوچک کاری انجام نگرفته است اما در سطح جهانی UNHCR فعالیت های چشم گیری را انجام داده است. با توجه به شرایط کنونی ما محافظت و سرویس دهی فقط برای پناهندگان است و پناهجویان شامل این خدمات نمی شوند. شاید معنی پناهنده از دید UNHCR و دیدگاه دیگران متفاوت باشد و این باعث بروز برخی اعتراضات و یا اشکالات گردد. ما کاملاً مطلع هستیم که انتظار چقدر سخت و طاقت فرساست و پناهجویان در چه شرایط سختی هستند و چه فشارهای مالی بر آنها وارد می گردد. هم چنین آگاهیم که کار کردن برای

خارجی ها سخت است زیرا زبان آن کشور را نمی دانند و مهارت کافی ندارند.

نمایندگان سازمان IOIR در ارتباط با پرونده های مختلف پناهجویان به ویژه پناهدگان ایرانی در عراق و یا فرار کرده از عراق و مشکلات و موانع آن پرداخته

و خواستار آن شدند که به وضعیت نابسامان آنها رسیدگی نمایند و در راه دفاع از حقوق انسانی آنها کوشا باشند.



پس از آن موضوع سازمان همجنسگرایان ایرانی و همکاری ها و فعالیت های آن در امر پناهجویی مطرح گردید که سخنگوی سازمان به شرح مشکلات و مسایل پناهجویان همجنس گرا پرداخت و خواستار آن شد که این قشر از جامعه را از حمایت های ویژه ای برخوردار سازند زیرا که با دیگر پناهجویان تفاوت های اساسی دارند چون پناهجویان سیاسی و مذهبی از کشور فرار کرده و در کشور دوم از امنیتی برخوردار هستند و روند پناهجویی خود را طی می کنند اما همجنس گرایان که نه از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران پذیرفته شده اند و نه از طرف ملت ایران پذیرفته می شوند و حتی خانواده آن ها را طرد می کند پس از فرار باز هم در کشور دوم مشکلات و مسایل گذشته خود را دارا می باشند و باز حقوق انسانی آنها پایمال می گردد و از امنیتی برخوردار نیستند. تصاویر اعدام دو نوجوان به جرم لواط نشان داده شد که هیئت سازمان ملل از آن کاملاً مطلع و متاثر بودند و درخواست گردید که مشکلات پناهجویان همجنس گرا با همکاری های سازمان PGLO مرتفع و هموار گردد.

مسول امور جایگزینی پیشنهاد دادند که سازمان قبل از اینکه پرونده ها بسته و یا مردود شود اقدام به تایید و یا ارائه اطلاعات و همکاری ها نماید و روند پناهجویی را تسریع بخشند. سخنگوی سازمان PGLO نیز اعلام کرد

که از حدود شش ماه گذشته سازمان با انجام مصاحبه هایی اقدام به صدور تاییدنامه های همجنس گرایی می نموده که مورد توجه هیئت UNHCR قرار گرفت.

در زیر متن سخنرانی سخنگوی سازمان PGLO به شما دوستان تقدیم

می گردد:

در سال ۱۳۸۱ گروهی به اسم گروه رنگین کمان تشکیل شد و به مسایل و مشکلات و متحد نمودن

همجنس گرایان پرداخت. فعالیت های این گروه تنها از طریق ایمیل می بود و با توجه به ازدیاد حجم کارها در سال ۱۳۸۲ وب سایت [www.persiangayboy.com](http://www.persiangayboy.com) ایجاد و شروع به کار نمود این وب سایت با اهدافی بزرگ در جهت اعطای بخشیدن به همجنسگرایان و رفع نیازها، آموزش و اطلاع رسانی آنها ایجاد شد و به مردان همجنس گرا اختصاص داشت. صاحبان و گردانندگان این سایت عبارت بودند از جناب آقای سیاوش نیک و آرین ورجاوندی. پس از حدود چند ماه و استقبال شدید مراجعه کنندگان و همکاری عزیزان به پیشنهاد دوستان گرامی اتحاد و گروهی بزرگتر به اسم PGBSO تشکیل گردید و فعالیت های گسترده تری را ارائه نمود و فراگیر تر شد. در پی هماهنگی با برخی فعالان همجنس گرایی گروه گسترده تر گردید و با توجه به شرایط محدود داخل کشور و عدم توانایی انجام فعالیت های رسمی اقدام به ثبت سازمانی در کشور نروژ به اسم سازمان همجنسگرایان ایرانی PGLO که برگرفته شده از Persian Gay & Lesbian Organization می باشد، گردید و تقریباً از بهمن ماه ۸۲ فعالیت غیر رسمی سازمان آغاز گردید و در اول فروردین ماه سال

۸۳ سازمان همجنسگرایان ایرانی به صورت رسمی فعالیت های خود را آغاز نمود و با توجه به سابقه کار و فعالیت های جناب آقای آرین ورجاوندی ایشان از طرف گروه PGBSO به عنوان دبیر اول سازمان منصوب گردیدند. سال ۱۳۸۳ از طرف دبیر اول سازمان به عنوان سال رشد فرهنگی همجنس گرایان ایرانی نامگذاری گردید و در طول آن سال سعی شد که بیشتر فعالیت ها را بر روی همجنس گرایان مورد اجرا قرار داده و از فعالیت های بیرون سازمانی دوری شد و بیشتر انرژی بر روی فعالیت های درونی بود زیرا که همواره

مهمترین قشر، خود همجنس گرایان می بوده اند و مطالعه زیرساخت های سازمانی از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. سال ۸۴ نیز به نام سال هم آوازی، همسو سازی و اتحاد همجنسگرایان نامگذاری گردید و زمان آن فرا رسید تا پروژه های در دست مطالعه سازمان فعالیت های اولیه خود را آغاز نمایند. اولین



پروژه ایجاد کمیسیون حقوق بشر سازمان بود که بتوان از این طریق فعالیت ها و مطالعات حقوقی را آغاز نمود و با توجه به فعالیت های بسیار زیاد آقای آرشم پارسی، یکی از همجنس گرایان و اعضای سازمان مسولیت این کمیسیون به عهده ایشان قرار گرفت. این کمیسیون همواره درصدد دفاع از حقوق LGBT های ایرانی و به عنوان مرکز نظارت حقوقی شروع به کار نمود. دومین پروژه نشریه همجنس گرایان ایرانی بود. این پروژه دربرگیرنده ارائه نشریات و مجلات و بولتن ها و سایر خواندنی ها می باشد. اولین محصول این نهاد نشریه چراغ بود که تا به حال ۵ پیش شماره از آن منتشر گردیده است. با توجه به سابقه فعالیت های فرهنگی و نشریه ای آقای پیام شیرازی، یکی از همجنس گرایان و اعضای سازمان مسولیت نشریه همجنس گرایان ایرانی به ایشان واگذار شد. پروژه بعدی صدا و سیمای همجنس گرایان ایرانی بود. رادیوی اینترنتی نیز اولین قدم مطالعات عملی این پروژه بود که تا به حال ۱۲ برنامه از آن پخش گردیده است. تلویزیون همجنس گرایان ایرانی نیز هنوز در دست مطالعه می باشد و مراحل ابتدایی خود را طی می کند. مسولیت صدا و

سیمای همجنس گرایان ایرانی را خانم آرزو صالحی به عهده دارد. طرح ها و پروژه هایی که هنوز مطالعات اولیه آن پایان نپذیرفته و امیدواریم که هر چه زودتر با تدابیر مدیران و صاحب نظران و خصوصاً خود همجنس گرایان اجرا گردد عبارتند از: کتابخانه همجنس گرایان ایرانی، ایجاد ساختمان سازمان، حضور رسمی در مجامع بین المللی، کانون خبرنگاران و نویسندگان همجنس گرا، تشکیل هسته های زنان و مردان همجنس گرا و ...

تمامی این طرح ها و پروژه ها در جهت اطلاع رسانی صحیح و منطقی در سطوح عمومی و معرفی و دفاع از همجنس گرایان ایرانی می باشد امید است که با

مشارکت همه همجنس گرایان این امر هر چه زودتر محقق گردد.

شایان ذکر است که سازمان PGLO در نظر دارد که با مشارکت دیگر سازمان های بین المللی اقدام به تاسیس یک جمعیت مدافع LGBT های ایرانی نماید که حامی، مدافع و پشتیبان کننده لژیون ها، گی ها، بایسکشوال ها و ترنسجندها باشد.

سازمان همجنسگرایان ایرانی در حال حاضر دارای بیش از ۸۹۵۰۰ عضو غیر رسمی (بدون پرداخت حق عضویت) می باشد که دریافت کننده برنامه ها و اطلاعات سازمان به صورت دائمی و پیگیر هستند.

وب سایت سازمان [www.pglo.org](http://www.pglo.org) می باشد و طی آمارهای گرفته شده در سال اول فعالیت بیش از ۵۶۰۰۰ بازدید کننده داشت که به طور متوسط روزانه ۱۵۰ نفر سایت سازمان را بازدید می کردند. اما در سال دوم به دلیل اینکه سایت سازمان از طرف دولت جمهوری اسلامی به صورت یکپارچه در سرتاسر کشور فیلتر گردید آمار بازدید کنندگان آن حدود ۶۵٪ کاهش یافت که برای برطرف سازی این مشکل به ناچار مجبور گردیدیم که اطلاعات و برنامه های خود را برای آدرس های پست الکترونیکی آنان ارسال نماییم تا از این طریق بتوانیم ارتباط خود را حفظ کنیم که تا حد زیادی موفق بودیم.

یکی از تمهیدات سازمان با توجه به وضعیت نامناسب LGBT های ایرانی در کشور استفاده از اسامی مستعار و عدم حضور در فعالیت های فیزیکی در کشور است که بیم آن می رود مشکلاتی برای آنان بوجود آید لذا ارتباطات تنها از طریق اینترنت و آدرس های پست الکترونیکی انجام می پذیرد. اما طبق برنامه های از قبل تعیین شده سازمانی تصمیم بر این است که تا اواخر سال ۲۰۰۵ ساختمان اداری سازمان در یکی از کشورهای اروپایی تاسیس گردد و فعالیت های رسمی و اداری آغاز شود.

شایان ذکر است که سازمان همجنسگرایان ایرانی دارای نمایندگانی در کشورهای اروپایی و امریکایی می باشد که همواره در جهت دفاع و پیشبرد اهداف سازمان فعالیت می کنند که به عنوان مثال آخرین فعالیت همگانی در جهت دفاع از حق پناهندگی آندره

آراگلی همجنس گرای پناهجو در آلمان بود که موفق شدیم از دیپورت آن جلوگیری نماییم.

سازمان همجنسگرایان ایرانی از دخالت در امور سیاسی پرهیز می کند و از تمامی LGBT ها با تمام عقاید سیاسی و مذهبی و اجتماعی حمایت پشتیبانی خواهد نمود.

سازمان همجنسگرایان ایرانی عضو کمیته بین المللی علیه اعدام و سنگسار، سازمان سراسری پناهندگان ایرانی، سازمان رهایی زن، جمعیت بین المللی همجنسگرایان ILGA و دیگر سازمان های جهانی می باشد و در حال برقراری ارتباطات بیشتر است.

در جهت اطلاع بیشتر آدرس ها و مشخصاتی جزئی از فعال ترین اعضای سازمان به صورتان ارسال می گردد:

جناب آقای آرین ورجاوندی به سمت دبیر اول سازمان سرکار خانم ترانه فروهر به سمت دبیر دوم

جناب آقای آرشام پارسی به سمت سخنگو و دبیر کمیسیون حقوق بشر سازمان

جناب آقای پیام شیرازی به سمت مسول امور فرهنگی و سردبیر نشریه همجنس گرایان ایرانی - چراغ

سرکار خانم آرزو صالحی به سمت مدیریت صدای همجنس گرایان ایرانی

سرکار خانم مهرناز خجسته به سمت مدیریت سیمای همجنس گرایان ایرانی

جناب آقای پدram پارسا به سمت مسول امور اجتماعی

جناب آقای مانی به سمت مسول امور بهداشتی

جناب آقای کیا احمدی به سمت مسول امور آموزشی

جناب آقای سپنتا به سمت مسول امور مالی سازمان

در آخر به درخواست سازمان PGLO قرار شد که ملاقات های دیگری در رابطه با ارائه اطلاعات و وضعیت همجنس گرایان در ایران تعیین و برگزار گردد.

در حاشیه این جلسه نشستی نیز با دفتر مرکزی کمیسیون حقوق بشر نیز برگزار شد که در آن جلسه نیز پیرامون مسایل فوق بررسی و تبادل نظر گردید.

را حمایت کنید PGLO رادیو  
رادیو برای ادامه کار و خدمات بیشتر به کمک مالی شما دوستان نیازمند است.  
ای همجنسگرا، من هستم، تو هم باش.  
[www.radio.pglo.org](http://www.radio.pglo.org)  
[radio@pglo.org](mailto:radio@pglo.org)

## واژه نامه ی جنسی



با توجه به اشتباه استفاده نمودن واژه های انگلیسی برای بیان گرایش‌ها و همچنین سوالات زیاد

دوستان عزیز بر آن شدیم که واژه نامه ای را ارائه نماییم تا از این طریق علاوه بر آگاهی رسانی در جا افتادن و کاربرد صحیح آن اصطلاحات کوشا باشیم. در شماره قبل به بیان معنی و مفهوم واژه‌هایی کلی و اساسی پرداختیم و در این شماره موارد جزئی تری را ارائه می نمایم.

### DRAG

به دوگانه پوشی گفته می شود که عموماً شامل رابطه جنسی نمی گردد.

### Fag

این واژه ای بود که از بسیار قدیم دگرجنس گرایان برای توهین کردن و خشمگین ساختن همجنس گرایان مرد استفاده می کردند، اما بین همجنس گرایان با جنبه مثبت استفاده شد و اکنون آن چنان زشتی و گستاخی قدیم را در ادبیات انگلیسی ندارد.

معنی واژه ای این کلمه حمال و خدمتکار است اما در این جا به معنی هیزم استفاده می شود چرا که از واژه Fog out به معنی دسته هیزم گرفته شده است. آن هم به این دلیل که در گذشته باور بر این بود که همجنس گرایان را باید سوزاند و آن ها می توانند هیزم خوبی برای جهنم باشند.

با گذشت زمان واژه fog تغییر کاربرد کرد تا جایی که حتی دانش آموزان دبستانی نیز به شاگردان سال پایین خود fog خطاب می کردند به معنی آن که شما زر دست مان هستید. در حال حاضر fog به کسی گفته می شود که مایل است در روابط جنسی اش مفعول واقع شود.

### Camp

به معنی گردش و اردو است و نشان گر موضوعی است که بین همجنس گرایان بیشتر رواج دارد.

### Closet

یعنی پستو یا جایی که معمولاً لباس ها و وسایل گذاشته می شود. در بین همجنس گرایان به محلی گفته می شود که بتوانند راحت جنسیت خودشان را ابراز کنند.

### Sugar daddy

به معنی بابای بامزه است و به مرد همجنس گرای مسنی گفته می شود که در بین مردان جوان همجنس گرا حضور بیشتری دارد.

### Drag Queen

شاهزاده ی زورکی و به مردان همجنس گرایی گفته می شود که احساس خوش تیپی زیادی دارند و معمولاً به پوشیدن لباس های زنانه علاقه نشان می دهند.

### Fogdog

یعنی عجوزه و به زنان دگرجنس گرایی گفته می شود که سعی می کنند با گشتن دور و بر مردان همجنس گرا دوستی برای خود دست و پا کنند.

### Family

به معنی فامیل و خانواده می باشد و اصطلاح و رمزی است بین همجنس گرایان که به دگرجنس گرایان گفته می شود.

### Flame

به معنی شعله می باشد و به مردان همجنس گرایی گفته می شود که بیش از حد رفتار های زنانه دارد و در هر جا انجام می دهد و فرقی برایش ندارد.

### Her

ضمیر اشاره مونث است که همجنس گرایان در جوامع خود برای شوخی یکدیگر را خطاب می کنند.

امادر سالهای ۸۰ میلادی، در جریان مبارزات همجنس گرایان در آمریکا، بعضی مبارزان و گروه های همجنس گرا، بخصوص گروه Nation Queer شروع به استفاده از این واژه بجای واژه های رایج "گی" و "لزیبن" برای بیان هویت خود کردند. آنها شعار می دادند: "این است که هستیم، ما همجنس گراییم باید با آن بسازید" و اکنون آن چنان حساسیتی ندارد و برخی مواقع به جای گی استفاده می شود.

این گذار نشانگر تغییر و تحول هویت و موقعیت اجتماعی-سیاسی-فرهنگی همجنس گرایان در آمریکا و بعضی دگر کشورهای غربی بود. از نظر آنها "گی" و "لزیبن" بیانگر هویت هایی محدود و ناقص بودند. بعلاوه لفظ فراهنجار عصیانگر و نشانگرخواست این افراد به متفاوت بودن، وعدم نیاز آنها به پذیرش از طرف باقی جامعه و تحلیل در آن بود

### Size Queer

به معنی شاهزاده ی سانتی است و به کسی گفته می شود که عموماً قضاوت هایش را از روی اندازه و بزرگی آلت تناسلی آن ها انجام می دهند.

### Twinkle

به معنی چشمک است و به همجنس گرایانی گفته می شود که بسیار جذاب و تو دل برو هستند.

## یک پیشنهاد

نظر شما در ارتباط با استفاده واژه "گل" در مورد مردان همجنس گرا و استفاده واژه "سنبل" برای زنان همجنس گرا چیست؟  
برای ما بنویسید

### منابع:

- 1- Glossary for reading about witches, Mid-Wives and magic
- 2- Etymologies & world origins.
- 3- Gregory word, studies on gay & lesbian language – bibliography

### Bear

به صورت غیر رسمی به مردی که پشم آلود و پر مو باشد گفته می شود.

### Basher

به صورت غیر رسمی به اشخاصی که به همجنس گرایان پرخاشگر و توهین گرند گفته می شود.

### Breeder

به معنی زایشگر است و به صورت غیر رسمی عموماً جهت کوچک شمردن هتروسکشوال ها عنوان می شود

### Butch

به معنی گردن کلفت هست و به صورت مجازی به همجنس گرایان مرد عضلانی گفته می شود. در برخی مواقع از واژه un-butch نه به عنوان غیر عضلانی بلکه به شوخی به گی های مرد با رفتارهای زنانه گفته می شود.

### Lipstick dyke

واژه ای است که به شوخی برای زنان همجنس گرایی که رفتار زنانه بسیار دارند گفته می شود.

### Mary

نام مستعاری است که عموماً مردان همجنس گرا یکدیگر را خطاب می کنند.

### Nelly

عموماً جهت نشان دادن مفهوم مردان همجنس گرایی که بسیار زن گونه هستند بکار می رود.

### Queer

واژه "فراهنجار" یا "Queer" به افراد با گرایش جنسی دراقلیت - از قبیل همجنس گرایان زن و مرد، دوجنس گرایان و دگرجنس شدگان - اطلاق می شود. کلمه Queer در اصل در زبان انگلیسی به مفهوم غیرعادی و عجیب و لفظ توهین آمیزی بود که در اواخر قرن ۱۹ میلادی در مورد همجنس گرایان مرد بکار برده می شد.

## زندگی، حق بدون قید و شرط انسانها

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی - واحد هلند

در دنیایی که همه چیزش وارونه است انسان ها برای حق زیستن هم که پیش فرض بودنشان است، باید مبارزه کنند. این دیگر درامترین تصویر زندگی در این جهان بدون قاعده است. در همین کشورهایی که "مهد دموکراسی" نام گرفته اند، ظاهراً قوانینی را تصویب کرده اند تا انسان ها بتوانند با خاطری آسوده زندگی کنند. در بمباران تبلیغاتی هرروزشان میخواهند بگویند که همه میتوانند بدور از هر تعلق نژادی، قومی و مذهبی ازهمین قوانین نیم بندشان استفاده کنند. اما واقعیت جاری هر روز از زندگی پناهجویان که فشر عظیمی ازهمین جوامع را تشکیل می دهند، تصویر دیگری را جلوی چشمان هر بیننده باانصافی میگذارد. زندگی انسان هایی که روتین زندگیشان مثل تمامی شهروندان است. کار می کنند، بیمه های مختلف پرداخت میکنند و مثل همه حقوق شهروندی را به رسمیت می شمارند. اما تفاوت بزرگ و فاحش این شهروندان با بقیه يك چیز است و آن هم این که هر وقت دولت مذبوردلش بخواهد آنها را بدون داشتن کوچک ترین حقی روانه خیابان ها می کند که تازه این بهترین حالت در مقابل دیپورت آنها به کشورشان است. این همان تصویر واقعی زندگی انسان هائی است که هر روزه برای زنده بودن باید تلاشی مضاعف انجام دهند!

سال هاست که به هربهانه ای به امکانات اجتماعی و رفاهی این فشر که بی حقوق ترین افراد جامعه هستند، حمله می کنند. ریشه تمام معضلات اجتماعی این جوامع از بازار کار، زدن بیمه های اجتماعی تا بریدن نان سفره کارگر را، وجود پناهنده در این کشورها اعلام می کنند. اما داستان حتی به اینجا ختم نمی شود. این دیگر کافی نیست تا بتوان این همه انسان را هر روزه بیشتر از پیش زیر ماشین دولتی له کرد. این دیگر کافی نیست تا بتوان هزاران کودک را از حق آموزش محروم کرد، تا بتوان هزاران انسان را روانه قرارگاه های دهشتناکی کرد که از پایین ترین استانداردهای زندگی برخوردار هستند، تا

بتوان هزاران زن و کودک و پیر و جوان را بدون داشتن هر گونه امکاناتی روانه خیابانها کرد.

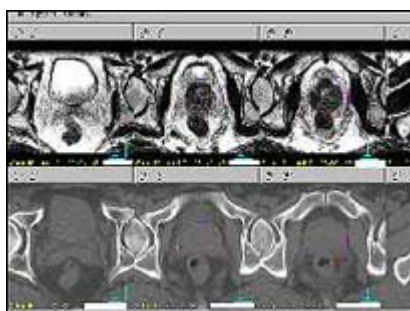
سال گذشته، سال تهاجم آشکار به حقوق پناهندگان درهلند بود. خانم فردونك با طرحش برای بازپس فرستادن ۲۶۰۰۰ پناهجو، جنگی آشکار و عریان علیه انسان هایی که برای حق حیات، این اولیه و پایه ای ترین حق بشری، از دولت هلند درخواست پناهندگی کرده بودند، را اعلام کرد. هیچ چیز از ملاقات حضوری نوجوانی که با تلاش خودش را در راهرو های پارلمان به او رساند تا بگوید حق دارد از زندگی نسبتاً آرام این جا برخوردار باشد، تا آمار پزشکی کمپها که خبر از وخامت اوضاع حال پناهجویان و از دست دادن سلامت روحی و روانی آنان می داد تا اکسیژنهای مختلفی که از طرف گروههای مختلف هنرمندان سازمان داده شد تا طرح موسوم به General pardon از عفو عمومی خانم ماریون بلوم، نویسنده هلندی در ایشان حتی برای چند لحظه ای کوتاه، اثری بجا نگذاشت.

اما امروزدیگر ورق برگشته است. مبارزات پناهندگان و مردم مترقی و آزادیخواه هلند وارد عرصه جدیدی شده است. در کنار مبارزات پناهندگان، سازمان های مختلف هلندی اعتراض به شرایط جدید پناهندگی را در دستور کارشان گذاشتند. تظاهرات و اکسیژنهای مختلفی سازمان داده شد. درشمال هلند در اعتراض به بازداشت چند خانواده برای دیپورت شان، پناهندگان وارد تحصن و اعتصاب شدند. اخبار این اعتراضات درسطح وسیعی در مدیای هلندی بازتاب یافت. دیگر نمیتوانند چشم هایشان را بروی جنایاتی که در حق پناهنده اعمال میشود، ببندند.

همزمان با این اعتراضات و خیراعدام دو هموسکسول و خیر حکم اعدام کبری رحمانپور توسط مسؤلین فدراسیون و فعالین سازمان آزادی زن و کمیته علیه اعدام خواستار اقدامات فوری و عاجل شدند. این اخباردر سطح وسیعی در مطبوعات هلندی بازتاب یافت. در جلسه روز چهارشنبه پارلمان هلند، تقریباً تمام احزاب در پارلمان نگرانی خودشان را از زیر پا گذاشتن حقوق بشردر ایران ابراز کردند و از وزیر امور خارجه خواستند که با همکاریهای اروپایی خود مصوباتی را بر علیه این اقدامات جمهوری اسلامی

## سرطان پروستات چیست؟

### آناهیتا بنیسی کارشناس علوم پزشکی



**غده پروستات غده ای است که تنها در مردان یافت**

می شود. این غده در زیر مثانه قرار دارد و مایعی به داخل منی ترشح می کند.

سرطان پروستات نوعی بیماری است که در آن سلولهای بدخیم از بافتهای پروستات نشأت می گیرد و به طور نامنظم و فزاینده ای تکثیر و منجر به افزایش حجم در هر یک از اجزای سلولی غده پروستات می شود.

سرطان پروستات دومین سرطان شایع بعد از سرطان ریه در میان مردان است. اطلاعات آماری و علائم بالینی میزان مرگ و میر ناشی از سرطان پروستات مبین سه طیف گسترده روند رشد این بیماری است. سرطان پروستات می تواند دارای رشد آهسته بوده و زمانی طولانی تا بروز علائم بالینی آن داشته باشد. در مواردی دیگر تومور به سرعت رشد کرده و تهاجم تومور به بافت های دیگر امکان پذیر می شود. در چنین مواردی مدت فاصله زمانی بین شروع بیماری و گسترش دامنه آن بسیار کوتاه است. مابین این دو طیف رشد، تومورهایی وجود دارند که سرعت روند رشد آنها در حد متوسطی است.

سرطان پروستات با نشانه های مرتبط با دفع ادرار و یا درد شکم تظاهر می کند. این نشانه ها با علائم بیماریهای رایجی مانند عفونت و هیپرتروفی (بزرگی) خوش خیم پروستات ( Benign Prostatic Hyperplasia ) مشترک است.

#### علائم هشدار دهنده سرطان پروستات عبارتند:

- ادرار کردن پی در پی یا سخت
- جاری شدن ضعیف ادرار
- عدم توانایی در ادرار
- بی اختیاری ادراری

تصویب کنند. روز پنج شنبه وزارت دادگستری اعلام کرد تا اطلاع ثانوی هیچ پناهنده هموسکسول ایرانی به ایران دیپورت نخواهد شد. قرار است وزیر خارجه تحقیقاتی را انجام دهد و بعد از آن وزارت دادگستری تصمیم نهایی خود را اعلام کند. این پایان کار نیست. این سوت آغاز عرصه جدیدی از مبارزه برای حق زندگی هزاران انسان است.

فدراسیون سراری پناهندگان ایرانی واحد هلند ضمن تبریک و خسته نباشید به همه انسانهای شریف و مبارز که تا همین امروز با اعتراض هر روزه شان نگذاشتند این صدا خاموش شود، از همه انسانهای ازدیخواه و مترقی میخواهد که به این کمپین بپیوندند.

## کنار تو

حمید

کنار تو انگار پناه گاه من است

برای ستیز با غم آوردگاه من است

اگرچه در کنار تو ذره ذره نیست می شوم

با این همه آنجا زیست گاه من است

هر روز می کشم تن بیمار خود به کنارت

بدان امید که آغوش تو آرام گاه من است

روزن در سایه مانده ی تاریک گور من است

این لب های تو که در دیدگاه من است

ای چلچراغ مست! روشن بمان تا سپیده دم

نگذار تیره بماند اینک شام گاه من است

زخم های روان و تن ات - مهربان من

بیخس که - در شمار خانگه من است

از واژه ها برای تو پرنیان سازم و کشم

بر پیکر خفته ی تو که کارگاه من است

- جریان منقطع و ضعیف ادرار
- وجود خون در ادرار
- خروج منی همراه با درد
- درد مداوم قسمت پائین کمر
- سوزش
- ناتوانی جنسی

### سبب‌شناسی: سرطان زای پروستات

علت ابتلا به سرطان پروستات هنوز ناشناخته است اما تحقیقات آماری و بالینی، روند بدخیمی بیماری سرطان پروستات را به این عوامل ارتباط می‌دهد:

**سن** - سرطان پروستات اغلب در افراد سالمند دیده می‌شود و افراد زیر ۵۰ سال به ندرت به آن مبتلا می‌شوند. مردان بالای ۶۰ سال بیشتر در معرض خطر ابتلا به سرطان پروستات هستند و باید بیشتر متوجه علائم هشدار دهنده این بیماری باشند.

**عوامل ژنتیکی** - سابقه ارثی سرطان پروستات عامل مهمی در ابتلا به این سرطان است. وجود سابقه سرطان پروستات بین اعضای نزدیک خانواده از جمله پدر و برادر احتمال ابتلا به این سرطان را افزایش می‌دهد.

**عوامل هورمونی** - هورمون‌های استروئیدی (تستوسترون و آندروژنها) برای رشد و حفظ و عمل طبیعی آن در مردان بالغ نقش مهمی را ایفا می‌کند. افزایش میزان ترشح هورمون تستوسترون در خون اغلب موجب تسریع روند بدخیمی سرطان پروستات می‌شود.

**تغذیه** - رژیم غذایی دارای اثرات بالقوه ای در پیشگیری و یا پیشتازی ایجاد سرطان پروستات به شمار می‌رود. مطالعات و تحقیقات علمی ثابت کرده اند که سبزیجات حاوی مقادیر قابل توجهی ویتامین C و E، به خصوص گوجه فرنگی، عاملی محافظتی در مقابل سرطان پروستات تلقی می‌شوند در حالی که استفاده از مقادیر زیاد چربی حیوانی عامل مستعد کننده و پیشتاز در ایجاد سرطان پروستات شناخته شده است.

**مواد شیمیایی** - تماس با مواد شیمیایی سرطان‌زا در محیط مانند کادمیم، که در تهیه برخی آلیاژها و باتری کاربرد دارد، عامل مستعد کننده و پیشتاز در ایجاد سرطان پروستات است.

**بیماری های مقاربتی** - وجود بیماریهای مقاربتی احتمال ابتلاء به سرطان پروستات را افزایش می‌دهد.

### الگوهای غربالگر سرطان پروستات

معاینه غده پروستات از طریق معاینه مقعد ( Digital examination rectal) از الگوهای غربالگر سرطان پروستات است. در این روش پزشک از داخل مقعد بیمار، غده پروستات را معاینه می‌کند. وجود سطح خشن و نامنظم بافت از علائم هشدار دهنده سرطان پروستات محسوب می‌شود.

تومورهای سرطانی آنتی ژن‌های مشخصی را تولید می‌کنند که ممکن است از طریق آزمایش خون کشف شوند. آنتی ژنی که به طور کامل توسط غده پروستات تولید می‌شود، آنتی ژن اختصاصی پروستات (PSA, Prostate Specific Antigen) است. تشخیص سریع سرطان پروستات با اندازه گیری آنتی ژن اختصاصی پروستات از آزمایش های غربالگر این بیماری است. در بیمارانی که مبتلا به سرطان پروستات هستند، مقدار این آنتی ژن در سطح بالاتری است.

البته تنها سطح PSA در آزمایش خون فرد نمایانگر ابتلا به سرطان پروستات نیست. در برخی از موارد عفونت و یا "بزرگی خوش خیم" حجم غده پروستات می‌تواند سبب افزایش میزان PSA در خون شود. از این رو، ترکیب معاینه مقعد توأم با آزمایش تعیین سطح PSA از طریق خون روش دقیق‌تری برای تشخیص سرطان پروستات است و برای اطمینان بیشتر، در مراحل بعدی آزمایشات دیگری مانند تصویرنگاری باز آوای مغناطیسی (MRI)، سونوگرافی (Ultrasound)، توموگرافی کامپیوتری (CT SCAN) و نمونه برداری از غده (Biopsy) نیز انجام می‌گیرد.

تشخیص به موقع بیماری، دست کم ۵ سال بیشتر به زندگی مبتلایان به سرطان پروستات اضافه می‌کند. توصیه می‌شود مردان در سنین بالای ۴۰ سال سالیانه مورد معاینه غده پروستات از طریق معاینه مقعد قرار گیرند و در سنین بالای ۵۰ سال، هر سال آزمایش آنتی‌ژن مخصوص پروستات را انجام دهند.

### درمان سرطان پروستات

با در نظر گرفتن شرایط بیمار ممکن است یک یا ترکیبی از این الگوها تجویز شود:



**۱- تحت نظر گرفتن بیماری:** در این روش بیمار به طور دقیق تحت نظر پزشک قرار می گیرد، بدون این که الگوی درمانی بر روی او اعمال شود. این روش برای بیمارانی تجویز می شود که جراحی برایشان مفید نیست و یا رشد غده سرطانی پروستات آنها بسیار کند و آهسته است و در درازمدت تأثیر سوء بر سلامتی او نخواهد گذاشت.



**۲- جراحی:**  
برداشتن کامل غده پروستات (پروسکتومی Prostatectomy).

**۳- کرایوتراپی (Cryotherapy):**

استفاده درمانی از سرمای شدید. در این روش سوند (probe) سونوگرافی به داخل مقعد انداخته می شود تا پزشک تصویر محل مورد نظر را بر روی صفحه ببیند. در این روش پزشک با انداختن سوند درون غده پروستات از طریق شکاف کوچکی بین مقعد و کیسه حاوی بیضه ها نیتروژن مایع را به غده پروستات هدایت می کند. نیتروژن مایع در داخل بافت منجر به انجماد بافت و انهدام سلولهای سرطانی بافت غده پروستات می شود. کرایوتراپی روشی موثر برای درمان مقاطع کوچک ابتلا به سرطان است. احتمال آسیب دیدگی مثانه و التهاب دستگاه تناسلی از عوارض جانبی این روش است.

**۴- شیمی درمانی:** استفاده از داروهای شیمیایی منجر به انهدام سلولهای سرطانی می شود. عوارض جانبی شیمی درمانی عبارتند از: ریزش موی سر و ابرو، کاهش گلبولهای سفید خون، ضعف سیستم ایمنی و دفاعی بدن، عفونت، احساس درد، خشکی دهان و یوکی استخوان.

**۵- رادیوتراپی:** از آنجا که تومور ممکن است بافتهای اطراف غده پروستات را در بر گرفته باشد انجام جراحی و برداشتن غده پروستات کافی نیست و هر تظاهراتی از وجود PSA در آزمایش حاکی از گسترده شدن تومور است. در چنین وضعیتی الگوهای درمانی وسیع تری مانند رادیوتراپی پی گیری می شود. هدف از رادیوتراپی کنترل رشد سلولهای سرطانی است.

تابش اشعه به محل تومور ممکن است به صورت خارجی یا داخلی باشد.

**رادیوتراپی خارجی:** در این روش بیمار در معرض تشعشع قرار می گیرد. اشعه از چند زاویه مختلف از خارج از بدن به تومور هدایت می شود. این روش کاملاً بدون درد است و به مدت ۷ تا ۸ هفته ادامه دارد. ولی بیمار از عوارض جانبی مانند تحریک پذیری مقعد، اسهال و خستگی مفرط ناشی از تابش پرتو گزارش می دهد. اثرات اشعه ممکن است واکنش های پوستی به صورت التهاب، خارش، سوزش، ترشح یا پوسته پوسته شدن پوست را به دنبال داشته باشد. تهوع، استفراغ، بی اشتهاپی و آسیب های عروقی و تنفسی می تواند از دیگر عوارض جانبی رادیوتراپی باشد. همچنین رادیوتراپی ممکن است باعث سرکوب سیستم خونساز بدن و کاهش گلبولهای سفید و ضعف سیستم ایمنی بدن و نهایتاً بروز عفونت شود.

رادیوتراپی داخلی یا براکی تراپی (Brachy therapy): براکی تراپی برای رساندن مستقیم مقدار زیادی اشعه به ضایعه بدخیم است. در این روش، در اتاق عمل با استفاده از سرنج های نازک مواد یونیزه در بدن بیمار کاشته می شود.

**۶- هورمون درمانی:** از آنجا که هورمون تستوسترون به رشد سرطان غده پروستات کمک می کند، هدف از هورمون درمانی کاهش هورمون جنسی در بدن است. این روش با به کارگیری داروهای ضد تستوسترون انجام می گیرد و شامل تجویز هورمون استروژن به عنوان قرص است که تأثیر ضد تستوسترون دارد. عوارض جانبی استفاده از قرصهای حاوی استروژن شامل درد در پستان و رشد پستان است که با قطع مصرف قرص ها از بین می رود.

جلوگیری از مرگ و میر ناشی از سرطان پروستات با تشخیص زودرس امکان پذیر است. اکنون با اطلاعات و روشهای جدید الگوهای درمانی، برای درصد بالایی از بیماران مبتلا به سرطان پروستات، امکان بهبودی کامل فراهم شده است.

## با موهای زائد بدن چکار کنیم؟

### دکتر مجید ظهرايي

هفته باقي مي ماند و در صورت تکرار به مرور مي تواند اثرات ماندگاري پديد آورد.

از عيب هاي روش موم دردناك بودن آن خصوصا در پوست هاي حساس است گر چه معمولا افرا دي كه در اين كار تبحر دارند از مواد بي حس كننده براي كاهش درد استفاده مي كنند. اين روش در پوستهاي خشك، آفتاب سوخته و بطور كلي ضعيف پيشنهاد نمي شود.

### موجين

اغلب مردم فكر مي كنند كه موجين فقط براي ناحيه صورت مفيد است در حالي كه مي توان از آن براي هر نقطه اي از بدن استفاده كرد. تاثير اين روش سه تا هشت هفته باقي مي ماند و از عيوب آن ميتوان به دردناكي و احتمال عفونت و تحريك پوست به دنبال آن نام برد. مصرف نرم كننده ها و مرطوب كردن پوست قبل از استفاده از موجين باعث كاهش درد مي شود، همچنين ماليدن نرم كننده هاي موضعي و ژل هاي مخصوص تحريكات موضعي را كاهش مي دهد. سرعت كار با موجين نيز كم است و استفاده از اين روش در مناطق كوچك منطقي است اما براي نواحی وسیع چندان مناسب نیست.

### مورها

مورهاي مختلفي در بازار يافت مي شوند كه به اشكال ژل، كرم، لوسيون، اسپري و... براي مصرف عرضه شده اند. طول اثر اين ها بين هفت تا ده روز است كه در مقايسه با تراشيدن بيشتر ميباشد و براحتي قابل استفاده اند. اشكال اين روش عدم امكان استفاده در پوستهاي حساس مي باشد هم چنين ماندن بيش از حد موجب ايجاد سوختگي هاي شيميايي و تحريكات موضعي ميشود

### الكتروليز

در اين روش سوزن هاي ريزي ب داخل فوليكول موها زده شده وبا القاي جريان الكتريكي باعث آسيب ريشه ي مو مي شود، اين شيوه اثرات طولاني مدت حتي ماندگار در موزدائي (اپيلاسيون) دارد از جمله اشكالات آن نياز به جلسات متعدد (بسته به وسعت منطقه) و دردناكي، قيمت بالاتر، احتمال ايجاد آثار نامطلوب

آيين چراغ، خاموشي نيست!

اين مطلب در حقيقت پاسخ سؤاليست كه افراد مختلف از متخصصين ما پرسیده اند و بهتر دیدیم كه آن را بصورت مطلبي براي تمام خوانندگان بيان كنيم. وقتي موهاي زائد روي بدن شما مي رويند دو انتخاب داريد با آنها كنار آييد و يا آنها را بر داريد، اما اگر راه دوم را انتخاب كرديد پيشنهاد ميكنم مطلب زير را مطالعه كنيد!

روشهاي متفاوتي براي از بين بردن موهاي زائد بدن وجود دارد، اين روشها قيمتهاي مختلفی داشته و مي توانند دائمي يا کوتاه اثر باشند بعضا در منزل انجام پذيرند و برخي نياز به متخصصين مجرب دارند.

### شيو كردن

شايعترين روش مورد استفاده و ارزاترين آن هاست و با استفاده از تيغ انجام مي گيرد، در اين روش موها از سطح پوست برداشته شده و به دليل باقي ماندن فوليكول مو پس از چند روز مجددا رشد خواهند كرد. نکته ي مهم اينست كه برخلاف عقیده ي عوام اين كار باعث افزايش موها نخواهد شد اما ميتوان تحريك پوست، بريدگي ورشد مجدد موها را از موارد منفي اين روش دانست، براي بدست آوردن بهترين نتيجه سعي كنيد قبل از شيو كردن ابتدا پوست را با آب گرم مرطوب كنيد، از كرم ها يا لوسيون ها و ساير مواد نرم كننده استفاده نموده، تيغ هاي نو، تيز و ترجيحا يك بار مصرف را بكار بريد، پس از اتمام كار از مرطوب كننده ها براي جلوگیری از خشكي پوست و حفظ شادابي آن استفاده كنيد.

### موم

در اين روش لايه ي نازكي از موم گرم بر روي ناحيه ي مورد نظر مالیده شده و كمی پس از خشك شدن آن را به سرعت از پوست جدا مي كنند، براي سهولت كار ميتوان از پارچه اي بر روي لايه ي موم استفاده كرد. در اين روش موها با ريشه كنده مي شوند و به همين دليل از تعداد آنها كاسته مي شود، لطافت پوست كم نمي شود و در يك زمان بخش قابل توجهي از پوست پاكسازي مي شود. تاثير اين شيوه بين سه تا هشت

## تازه های خواندنی

### هشدار درباره خطر شیوع ایدز در ایران و آسیای



میانه

بیماری ایدز با  
نرخ هشدار  
دهنده ای در  
منطقه آسیای  
میانه و بخش

هایی از شرق اروپا در حال گسترش است

تازه ترین آمارهایی که در کنفرانس "جامعه بین المللی ایدز" در ریودوژانیرو منتشر شده نشان می دهد که سرعت شیوع بیماری ایدز با هرئینی که در افغانستان تولید و صادر می شود رابطه مستقیمی دارد.

آمار تهیه شده نشان می دهد که ایران، تاجیکستان، ازبکستان، بلاروس، مولداوی و اوکراین از کشورهای هستند که در آینده با اپیدمی بیماری ایدز روبرو خواهند شد. تا این اواخر در این کشورها شمار کسانی که آلوده به ویروس "اچ آی وی" بودند به نسبت اندک بود.

پرفسور کریس بیرر، از دانشگاه جان هاپکینز آمریکا بر این عقیده است که اپیدمی بیماری ایدز همان مسیر قاچاق مواد مخدر در منطقه را دنبال می کند.

پرفسور بیرر می گوید: "مهمترین موضوع، افزایش قابل توجه کشت خشخاش در افغانستان و این مساله است که مقدار بسیار زیادی هرئین از این کشور به کشورهای دیگر قاچاق می شود. هرئینی که از افغانستان به طور قاچاق بیرون برده می شود از طریق آسیای میانه و سپس از مسیر جمهوری های شوروی سابق به اروپای شرقی سرازیر می شود."

پرفسور بیرر می افزاید از آنجا که مصرف کنندگان هرئین (از طریق تزریق)، بیشتر مردان جوان هستند و از طرف دیگر فعالیت جنسی این گروه زیاد است، در ظرف چند سال، آنها می توانند جمعیت زیادی را آلوده به ویروس بیماری ایدز کنند.

برنامه هایی که در مورد آگاهی از خطرات استفاده از سرنگ های آلوده است و نیز تلاش برای ترک اعتیاد عملاً در کشورهای آسیب پذیر وجود ندارد.

پوستی (حتی ظریف) احتمال بیشتر عفونت و تحریکات پوستی است.

### لیزر

آخرین و پیشرفته ترین روش موبری یا اپیلاسیون است و در آن با القای انرژی، فولیکولهای مو از بین می روند و مثل الکترولیز اثرات طولانی مدتی در مو بری دارد، درد با این روش کمتر و سرعت آن مناسب است، در صورت رشد مجدد، موهای جدید بسیار ظریف تر و نازک تر از قبل خواهند بود. بسته به وسعت ناحیه، لیزر در جلسات متعدد انجام می شود و به همین خاطر هزینه ی آن نسبتاً بالاتر از سایر روش هاست. استفاده از لیزر فقط توسط افراد مجرب مجاز است.

نکته مهم: بیشترین تاثیر لیزر در پوستهای روشن با موهای تیره خواهد بود چرا که قدرت تخریبی آن در این حالت به حداکثر می رسد، بر عکس در پوست های تیره و سبزه و در صورتی که موها طلایی یا قرمز باشند کمتر از حد مورد انتظار اثر خواهد کرد.

### قابل توجه دوستانان و خوانندگان

#### نشریه چراغ

از این شماره به بعد سعی می گردد که صفحه بهداشت داشته باشیم و اطلاعات پزشکی را ارائه نماییم.

از تمامی شما دوستان درخواست می گردد که این بخش ستون را پشتیبانی نمایید

کارشناسان می گویند که این تدابیر باید در همه جا به اجرا درآید. ولی در برخی کشورها روش های آزمایش شده و معمول برای جلوگیری از آلودگی، غیر قانونی به شمار می روند و تا هنگامی که دولت ها نظر خود در این باره را عوض نکنند گسترش بیماری ایدز در منطقه امری اجتناب ناپذیر خواهد بود

## ماجرای اسب های دریایی نر

### مهیار

هر وقت از زحمات و مشقت های بچه دار شدن بحث به میان می آید ناخودآگاه ذهن ما به سوی زنان

<p><b>نکات جالب در مرد اسب دریایی:</b></p> <ul style="list-style-type: none"> <li>۳۰ گونه مختلف اسب دریایی وجود دارد</li> <li>بر خلاف دیگر حیوانات اسب دریایی تنها یک همسر انتخاب می کند</li> <li>یک گونه خاص اسب دریایی وجود دارد که می تواند همزمان از چهار ماده حامله شود.</li> <li>در آسیا به عنوان داروی افزایشده غریزه جنسی مصرف خوراکی دارد و همین امر موجب خطر انقراض نسلشان شده است.</li> </ul>	<p>معطوف می شود گویا تنها زنان هستند که می توانند حامله شده و بچه بزایند. پس از مطالعه این مطالب خواهیم دید که در همیشه بر روی یک پاشنه نمی چرخد و تنها این جنس ماده جانداران نیستند که باردار می شوند. این شماره درآمدی است بر یک سری مقالات که روند</p>
--	---

حاملگی مردان را بررسی می کند.

اسب های دریایی تنها گونه هایی هستند که جنس نر آن آبتن می شود. مدت زمان زیادی نیست که دانشمندان علوم زیست شناسی به کشف این حادثه رمانتیک دست پیدا کرده و پیگیر جزئیات آن شده اند. اسب دریایی بر خلاف بسیاری از انسان ها و سایر گونه های جانوران به جفت خود وفادار است. حتی یک اسب دریایی مجرد هم اصلا مایل به فریفتن و وسوسه کردن سایر جفت ها نیست.

این زندگی خیال انگیز و رمانتیک اسب های دریایی حسرت به دل بسیاری از جفت های همجنس گرا می اندازد. زمانی که دو جفت اسب دریایی یکدیگر را پیدا می کنند عاشقانه و مستانه به دور یکدیگر

می رقصند و دم های قلاب مانندشان را در هم قفل می کنند گویی از محبت به هم چسبیده اند و قابل جدا شدن نیستند و سپس در اعماق دریا به گردش می پردازند.

شب اسب دریایی نر یعنی آن که حامل کروموزوم های XY است تخمک ها را از اسب دریایی ماده که حامل کروموزوم های XX است جذب کرده و باردار می شود و از آنها نگهداری می کند تا به دنیا بیایند.

اگرچه مدت زمان بارداری این تک جانور حامله در مقایسه با سایر حاملگی ها بسیار کوتاه مدت است و تنها از شب تا صبح طول می کشد اما در جای خود رکورد شکن است. یک اسب دریایی نر می تواند بین ۱۵ تا ۱۰۰۰ نوزاد را صبح به دنیا بیاورد و دوباره شامگاه حامله شود. اسب دریایی نر اگر می فهمید که در دنیا از عجایب خلقت محسوب می شود بی شک یک احساس فانتزی از هم مادر و هم مرد بودن در خود حس می کرد و به همین شکل اسب دریایی ماده از این که برای نوزادان خود خوراک تهیه کند و نان آور باشد احساس عجیبی می داشت. اسب های دریایی نوبا قدر این نکته را نخواهند دانست و صبح پس از تولد به دنبال رزق و روزی خود روان دریا می شوند اما پدر و مادرشان یکدیگر را رها نخواهند کرد.

نظرات چند تن از دوستان:

- سیامک یک همجنس گرا می گوید: فکر می کنم که خیلی خوشحالم که اسب دریایی نیستم.
- هستی یک لژیون می گوید: اگر برای انسان ها چنین شود فکر کنم دور و بر ما بچه کمتر شود. این را به خاطر ترس و تبلیی مردها از حاملگی می گویم.
- سیما شریک هستی اضافه می کند: من فکر می کنم زن ها در این مورد لایق تر و فعال تر هستند.
- عرفان یک دوجنس گرا می گوید: چه عالی شده که خانم من کارش را انجام داده است. نمی دانم مردم چطور فکر خواهند کرد اگر روزی مردها زحمت باردار شدن را به خودشان می خریدند؟
- سامان یک همجنس گرا می گوید: هیچ چیز در این دنیا ثابت نیست غیر از وحدانیت آفریننده آن و هر چیز عجیب امکان پذیر است .

منبع: سایت جانور شناسی آکواریم بالیتور

## رهبر حزب چپ سوئد در جمع تظاهرات کنندگان

منبع: سایت استکهلمیان

روز جمعه پنجم آگوست سازمان دفاع از حقوق همجنسگرایان در سوئد به اتفاق فدراسیون



سراسری پناهندگان ایرانی در استکهلم در حمایت از اعطای پناهندگی به پناهجویان همجنس گرا از ایران در مدبوربار پلاتسن در استکهلم دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان که عکسهایی از فرنوش دانه کار دختر همجنس گرای ایرانی در خطر اخراج در دست داشتند خواستار اعطای اقامت به او و همه دیگر پناهجویان همجنس گرا از ایران شدند. لارش اولی رهبر حزب چپ سوئد شخصا در این تظاهرات شرکت کرد. تاسو اسنافیلیدیس نماینده پارلمان سوئد از حزب چپ، کیمیا پازوکی از فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی و نمایندگان سازمان دفاع از حقوق همجنس گرایان در سوئد از دیگر شرکت کنندگان در این تظاهرات بودند.

## سوئد اخراج متقاضیان پناهندگی همجنس گرایان را به ایران متوقف می کند.

منبع: سایت استکهلمیان

اداره مهاجرت سوئد اعلام کرد که اخراج متقاضیان پناهندگی



همجنس گرا به ایران را متوقف خواهد کرد. توقف اخراج این گروه از سوئد تا انجام یک

بررسی جدید در مورد وضعیت همجنس گرایان در ایران معتبر خواهد بود. این تصمیم به دنبال اعدام ایاز مرحومی و محمود اصغری دو نوجوان ایرانی در تاریخ ۱۹ جولای در مشهد صورت گرفت. یکی از اتهامات دو نوجوان اعدام شده همجنس گرایی آنان بوده است. بدین ترتیب سوئد بعد از هلند دومین کشور اتحادیه اروپاست که اخراج متقاضیان پناهندگی همجنس گرا به

ایران را متوقف می کند. باربرو هولمبری وزیر مهاجرت سوئد با اشاره به اعدام دو نوجوان در ایران و این که چگونگی اعدام این دو در حال بررسی است می گوید که قوانین سوئد در این زمینه شفاف است: "نمی توان کسی را که خطر مجازات وی را تهدید می کند و یا کسی را که به واسطه وابستگی جنسی خود تحت تعقیب قرار می گیرد را اخراج نمود". اما استیگ اوکه پترشون که سالها از طرف سازمان دفاع از حقوق همجنس گرایان سوئد وظیفه دفاع از حقوق متقاضیان پناهندگی را بر عهده داشته است اطمینانی به حرف های وزیر مهاجرت و اداره مهاجرت سوئد ندارد و می گوید: "یک مدت زیاد خودشان را آفتابی نمی کنند تا آب ها از آسیاب بیافتد، بعد از آن دوباره اخراج ها را آغاز خواهند کرد."

## پناهجویان همجنسگرا دیگر از هلند دیپورت نمی شوند

به دنبال مطرح شدن اعدام دو نوجوان به جرم روابط جنسی در ایران فعالیت های گسترده ای جهت دفاع از حقوق پناهندگی انجام پذیرفت.

آقای فون بومن نماینده حزب سوسیالیست هلند خواستار کلیه گزارشات مربوط به اعدام این دو نوجوان شد و پس از دریافت آنها اعلام داشت که از دیدن این اخبار بشدت متاثر شده و تمام تلاش خود را برای انعکاس و تصمیم گیری در پارلمان و دولت هلند به کار خواهد گرفت.

در روز چهارشنبه ۲۷ جولای پارلمان هلند نسبت به وضعیت حقوق بشر بشدت اظهار نگرانی کرده و از وزیر خارجه هلند آقای بوت درخواست شد تا اقدامات سریعی در تقابل با نقض مستمر حقوق بشر در ایران انجام دهد.

وزیر امور مهاجرت هلند خانم فردونک اعلام داشت که از دیپورت پناهجویان همجنس گرای ایرانی به ایران خودداری خواهد نمود.

فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی این موفقیت را به تمامی پناهجویان همجنس گرا تبریک گفته و اعلام کرد که به تلاش های خود برای دفاع از حق پناهندگی ادامه خواهد داد.

## جشنواره همجنس گرایان

### سپننا

هر ساله در شهرهای بزرگ آمریکا، کانادا، استرلیا، اروپا و آسیا مراسم با شکوهی با شرکت همجنسگرایان برگزار میشود. این مراسم شامل راهپیمایی در



خیابان ها، مراسم کارناوال، نمایش فیلم در سینماها، کنفرانس، سخنرانی و جشن و سرور می باشد. تخمین زده میشود که ۴۵ میلیون نفر در این مراسم شرکت می کنند و این تعداد هر

ساله در حال افزایش است. نشان هایی که در این مراسم استفاده می شوند عبارت است از پرچم رنگین کمان همجنس گرایان، و مثلثهای صورتی و سیاه.

فستیوال همجنس گرایان از ابتدا برای سالگرد شورش در بار استون وال همجنس گرایان، در گرینویچ نیویورک در ۶ تیر ۱۳۴۸ مصادف ۲۷ جون ۱۹۶۹ انجام می گیرد. در آن دوره پلیس نیویورک اغلب به بارهای همجنس گرایان حمله می کرد. بوسیدن، دست در دست هم داشتن و حتی حضور در بار همجنس گرایان منجر به دستگیری و چاپ نام افراد در روزنامه های محلی می شد.

در شب ۶ تیر ۱۳۴۸ پلیس طبق معمول به بار استون وال رفت و بار را تخلیه کرد. در آن دوره پلیس نیویورک از مافیا رشوه می گرفت و از منافع مافیا دفاع میکرد.

افرادی که در بار بودند از فشارهای پلیس به جان آمده و در خارج از بار جمع شدند. آنها پلیس نیویورک را به خاطر همکاری با مافیا به باد تمسخر گرفتند. پلیس و تظاهرکنندگان درگیر شدند و این درگیری چندین زخمی به جای گذاشت. پلیس نتوانست تظاهرکنندگان را متفرق کند و این شورش تا شب بعد هم ادامه داشت. از آن پس هر ساله در نیویورک و بعدها در سایر شهرهای بزرگ جهان برای یادبود مقاومت همجنس گرایان راهپیمایی و فستیوال برگزار می شود.

در این مدت در کشورهای زیادی شاهد برگزاری جشن های سالانه پراید و کارنوال شادی همجنس گرایان بودیم که رژه روزهایی مخصوص این زمان با شکوه هرچه تاملتری برگزار می شود.

سیاستمداران، وزرا و افراد برجسته کشوری و اجتماعی در این کارنوال ها شرکت می نمایند و نشان دهنده احترام اجتماعی به این قشر جامعه می باشد. این فستیوال ها در غرب علاوه بر دفاع از آزادی همجنس گرایان به یک سنبل دفاع از آزادی های انسان به دور از دین و دولت تبدیل شده است و به همین دلیل مورد حمایت بسیاری از نهاد ها قرار می گیرد.



از سازمان های ایرانی می توان سازمان سراسری پناهندگان، سازمان همجنسگرایان ایرانی، شهبانو

فرح پهلوی، شاهزاده رضا پهلوی، حزب کمونیست کارگری، فدراسیون پناهندگان ایرانی، سازمان اول کودکان، سازمان رهایی زن و ... را نام برد.



## حق داشتن ، نه جرم بودن!

## اعتراض علیه هموفوبیا

هفدهم می امسال برابر با ۲۷ اردیبهشت ماه که اولین مراسم بین المللی روز جهانی علیه هموفوبیا یا



ضد همجنسگرایی بود با شکوه خاص برگزار گردید. جوزف بورن فونتلز رئیس پارلمان اروپا در کمال تعجب راه پیمایان در میان آنها حاضر شد و به

راهپیمایی و اعتراض پرداخت و تاکید کرد که پارلمان اروپا برای تثبیت دموکراسی در اروپا و آزادی انتخاب هویت جنسی و کمک به لغو هموفوبیا در سایر کشورها تمام تلاش خود را خواهد کرد.

اگر چه این مراسم در بسیاری از کشورها به راحتی برگزار شد و حتی کشورهایی مثل بلغارستان و اوکراین که به تازگی فعالیت های خیابانی را آغاز کرده بودند در کمال آرامش به پایان رسید. در سوفیا پایتخت بلغارستان اعتراض کنندگان در این روز طوماری علیه هموفوبیا نوشته بودند که توانستند ۲۰۰ امضای زنده و ۱۲۰۰۰ امضای الکترونیکی جمع آوری کنند و به هیئت ملی قانونگذاری ارائه دهند.

هم چنین در اکرین سازمان NashMir که مدافع حقوق همجنس گرایان است اعتراضاتی را در جلو دانشگاهی که چندی پیش یکی از دانشجویان را به جرم گی بودن اخراج کرده بود سازماندهی کردند و به انتشار دفترچه ها و اطلاعیه هایی علیه هموفوبیا پرداختند و در پایان مراسم بالن بزرگی که نشان ضد هموفوبیا داشت را به هوا پرتاب کردند.



اما در همه جای دنیا این چنین نبود در برخی کشورها مثل جمهوری لتونی گروه های اعتراض کننده

مورد هجوم پلیس و گروه های هموفوبیا قرار گرفتند.

در جون ۲۰۰۵ جمعیت بین المللی همجنسگرایان ILGA گزارشی را صادر کرد که به نقش اتحادیه اروپا در مسئله جرم شناسی روابط همجنس گرایی در کشورهای جهان سوم پرداخته بود. این گزارش که قرار است توسط اعضای اتحادیه و پارلمان اروپا خوانده و مورد بررسی قرار گیرد توضیح دهنده قوانین سخت و شکنجه هایی است که علیه همجنس گرایان اعمال می شود و مقایسه ای است با استانداردهای حقوق بشر سازمان ملل.

هدف از صدور این گزارش فشار بر کشورهای است که به طور رسمی و علنی حقوق بشر و حقوق ملت ها را به سبب جنسیتشان تحت تجاوز قرار داده اند.

## اعتراض به شکنجه و آزار همجنس گرایان

مدتی قبل از مرگ ملک فهد پادشاه عربستان سازمان Outage و جمعیت انسان گرایی برای گی ها و لزیب ها یک تجمع اعتراض آمیز در جلو سفارت عربستان سعودی برپا کردند. پرچم ها و دست نوشته ها، فعالیت های مغایر با حقوق بشر، شکنجه ها، زندان ها و کشتن همجنس گرایان را محکوم می کرد.

در پایان تجمع برت لاک دستیار برگزار کننده این تجمع با اشاره به اینکه عربستان سعودی یکی از کشورهای ضد همجنسگرایی است گفت: "گی ها معمولا بازداشت و زندانی می شوند و تحت شکنجه قرار می گیرند و در خیلی موارد محکوم به اعدام می شوند. ما از اتحادیه اروپا و سازمان ملل می خواهیم که علیه این دیکتاتوری سعودی اعتراض کنند. ملک فهد باید بازداشت و در دادگاه جرایم بین المللی محاکمه شود و جزای مجازات هایی را که علیه همجنس گرایان در عربستان انجام داده است را ببیند. ما به طور جدی از دولت بریتانیا و اتحادیه اروپا می خواهیم که هر چه زودتر رابط اقتصادی خودش را با چنین دولت ضد همجنسگرا و جنایتکار را لغو کند"



در سال ۲۰۰۶ میلادی شاهد بزرگترین حادثه بین همجنس گرایان از نوع خود خواهیم بود. جام جهانی بازی های همجنس گرایان در پایتخت همجنس گرایان، مونترال - کانادا برگزار خواهد شد.



این اقدام که به پیشنهاد دبیر کل جمعیت بین المللی گی ها و لزبین ها ILGA به جهت خارج

کردن همجنس گرایان از گوشه انزوا، مطرح کردن آن ها در جامعه ی جهانی عنوان شده است و با استقبال و پشتیبانی بسیاری از انجمن ها و سازمان ها و شرکت های تجاری و ... قرار گرفته است.

با توجه به این که این جام برای بار نخست برپا خواهد شد و به احتمال زیاد بازی های مقدماتی نخواهد داشت از همه ی همجنس گرایان دعوت به شرکت شده است.



از تمام همجنسگرایان ایرانی دعوت می گردد که در صورت تمایل برای شرکت در این مسابقات اقدام نمایند. برای اطلاعات بیشتر می توانید با ما در تماس باشید. بیاید حضور خود را در جامعه بین الملل اعلام کنیم که ما هم هستیم.

## اطلاعیه سازمان در ارتباط با ویژه نامه ای جدید

با درود فراوان ، در پی درخواست عزیزى همجنس گرا مبنی بر ایجاد نشریه ای با محتوای داستان، زندگی نامه و خاطره های همجنس گرایان در موضوعات عشق و دل دادگی برآن شدیم که اطلاعیه ای مبنی بر مشارکت عمومی دوستان همجنس گرا صادر نماییم و از همگان راهنمایی و نظر سنجی کنیم. با توجه به مسدود شدن و در دسترس نبودن بسیاری از وبلاگ ها و وب سایت ها و دیگر نشریاتی که به این موضوع می پرداختند بر آنیم تا ویژه نامه ای ایجاد نموده و مطالب این دوستان را با نام و عنوان خودشان منتشر نماییم تا شاید از این راه بتوان صدای این عزیزان را به گوش دیگر دوستان و علاقه مندان رساند. هدف اصلی پیشنهاد دهنده معرفی عشق و علاقه واقعی همجنس گرایان و بیان احساسات درونی آنان بوده تا دیگران با روحیات و تمایلات و نیازهای این قشر جامعه آگاهی بیشتری کسب نموده و قدمی در راه باوررسانی و معرفی همجنس گرایان برداشته شود. این ویژه نامه به صورت فایل های PDF و DOC منتشر و به آدرس های پست الکترونیکی علاقمندان ارسال خواهد شد. لذا از تمامی دوستان و نویسندگان دعوت می گردد که نظر و پیشنهاد خود را در ارتباط با ایجاد و انتشار این نشریه اعلام نموده و ما را راهنمایی و کمک نمایند تا بتوانیم با مشارکت همگان این ویژه نامه را متولد سازیم. مطالب این نشریه توسط این عزیزان گردآوری و منتشر خواهد گردید. برای نام گذاری این ویژه نامه بسیار فکر کردیم و در آخر از خواجه حافظ شیرازی استمداد جستیم. با تعجب بسیار غزلی که اشاره مستقیمی به همجنس گرایی داشت ما را در انتخاب نام پیشنهادی کمک کرد.

اگر میل دل هر کس به جایی است بود میل دل من سوی فرخ  
بنابراین نام پیشنهادی ما ویژه نامه "میل دل" می باشد  
لذا از تمامی علاقمندان خواهش می کنیم که نام پیشنهادی خود را برای ما ارسال نمایند تا از این طریق بتوانیم نامی شایسته برگزینیم. در آخر باز اعلام می نمایم که این ویژه نامه ارائه دهنده و معرفی کننده عشق بین دو همجنس بوده و با شیوه ای نوین سعی در دفاع از حقوق همجنس گرایان و کسب احترام اجتماعی برای ایشان می نماید.



## درخواست همکاری برای ساختن یک فیلم



یک دوست ایرانی مقیم هلند در حال ساخت یک فیلم مستند راجع به همجنس گرایان و دگرجنس شدگان ایرانی (Gay, Lesbian, Transgender) و مشکلات و تجربیات شان می باشد.

- اگر گی، لزبین و یا ترنسجنس هستید و یا از فعالین حقوقی آنان می باشید.

- اگر ساکن کشور هلند و یا کشورهای هم جوار آن و یا اروپایی هستید.

- اگر ساکن کشوری خارج از اروپای مرکزی هستید و فکر می کنید تماس و یا صحبت با شما، سازندگان فیلم را در طرح و به تصویر کشیدن مشکلات همجنسگرایان ایرانی یاری می کند.

- اگر در این زمینه اطلاعاتی دارید که مایل به در میان گذاشتن آن با سازندگان این فیلم می باشید.

- اگر در این زمینه تحقیقاتی انجام داده اید یا مشغول تحقیق هستید.

- اگر آمار و یا مستنداتی در اختیار دارید که اطلاعاتی در مورد نقض حقوق همجنس گرایان توسط جمهوری اسلامی و یا سیستم های پذیرش پناهنده در اروپا بدست می دهند.

- اگر مایل به حضور در این فیلم و همکاری با سازندگان این مستند می باشید.

لطفا با آدرس پست الکترونیکی [tv@pglo.org](mailto:tv@pglo.org) سرکار خانم مهرناز خجسته تماس بگیرید و اطلاعات و زمینه کاری خود را اعلام کنید تا با سازندگان این فیلم مستند هماهنگی های لازم صورت پذیرد.

### یادآوری:

۱- کلیه اطلاعات دریافتی، مشخصات فردی و حقوقی شما بر اساس ضوابط حرفه ای نزد سازندگان فیلم محفوظ خواهد ماند، بدون دریافت موافقت رسمی شما از هیچ یک از داده هایتان استفاده نخواهد شد.

۲- در صورت تمایل شما به حضور در این فیلم مستند، از نظر فنی امکان حضورتان به صورت ناشناس (محو و یا غیر شفاف کردن تصویر و تغییر صدا) وجود دارد.

**دستانتان را به گرمی می فشاریم**

## آگهی یک تحقیق عمومی

امیر پور شریعتی - تهران

من تصمیم دارم در مورد مشکلاتی که همجنس گرایان در ایران دارند، یک تحقیق تازه انجام بدهم.

مسلما با گذشت زمان و تغییر شرایط موجود، ممکن هست خیلی از مشکلات حل شده باشد و مشکلات جدیدی به وجود آمده باشد. من فکر می کنم لازم هست که یک تجدید نظر روی شرایط همجنس گرایان در ایران بر اساس تحقیقات تازه انجام شود.

در صورتی که همجنس گرا بودن برای شما مشکلاتی را ایجاد نموده که اگر همجنس گرا نبودید بروز نمی کرد لطفا برای من نامه بفرستید و مشکلات تان را مطرح کنید تا بتوان با مشارکت همه گانی بتوانیم حدس بزیم که همجنس گرایان ایرانی در حال حاضر چه مشکلاتی دارند. همواره بیان می شود که مشکل داریم ما در حال شناسایی معنی مشکل و انواع آن هستیم. لطفا فقط مشکلات را بنویسید لطفا بنویسید که چه مواردی دارید که آن را مشکل می نامید لطفا آنها را به طور کامل شرح دهید. لطفا کمک کنید تا بتوانم تحقیقم را تکمیل و جامع کنم

لطفا با آدرس پست الکترونیکی من تماس بگیرید:

[end\\_end\\_end@yahoo.com](mailto:end_end_end@yahoo.com)

با تشکر فراوان

چراغ نیز از تمامی شما درخواست می نماید که با این دوست عزیزمان همکاری و همراهی نمایید.

امیر پورشریعتی همجنس گرا است و یکی از مدیران فعال گروه های یاهو می باشد که با درایتی خاص و غیر قابل توصیفی در رابطه با همجنس گرایان فعالیت می نماید. البته به غیر از این مسولیت، فعالیت های دیگری را نیز انجام داده که در جای خود صحبت خواهد شد. از شما دوتان درخواست می گردد که نسخه ای از نامه ارسالی خود را نیز برای ما رونوشت نمایید.

## جلسات هفتگی در پالتاک

سازمان جلسات هفتگی ویژه ای را در اتاق های پالتاک ترتیب داده است که ورود برای عموم آزاد است و در آن اتاق ها به بحث و تبادل نظر در موضوعات مختلف پرداخته خواهد شد.

این اتاق هر پنجشنبه ساعت ۲۰:۰۰ به وقت تهران به مدت یک ساعت باز خواهد بود.

اتاق های پالتاک

دسته **By Language / Nationally / Other**

نام اتاق:

### Iran-Persian Gay & Lesbian Organization

این اتاق توسط آی دی PGLO-PGLO باز می شود که شما می توانید آن را در لیست خود اضافه کنید.

در انتظار حضور شما در این جلسات هستیم

لطفا دوستان خود را نیز مطلع سازید

## کانون خبرنگاران و نویسندگان همجنسگرا

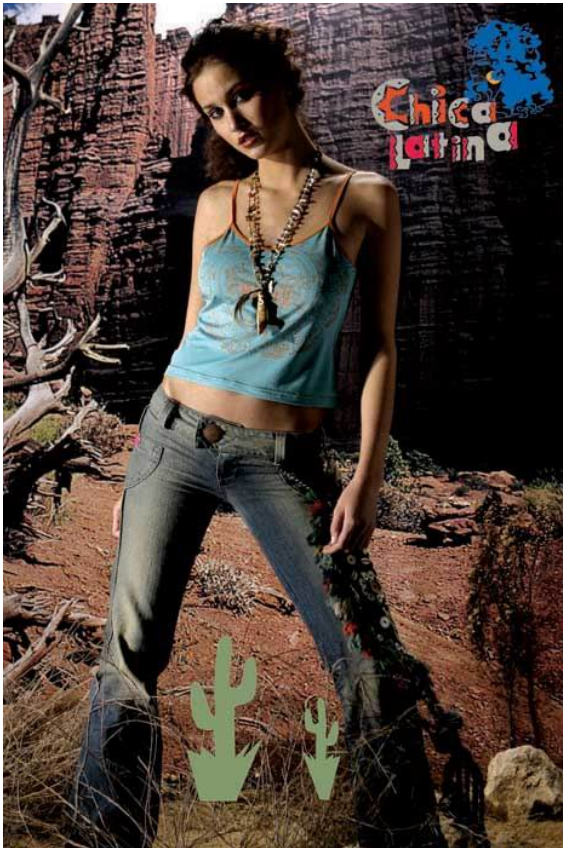
دوست گرامی

کانون خبرنگاران و نویسندگان همجنسگرای ایرانی پشتیبان کننده نشریه همجنسگرایان ایرانی خواهد بود. شما می توانید خبرها و نوشته های خود را با موضوعات مشخص در قالب فایل های Microsoft Word برای ما ارسال نمایید. (تا حد امکان از فونت فارسی استفاده نمایید) هیچ نگرانی نسبت به طرز نگارش نداشته باشید در صورت نیاز ما آن را ویرایش خواهیم کرد.

برای عضویت در این کانون می توانید در خواست خود را به آدرس [editor@pglo.org](mailto:editor@pglo.org) ارسال نمایید و با تکمیل فرم مخصوص کد خبرنگاری و یا نویسندگی این کانون را دریافت نمایید. شایان ذکر است که این کد پس از ارسال اولین خبر و یا متن ارسال می گردد.

## دل بری

فریبا - اصفهان



# Do You Know, The Iranian Homosexuals Are Sentenced to Death ?



سازمان همجنسگرایان ایرانی  
Persian Gay & Lesbian Organization  
Human Rights Commission  
کمیسیون حقوق بشر

## اعدام دو نوجوان همجنسگرا در مشهد و اهمیت فرادستی فرهنگی نیروهای دمکراسی خواه ج - شیرازی



اعدام دو نوجوان در مشهد موجی از خشم و نفرت جهانی را متوجه رژیم اسلامی نمود که نه تنها خود حکومت که خود من همجنسگرای ایرانی را هم

غافلگیر کرد. نیروهای معترض جهانی عمداً همجنسگرایان غربی بودند و اعتراضات جهانی صورت گرفته آن چنان گسترده بود که از پرداختن به همه آنها می گذرم و صرفاً به مهمترین آنها اشاره ای گذرا خواهم داشت و بعد به موضوع اصلی می پردازم.

سازمان حقوق بشر همجنس گرایان جهان و ایلگا (جمعیت بین المللی همجنس گرایان) با انتشار بیانیه هایی اعدام دو جوان همجنس گرا را به شدت محکوم کردند، همجنسگرایان آمریکا، کانادا سفارت ایران در کانادا را فاکس و ایمیل باران کردند، همجنس خواهان روسیه ضمن ارسال فاکس و ایمیل به سفارت ایران در آن کشور همچنین طی نامه ای به پوتین از او خواسته اند که به اعدام همجنس گرایان در ایران اعتراض کند، در سوئد تظاهراتی در میدان مرکزی شهر استکهلم توسط همجنس گرایان آن کشور صورت گرفت، همجنس گرایان ایتالیا تظاهراتی در مقابل سفارت ایران در رم و کنسولگری ایران در میلان ترتیب دادند. گروه "اوت رایج" همجنس گرایان انگلیس با انتشار نامه شدید الحنی عمل "بربرمنشانه فوندامنتالیستهای حاکم بر تهران که ملتی را به گروگان گرفته" محکوم کرده و از تونی بلیر خواسته اند که در روابط با ایران موضوع حقوق بشر از جمله حقوق همجنس گرایان را مد نظر قرار دهد. این سازمان تظاهرات جلو سفارت ایران در لندن را برای روز ۱۱ اگوست تدارک دیده است. همجنس گرایان ونزوئلایی هم طی نامه هایی به سفارت ایران در آن کشور عمل اعدام همجنس گرایان را محکوم کرده اند. سازمان حقوق بشر جهانی همجنس گرایان که مقرر آن در آمریکاست طی نامه ای به کوندالیزا رایس از او خواسته

است که اعدام ها در ایران را محکوم کند. سازمان عفو بین الملل و اتحادیه اروپا نیز تحت فشار لابی نیروها و سازمانهای همجنس گرایان غربی هر کدام با انتشار بیانیه هایی اعدام دو نوجوان مشهدی را محکوم کردند. علاوه بر این ها رادیوی "رنگین کمان" همجنسگرایان استرالیا به مدت یک ساعت تمام به پخش برنامه درباره ایران و وضعیت همجنسگرایان آن پرداخته است. از این ها گذشته هزاران هزار سایت اینترنتی گروهی و شخصی همجنسگرایان سراسر جهان هم به انعکاس خبر و گزارش پرداختند. این اتفاقات چه درسی برای همه ما ایرانیان (با هر گرایش جنسی) دارد؟ در مورد این دو نوجوان دلائل زیادی وجود دارد. اول اینکه قانون اعدام همجنسگرایان همچنان پابرجاست و دولت و دستگاه قضائی هر وقت بخواهند می توانند با استناد به آن افراد را اعدام کنند، از این گذشته پی گیری بی طرفانه! و دقیق تمام اخبار و اطلاعات منتشره این را بیشتر در ذهن تداعی می کند یکی از "جرایم" اصلی که منجر با اعدام آنها شده همانا داشتن سکس با همجنس بوده. از یک طرف وکیل آنها گفته که دو نوجوان اعتراف کرده اند که نمی دانستند چنین عملی (سکس با همجنس) مجازات اعدام دارد، و از طرف دیگر در اخبار اولیه موضوع "لواط" همجنس گرایی بعنوان یکی از دلائل اعدام عنوان شده بود و تنها بعد از انتشار خبر و شروع اعتراضات بود که مسئولان قضائی مشهد جنبه سکس آن را کم رنگ کرده و بر جنبه " آدم ربایی، تجاوز و...." بیشتر تاکید کردند. بنا بر تجارب اعدام های دیگر، در این مورد که آیا این دو نوجوان واقع به عمل تجاوز دست زده اند یا نه تنها به گفته مسئولین قضایی نمیتوان اعتماد کامل داشت، همینطور اعتراض پدر آن پسر ۱۳ ساله هم نمی تواند دلیلی بر تجاوز باشد. و نمیتوان این امکان را نادیده گرفت که آن پس ۱۳ ساله واقعاً به زور وادار به سکس شده یا اینکه خود تمایلی هم نداشته است. ( عصبانیت پدر در همان چارچوب خشم و عصبانیت پدر و مادرهای ایرانی که وقتی از همجنس گرا بودن فرزند خود خبر دار می شوند و در پی نفی و انکار و این که تقصیر دیگران است و... تا "شرم و سرشکستگی" خود را پنهان کنند، را هم نباید

از نظر دور داشت. اینکه نوجوانان دختر و پسر در سنین ۱۰ تا ۱۷ سالگی بنا بر کنجکاوی یا گرایش واقعی و درونی خود به رابطه جنسی با همجنس خود دست می زنند، چیز عجیب و غریبی نیست. و یادمان باشد که دو نوجوان هنگام ارتکاب جرم خود کودک بوده اند (۱۶ ساله و طرف مقابل آنها ۱۳ ساله که از نظر رشد و... گاهی نمیتوان تفاوت ظاهری چندانی مشاهده کرد) و نباید آن را با پدوفیلی (تجاوز یک فرد بالغ به کودک) قاطی کرد. این را بسیاری از نوجوانان در همه دنیا تجربه می کنند بدون آنکه در در آینده همجنس گرا شوند. با این همه بخشی از این نوجوانان (۷ تا ده درصدی) بهرحال همجنس گرا هستند. (همان تعداد نسبی همجنس گرایان در هر کشور و جامعه ای). پس در این باره که آیا این دو نوجوان واقعا همجنس گرا بوده اند یا نه نمیتوان یک حکم قطعی داد اما (یک امای مهم) وقتی آنها را به "جرم" اصلی عمل همجنس گرایانه (بقول هموفوبیستهای اسلامی، لواط) اعدام می کنند به این معناست که بر اساس همان قانون مجازات اسلامی که بر اساس آن مجازات

همجنس گرایی اعدام است، عمل کرده اند و اینجاست که موضوع اعدام همجنس گرایان در

**برای لغو اعدام همجنسگرایان به آدرس زیر رفته و امضا کنید و در انتشار آن نیز کوشا باشید.**

<http://www.abolition.fr/ecpm/french/petitions.php?ref=14>

<http://www.petitiononline.com/1021ir>

شروع به کار کرده اند، همچنین تعداد سایت های اینترنتی همجنس گرایان امروز تقریبا دو برابر تعداد سایت های سال گذشته است. در نتیجه همین فعالیت ها که البته تحت انواع فشارهای حکومتی و فرهنگی و خانوادگی صورت گرفته، همجنس گرایان ایران موفق شده اند که تماس های اولیه با جامعه جهانی همجنس گرایان برقرار کرده و آنها را در جریان وضعیت خود قرار دهند که به نوبه خود در شکل گیری اعتراضات وسیع و خشم آلود اخیر جامعه جهانی همجنس گرایان به حکومت ایران بی تاثیر نبوده است. البته می دانیم که در سال های اول انقلاب که حکومت اسلامی تعدادی از همجنس گرایان را اعدام کرد گروه های خارجی واکنش نشان دادند اما سال های سال است که خبری از این گونه حمایت ها نبوده و گروه های خارجی کم و بیش به حمایت از همجنسگرایان ایرانی پناهنده بسنده کرده اند. وقایع گفته نشان می دهد که نیروهای تحول طلب و دمکراسی خواه ایران اگر بخواهند و اراده کنند میتوانند به شکل گیری جبهه مهم و جدیدی در مقابل حکومت اسلامی کمک کنند.

این جبهه شامل مبارزات همجنسگرایان داخل و افکار عمومی جامعه جهانی

همجنسگرایان است که فشار به حکومت و چالشهای آن را دو چندان می کند. همجنس گرایان طیف و نیروی وسیعی در کشور هستند. اگر همجنس گرایان ۴۰ به بالا اکثرا بالاچار تن به ازدواج داده اند اما همجنس گرایان جوانتر از آگاهی بیشتری نسبت به گرایش جنسی خود برخوردارند و نسبت به فشارهای خانواده برای ازدواج مقاومت بیشتری نشان می دهند. تعداد همجنس گرایان ۲۰ تا ۳۵ ساله مجرد در کشور چندان کم نیست. همجنسگرایان بطور عمده با حاکمیت فعلی دمساز نیستند و خواهان بهتر شدن شرایط خود می باشند. از طرف دیگر ارزش های سنتی و مذهبی را به کنار نهاده اند و حتی همجنس گرایان مذهبی هم برداشت و قرائت های بسیار امروزی و سکولار از مذهب خود دارند. همجنسگرایان همچنین در تضعیف

ایران و بخصوص موضوع اعدام دو نوجوان به "جرم" همجنس گرایی برجسته می شود. واکنش به حق جامعه همجنس گرایان جهانی هم در همین رابطه است (بگذریم که کلا اعدام عملی غیر انسانی است). بعد از این مقدمه طولانی، هدف اصلی این نوشته اما چیز دیگری است و آن جلب توجه دوباره نیروهای فرهنگی، سازمانهای زنان، سازمانهای غیر دولتی و نیروهای سیاسی و مدافعان حقوق بشر به اهمیت دفاع علنی تر و صریح تر از ما همجنس گرایان کشور است. در یکسال گذشته که حکومت سایت های همجنس گرایان را مسدود کرد، افراد آگاه این نیروی اجتماعی خیلی سریع نیروی محدود خود را جمع آوری کرده و به یک ضد حمله دست زدند. در یک سال گذشته دو مجله و یک رادیوی همجنسگرایان ایران

سنت، تقویت فردیت، مقابله با مردسالاری، ارائه تعریف مدرن و تازه از مفهوم خانواده و زندگی مشترک نقش بسیار با اهمیتی را میتوانند ایفا کنند. همجنسگرایان ایران یکی از نیروهای اجتماعی است که اگر به آن کمک شود بطور بالقوه از این توان برخوردارند که به یک نیروی متشکل و سازماندهی شده تبدیل شوند که با برنامه وارد کارزار دموکراسی خواهی و پیوند با دیگر دموکراسی و حقوق بشر و گسترش مفاهیم مدرن و سکولار در جامعه نقش بسیار مثبت و با اهمیتی ایفا کنند. اما همجنسگرایان تنها تحت فشار حکومت نیستند بلکه از طرف جامعه و بخصوص خانواده های خود که آنها را برای تن دادن به یک ازدواج اجباری و بر اساس سنت هم تحت فشار روحی روانی شدیدی قرار می دهند، واقع هستند. به عبارتی دختران و پسران همجنس گرای ایرانی تحت یک فشار گاز انبری در جامعه قرار دارند، امری که پروسه خود آزادی و اعتماد به نفس آنها را کند می کند. همچنین آنها در علنی کردن گرایش جنسی خود در مدرسه، محیط کار و... با مشکل اخراج شدن مواجه هستند. در این رابطه نقش بی بدیلی بر عهده روشنگران فرهنگی و نیروهای سیاسی دمکرات ماست و آن کمک به خنثی کردن فشار گاز انبری بر این نیروی اجتماعی است. بعبارت بهتر صرف اعلام اینکه ما از حقوق همجنسگرایان دفاع می کنیم کافی نیست، بلکه بایستی درست همانطور که در باره مسائل زنان، کارگران، و... برخورد میشود و یا همان طور که وجوه مختلف دموکراسی و اهمیت آن از زوایای مختلف بررسی می شود، باید در مورد همجنسگرایی و حقوق همجنسگرایان هم مطلب و مقاله منتشر کرد و از زوایای مختلف به آن پرداخت تا بتوان حداقل فشار افکار عمومی و خانواده ها را از دوش همجنس گرایان کم نمود و آنها نیرو و انرژی آزاد شده خود را کانالیزه کرده و برای حقوق اجتماعی خود که بخشی از حقوق بشر است، وارد فعالیت شوند. چنین امری خود بخود علاوه بر اصلاح ذهنیت سنتی جامعه در این باره، همچنین به فعال شدن یک جبهه فرهنگی تازه (جنبش همجنسگرایان) در مقابل رژیم کمک می کند، جبهه ای که پشتیبانی بخشی از افکار عمومی غرب را به دنبال

خود دارد و رژیم نخواهد توانست آنطور که می خواهد به سرکوب آن پردازد. ما همجنس گرایان ایران در به میدان کشاندن بخشی از افکار عمومی غرب (همجنسگرایان متشکل غربی) به حمایت از دموکراسی و حقوق بشر در ایران این توان را داریم که نقش با اهمیتی ایفا کنیم که نمونه آن را ما در این روزها شاهد بودیم، اما بشرطی که در خنثی کردن فشار خانواده ها و افکار سنتی در جامعه به ما کمک شود و حقوق ما در برنامه روشنگران و دموکراسی خواهان هم منظور شود تا بتوانیم با اعتماد به نفس و نیروی بیشتری وارد میدان شویم. اینجا هدف من



استفاده ابزاری از مسائل همجنسگرایان نیست بلکه منظور این است که آن دسته از روشنفکران، روشنگران اجتماعی و نیروهای سیاسی،

سازمان های غیر دولتی و دیگر تشکلات حقوق بشری کشور ما که خود را از اسارت ذهنیت گذشته رها کرده و از برابری انسانها فارغ از گرایش جنسی اشان دفاع می کنند، می باشد که نباید این عرصه را مهم را فراموش کنند. مخالفان حکومت هم باید مسائل روانشناختی جوانان را بهتر بشناسند چرا که اگر پیامی برانگیزنده و نیرو بخش به نیروی وسیع همجنس گرایان کشور ندهند، مطمئن باشیم که آنها هم ما را جدی نخواهند گرفت. باید بار حقارت را از دوش همجنسگرایان گرفت، باید اجتماع و خانواده ها را به ظلم و ستمی که متوجه فرزندان همجنسگرای خود می کنند آگاه کرد و آنان را از آن برحذر داشت. اگر فشار فرهنگی و خانوادگی فعلی از دوش همجنس گرایان برداشته شود، آن وقت این نیرو با کمک افکار عمومی جهان خواهد توانست رژیم اسلامی را به یک چالش عمده فرهنگی به کشاند و آن وقت راه برای پیوند زدن مبارزات و تلاش های جوانان همجنسگرای کشور با جنبش دموکراسی خواهی هموار خواهد شد. باور کنیم که تنها چند شعار سیاسی ضد حکومتی کارساز نخواهد بود مگر زمانی که نیروهای تحول طلب فرادستی فرهنگی خود را در عمل ثابت کنند.

برگرفته از سایت گویا

## سازمان عفو بین الملل و اتحادیه اروپا اعدام کودکان در ایران را محکوم کردند

### وب سایت ایران تریبون

اتحادیه اروپا با محکوم کردن اعدام دو نوجوان در مشهد، از ایران خواست قانونی در منع اعدام نوجوانان تصویب کند. اعدام محمود عسگری و ایاد مرهونی، دو نوجوانی که چندی پیش در مشهد به اتهام تجاوز به همجنس محاکمه شدند، از سوی اتحادیه اروپا محکوم شد. اتحادیه اروپا از قوه قضائیه جمهوری اسلامی خواست قانونی را در منع چنین مجازات‌هایی به تصویب برساند. دو نوجوان که به گفته فعالان حقوق بشر ۱۶ و ۱۸ ساله بودند هفته گذشته در مشهد به دار آویخته شدند. در سال ۲۰۰۴ میلادی مقام‌های ایران به اتحادیه اروپا اطمینان خاطر دادند که هیچ مجرم زیر ۱۸ سالی را اعدام نمی‌کنند. مدافعان حقوق همجنس‌گرایان و اپوزیسیون ایران اظهار داشتند که نسبت دادن اتهام تجاوز به دو همجنس‌گرای اعدام شده، تنها برای کم کردن از دلسوزی جامعه ایرانی نسبت به اعدام آنها انجام گرفته است.

بنا به اطلاعیه‌ای از سازمان "اول کودکان"، سازمان عفو بین الملل نیز در اطلاعیه‌ای بشدت اعدام‌های اخیر کودکان توسط رژیم اسلامی را محکوم کرد.

بنا به گزارش خبرگزاری ایسنا، امروز ۲۷ تیر ۸۴، ۱۹ ژوئیه ۲۰۰۵، یک کودک و یک نوجوان در ملاء عام در مشهد به دار آویخته شدند. جرم این نوجوان و کودک نوشیدن مواد الکلی، رابطه جنسی با یکدیگر و سرقت ذکر شده است. این دو به جز اعدام به حبس و شلاق هم محکوم شده بودند. این کودک و جوان را قبل از اعدام شلاق نیز زدند. ایسنا که خبر را مخابره کرده است از ذکر نام این دو اعدامی خودداری کرده است. جرم اعدام این دو به خاطر رابطه جنسی آنها با یکدیگر بوده است.

نفرت انگیز است و کلمات از بیان این همه جنایتکاری باز میماند. تا چند صباح دیگر باید شاهد چنین جنایاتی باشیم. برای پایان دادن به این توحش و بربریت تنها یکراه وجود دارد. سرنگونی جمهوری اسلامی و محاکمه تمامی سران و دست اندرکاران رژیم که در جنایات بیشمار نقش داشته‌اند و دارند و مجازات آنها.

هر روز و هر ساعت که سرنگونی جمهوری اسلامی عقب بیافتد، یعنی اتفاق افتادن دهها و صدها جنایت این چینی.

هر انسانی که با جنایات اسلامی خو نگرفته باشد با شنیدن این خبر و با دیدن این تصاویر تکان سختی میخورد. این تکان سخت باید به انرژی وافر برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و پایان دادن به همه این جنایات تبدیل شود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، براساس اعلام مسوولان دایره اجرای احکام شعبه ۱۹ سابق دادگاه عمومی حکم درباره م. ع. و ا. م که به علت ارتکاب سرقت، اخلاف در نظم عمومی، شرب خمر و لواط به حبس، شلاق و اعدام در ملاء عام محکوم شده بودند با حضور تعداد زیادی از مردم مشهد اجرا شد. محکومان به اعدام لحظاتی قبل از اجرای حکم در گفت‌وگو با خبرنگار ایسنا، منطقه خراسان با اظهار ندامت شدید از اعمالشان اظهار داشتند: چهارده ماه پیش دستگیر شدیم و از کار خود پشیمانیم و در حال حاضر توبه کرده ایم.

این دو محکوم افزودند: به جوانان توصیه می‌کنیم که به فکر خانواده‌های خود به دنبال درس و زندگی باشند. یکی از محکومان با اعلام این مطلب که در دادگاه به جرم خود اقرار کرده‌اند اظهار داشت: نمی‌دانستیم که ارتکاب چنین عملی موجب مجازات اعدام است.

این محکومان به اعدام اظهار داشتند: محیط زندگی ما نامناسب بود که خلاف و خراب‌کاری در آنجا رواج و گسترش دارد و این امر باعث شد تا ما در این وضعیت قرار بگیریم. روح الله رزاز زاده وکیل یکی از محکومان با ادعای اینکه موکلش کمتر از ۱۸ سال داشته است، اظهار داشت: این مطالب در دادگاه مورد اعتراض قرار گرفت اما سرانجام رای صادره در دیوان عالی کشور تأیید شد. وی افزود: محکومان در دادگاه و در حضور قاضی به جرم خود اقرار کردند اما در حال حاضر سه نفر از متهمان این پرونده متواری هستند.

حکم شعبه ۱۹ سابق دادگاه عمومی درباره اعدام این دو متهم بعد از اعتراض وکلای متهمان در دیوان عالی کشور بررسی، تأیید و در نهایت امروز اجرا شد.

## نامه ی ILGA به رئیس جمهور جدید



خدمت ریاست جمهوری اسلامی ایران  
جناب آقای محمود احمدی نژاد  
بروکسل ۵ آگوست ۲۰۰۵

آقای رئیس جمهور،

ما مایل هستیم به جهت انتخاب شما به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران تبریک بگوییم. ما امیدواریم آن شیوه عمل گرایانه ای که شما در شهرداری تهران به دست گرفتید در دوران ریاست جمهوری شما نیز ادامه پیدا کند.

ایلگا، جمعیت بین المللی همجنسگرایان تنها سازمان بین المللی برای لزبین ها، گی ها، دوجنسگرایان و دگرجنس شدگان (LGBT) است. اعضای ما در بیش از ۹۰ کشور جهان گسترده شده اند که از میان آن ها کشورهای جهان اسلام نیز شامل می شود. باعث افتخار ماست که در این میان ایرانیان را نیز به همراه داشته باشیم.

اعدام های اخیر دو پسر نوجوان در مشهد در تاریخ ۱۹ جولای ۲۰۰۵ به جرم "شرب خمر، اختلال در نظم عمومی، سرقت یک دوچرخه، تهدید و ارباب و لواط به عنف" (گرفته شدن از حکم قضایی ایران) توجهات جهانی را به ایران متمرکز کرد. این توجه از آن جهت است که بسیاری از سازمان های حقوق بشر در غرب مدعی این باورند که توهین و شکنجه به همجنسگرایان در ایران امری روزمره تلقی می شود و هر زمان که حکومت می خواهد انتقادها و اعتراض ها را منحرف کند از نسبت های ناروایی چون معتاد به مواد مخدر، الکلی، زنا و تجاوز استفاده کرده و متهم را شخصی جانورخو معرفی می نماید و از این رو همه را مصمم به محکوم کردن وی به مرگ می کند.

ایلگا نگران این مسئله می باشد و از روابط جنسی با افراد زیر سن قانونی که خود رضایت نداشته اند، دفاع نمی کند.

ما تا آن جا که دریافته ایم احکام مرگ توسط دولت های وحشی و بربریت تنظیم می شده است. اگرچه این حادثه این را به ذهن می آورد که ایران مایل به ادامه دادن مقام خود در بین ۹ کشور اول مجازات کننده همجنسگرایان با کیفر مرگ است. به ویژه غیر قابل

قبول است که این احکام به نام اسلام صادر می شود و همین معدود کشورهای همجنسگرایان را به قتل می رسانند به طور برجسته دولت های مسلمان هستند.

آقای رئیس جمهور،

همان طور که می دانید معمولا دشوار است که از خارج از کشور ایران اطلاعات موثقی را بدست آورد اما تمام منابع داخلی وقایع زیر را نسبت به همجنسگرایان بیان می کنند:

۱- علی رغم افزایش تعقیب قانونی همجنسگرایان در ایران اندکی پس از انقلاب اسلامی ایران هیچ کاهشی در تعداد همجنسگرایان مشاهده نشده است. آن ها تنها تحت فشار هستند که به صورت مخفی زندگی خود را ادامه دهند. در شهرهای بزرگ ایران مثل تهران جلسات مخفیانه همجنسگرایان پشت درهای بسته ادامه پیدا می کند.

۲- با توجه به اینکه در ایران امکان تغییر جنسیت برای دگرجنس شدگان وجود دارد اما پیگیری کردن لزبین ها، گی ها و دوجنسگرایان با حکم مرگ آن هم به طور رسمی، وحشیانه به نظر می رسد. دلیل این که ما اعدام برای همجنسگرایان و دوجنسگرایان را شایسته نمی دانیم به سبب سختی اثبات این به اصطلاح جرم از نظر شریعت است.

۳- بسیاری از همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دگرجنس شدگان ایرانی ترجیح می دهند که در خارج از کشورشان زندگی کنند در حالی که میل و سبب جدی برای پناهجویی سیاسی این افراد در خارج وجود ندارد و تنها به جهت جنسیتشان تحت پیگرد قرار گرفته اند.

ایلگا از شما درخواست می کند که به مجازات مرگ در ایران خاتمه دهید. ایلگا هم چنین به طور اختصاصی خواهشمند است صرف نظر از روشی که برای اعدام در نظر گرفته می شود به کشتن همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دگرجنس شدگان در ایران و گرفتن اعتراف با شکنجه از آنها پایان دهید.

با احترام،

کورشاد کاهرامانعلو

روزانا فلامرکالدرا

دبیران جمعیت بین المللی همجنسگرایان - ایلگا



## بیانیه ی IHD به رئیس جمهور جدید

## اعتراض در سرتاسر جهان

خدمت ریاست جمهوری اسلامی ایران

جناب آقای محمود احمدی نژاد



استانبول ۲۷ جولای ۲۰۰۵

آقای رئیس جمهور،

ما اطلاعاتی درباره ی دو نوجوان ایرانی یکی ۱۸ ساله و دیگری ۱۶ ساله بدست آورده ایم که به جرم همجنسگرایی و تجاوز ابتدا شلاق خورده و پس از آن به دار آویخته شدند.

این اتفاق که ما شاهد آن هستیم مظهر کامل قتل و رفتارهای وحشیانه به حساب می آید.

این قابل تمایز و تفکیک کردن نیست که انسان ها را به سبب هویت جنسی اشان آن هم در ملا عام مورد مجازات قرار داد.

آقای رئیس جمهور،



کشور شما به سمت ایجاد مشکلات جدی علیه حقوق بشر به ویژه تجاوز به حق

زندگی مردم پیش می رود. و این از ممارست شماسست برای جهانی کردن قوانین مجازات های شریعت است.

ما به عنوان مدافعان حقوق بشر در ترکیه خواهشمندیم که سیاست و قوانین کشور ایران را با قوانین حقوق بشر بین المللی را مورد مطابقت نمایند و جلوی روند تجاوزهای متعدد را به حقوق انسانی و حق زندگی کردن مردم ایران را بگیرید.

جمعیت مدافعین حقوق بشر - شعبه استانبول (IHD)

پیشگامان همجنس گرایان ترکیه - لامبدا استانبول

لندن



در ۱۱ آگوست ساعت ۱۳ جمعیتی حدود ۱۰۰ نفر در مقابل سفارتخانه ایران در لندن به اعتراض پرداختند و خواستار پایان دادن به رفتارهای ستمگرانه و هموفوبیک علیه همجنسگرایان و زنان شدند.

این تجمع که به هماهنگی سازمان سراسری پناهندگان ایرانی (IOIR) ترتیب داده شده بود از طرف بسیاری دیگر از سازمان های مدافع حقوق بشر به همجنسگرایان استقبال شد.

آرون سعید سخنگو و مسول امور مسلمانان گروه حقوق بشر همجنسگرایان (OUTRAGE!) در حاشیه این مراسم گفت: "ما این اعدام های اخیر دو نوجوان را در ایران را به

شدت محکوم

می کنیم در

حالی که یکی

از به دارآویخته

شدگان کمتر

از سن قانونی

بوده نگرانی



های خود را از ادامه یافتن این قبیل مجازات ها را اعلام می کنیم." همچنین آقای رمزی از دیگر اعضای Outrage! بیان داشت: "این حقیقتی است که نباید از خاطر دور کرد که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب سال ۱۹۷۹ تا پایان دهه ی ۹۰ بیش از چهار هزار همجنس گرا را اعدام کرده است و برای فرار از زیر بار فشارهای خارجی بهانه جویی می کند.

آیین چراغ، خاموشی نیست!

۴۰ - شهریور ماه ۸۴

## پاریس

اینترنت قرار داد و برای آن نزدیک به ۲۰,۰۰۰ امضا جمع آوری کرد.

## استکهلم

سازمان همجنس گرایان سوئدی روز ۱۰ آگوست مراسم اعتراضی خود را نسبت به اعدام های اخیر در مقابل سفارت خانه ایران برگزار کردند.

در این میان یک پناهنده ی ایرانی به نام فاروق داناکار که در ایران به جرم داشتن "روابط نامشروع" متحمل ۹۹ ضربه شلاق شده بود می گفت: "من چه جرمی انجام داده بودم وقتی که در سن ۱۷ سالگی دوست پسر ۱۶ ساله ام را تنها بوسیدم؟!"



## دوبلین

در مقابل سفارت خانه ایران در ایرلند تظاهرکنندگان شعار می دادند "مجازات اعدام را حذف کنید" تجمع کنندگان که به جهت نشان دادن اعتراض طناب دار به گردن خود آویخته بودند فریاد می زدند "هم احساسان، حمایتان می کنیم".

## سانفرانسیسکو

این تجمع با حضور ایرانیان و شهروندان امریکایی برگزار شد. در این تظاهرات شرکت کنندگان اعلام می کردند "همبستگی خود را

با ایرانیانی که تلاش برای ایجاد دموکراسی و گسترش حقوق بشر در کشورشان دارند را ابراز می نمایم"



حدود ۲۰ سازمان مدافع همجنسگرایان ساعت ۱۷ روز ۱۱ آگوست مقابل کاخ ادموند میشل و موزه ی جرج پومیدولو جمع شدند. در اکثر دست نوشته ها این جملات بیشتر به چشم می آمد: "ما هم همجنس گرا هستیم"، "نوجوانان را نکشید"، "محکوم باد حکومت ضد همجنس گرا"

## مونت پلیر

ساعت ۱۲ ظهر در محل کومودیه در مقابل ترویس گرییس سازمان های مخالف اعدام نام ایران را در کنار نام عربستان سعودی، امارات متحده عربی، افغانستان، پاکستان، موریتانی، سودان، نیجریه و یمن که معروف به کشورهای مجازات کننده ی همجنسگرایان هستند نوشته شده بود و خواستار مجازات رهبران این کشورها شده بودند.

## استانبول

انجمن همجنس گرایان ترکیه در استانبول نیز در مقابل کنسولگری ایران تظاهراتی برپا نموده و اعتراض کردند.

این تظاهرات که به دعوت مرکز فرهنگی لامبدا و جمعیت دفاع از حقوق بشر که در روز چهارشنبه ۲۷ جولای ساعت



۱۳ آغاز شد و پس از سخنرانی و به حرکت درآوردن پلاکارد و دست نوشته هایی که در دفاع از حقوق همجنس گرایان بود به پایان رسید.

## آمستردام

علاوه بر این که در مراسم های پراید گی ها و لزبین ها

نام همجنس گرایان ایرانی برده شده بود سازمان همجنسگرایان هلندی (COC) به درخواست سازمان همجنسگرایان ایرانی



(PGLO) یک متن اعتراضی به زبان هلندی بر روی

از وقتی که برای اولین بار اخبار به دار آویختن دو جوان که به جرم "لواط به عنف" در مشهد به دار آویخته شده اند را خواندم، روزی نیست که یکی دو ایمیل در مورد این واقعه از گروه های مختلف اپوزیسیون و دوستان و آشنایان دریافت نکنم. یکی از "وحشی" بودن این عمل که در دنیای "متمدن" جایی ندارد می گوید و دیگری از حقوق همجنسگرایان. یکی می خواهد که دولت های دیگر رابطه اقتصادیشان را با ایران قطع کنند و دیگری پتیشن راه می اندازد. برایم جالب است حتی بعضی از کسانی که عضو گروه های اپوزیسیون خارج از کشور هستند و خیلی هم هوموفوبیک تشریف دارند، حالا شده اند پرچمدار حقوق همجنسگراها. همان هایی که سالها پیش که یک گروه همجنسگرا از آنان خواست که اعلامیه اش را در گردهمایی گروه های اپوزیسیون بخوانند، قبول نکردند و گفتند: "مردم فکر می کنند یک مشت کونی این کنفرانس را برگزار کرده اند!"

اگر از دیدن این کلمه بدون نقطه چین تعجب کرده اید، با کمال احترام، لطفاً با دیدن کلمه "کونی" سر تکان ندهید و گوش هایتان را نگیرید و چشمهایتان را نبندید و نگویید این فرنگوپولیس چه جای مبتذلی شده است. این کلمه را همه شنیده ایم و بکار می بریم و خیلی ها هم وقتی جوکی در موردش می شنویم از ته دل می خندیم، اما در محافل روشنفکری می گوئیم که با همجنس گرایان مشکلی نداریم و به زور دست یک همجنس گرا را هم می فشیریم، اما فوری می رویم آب می کشیم که از یک "کونی" ایدز نگیریم! آخر مثل آنهایی که از همجنس گراها متنفرند و ادعای روشنفکری هم دارند، اما تظاهر نمی کنند که طرفدار همجنسگراها هستند، فکر می کنیم که همه همجنسگرایان ایدز دارند. با اینکه آمار ایدز در آمریکا نشان می دهد که رفتارهای پر از ریسک و سرعت شیوع ایدز در بین مردان دگرجنس گرا بیشتر است. فکر می کنیم که همجنس گرایی یعنی فقط لخت در خیابان راه رفتن و فقط همین جنبه فستیوال های همجنسگرایان برایمان "جالب" است... فکر می کنیم

که همجنس گرایان همه معتادند و یا حتماً باید قیافه ای عجیب و غریب داشته باشند. فکر می کنیم همجنس گرایان همه مرد هستند... بعد هم اگر خیلی دیگر روشن فکر باشیم، در دفاع از همجنسگرایان می گوئیم: "آنها همه مردانی هنرمند هستند و بسیار لطیفند." انگار همجنس گراها یا باید دیو باشند و یا فرشته. جای آدم معمولی را نمی توانیم برایشان تصور کنیم. آدمی که هنرمند نیست، شاعر نیست، قاتل هم نیست، معتاد هم نیست، بچه باز هم نیست، آدمی "معمولی" است. راستی خیلی وقتها زن هم هست. یک زن معمولی ...

وقتی یک همجنس گرا می بینیم فکر می کنیم او نماینده همه همجنس گرایان دنیاست و به او می گوئیم "شماها" در مورد ازدواج همجنس گرایان چه فکری می کنید؟" انگار همه همجنس گرایان مغزشان طوری برنامه ریزی شده که یک جور فکر کنند. انگار همه یک هدف دارند. انگار آنها به جز همجنس گرا بودن هویت دیگری ندارند... طبیعتاً اصلاً به فکرمان نمی رسد که آنها از سیاست چیزی بدانند. اما اگر یکی به ما بگوید "شما خاورمیانه ای ها..." بهمان بر می خورد که طرف همه خاورمیانه ای ها را یکجور می بیند. اگر هم مقاله ای در دفاع از همجنس گرایی می نویسیم (که البته بیشتر در انتقاد از دولت ایران می نویسیم تا دفاع از همجنس گرایی)، حتماً می نویسیم که ما همجنسگرا نیستیم، اما با همجنس گرایان مشکلی نداریم. حتماً می گوئیم که ما نیستیم تا خدای نا کرده کسی فکر نکند که هستیم. می گوئیم نیستیم اما مدافع حقوقشان هستیم تا ثابت کنیم که چقدر روشنفکریم و آنها چقدر قربانی اند و ما چقدر ناجی بینوایانیم. اما اگر معلم بچه مان همجنس گراست، می ترسیم که به فرزندمان تجاوز کند، با اینکه می دانیم که بیشتر تجاوزگران مردان دگرجنس گرا هستند! (لطفاً توجه کنید که نمی گوئیم بیشتر مردان دگرجنسگرا متجاوزند، می گوئیم بیشتر تجاوزگران مردان دگرجنسگرا هستند. تفاوت از زمین است تا آسمان). مدرسه فرزندمان را عوض می کنیم.

وقتی دانش آموزمان می آید و درد دل می کند و می گوید که همجنس گراست، اما نمی داند به خانواده اش چه بگوید، یا می ترسیم با او حرف بزنیم

که فردا عاشق ما نشود و یا دیگران پشت سرمان حرف در نیاورند. سعی می کنیم به او بگوییم که اشتباه می کند و باید سعی کند خودش را "طبیعی" کند و از او فرار می کنیم. اگر دوستی همجنس گرا داریم فکر می کنیم که او حتماً یا به ما یا به همسرمان چشم دارد. آخر فکر می کنیم که یک کلوپ دارند که عضو جمع می کنند!... تفاوت ها را باید سفت و سخت نگه داریم تا همجنس گرایان یکوقت جزو "نرم" نشوند، اما به عنوان گروهی "مخصوص" و "اقلیت" شناخته شوند و جایگاهشان از نرم جدا و مشخص باشد. اگر زوج همجنسگرایی را می بینیم که فرزندی دارند، دلمان برای بچه می سوزد که بی پدر است یا بی مادر. بعد هم می گوئیم اگر "اینها" بچه دار می خواهند بشوند، چرا همجنسگرا هستند؟ فکر می کنیم همجنسگرایان بیمارند و نیاز به تادیب و درمان دارند. یا چون عاشق علم هستیم می گوئیم که محققان از دهه هفتاد گفته اند که بیماری نیست. اما حتماً باید ببینیم چه شده که همجنسگرا شده اند. پس می گوئیم ژنتیکی است که وجدان خودمان را راحت کنیم و "تقصیر" را گردن کسی نیندازیم. آخر فکر می کنیم یک جای کار "عادی" نیست، پس باید به دنبال دلیلش بگردیم. اما هیچوقت از خودمان نمی پرسیم که چرا من دگرجنس گرا شدم؟ آخر فرض می کنیم که ما عادی هستیم و خب جنسیتان دیگر سوال ندارد!

بله همین ماها هستیم که در پتیشن ها و نامه نویسی ها پیشدست می شویم که بگوییم مرگ بر ایران که همجنسگرایان را اعدام کرده! در این موقع می صرفد. البته شما را نمی گویم. شما که اینطور نیستید، پس بیاید رو راست این پرده روشفکری را کنار بزنیم و به قول امریکایی ها تظاهر نکنیم که این فیل بزرگ سفیدی که وسط اطاق ایستاده را نمی بینیم. بیاید در مورد اعدام های مشهد صادقانه گفتگو کنیم. بنا به گزارش های موجود، اعدام این دو جوان به جرم "لواط به عنف" و به علت رابطه جنسیشان با یک پسر ۱۳ ساله بوده. ( من با گزارش های گروه ها و افرادی که فقط منتظرند از هر فرصتی برای انتقاد از سیستم ایران به دادگاههای بین المللی شکایت کنند و در این راه حتی قسمت تجاوز را حذف می کنند و می گویند دلیل اعدام دو مرد جوان همجنس گرایی بوده کاری

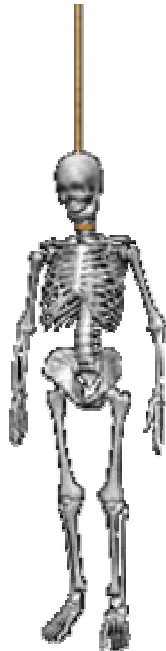
ندارم، چون آنها برای من اعتباری ندارند). دو مسئله اینجا مطرح است: اول، رابطه جنسی بین دو جنس موافق بوده. دوم به زور بوده. سوالهایی که برای من پیش آمده اینها هستند:

۱. اول اینکه آیا می شود به این دو جوان گفت همجنسگرا هستند؟ آیا رابطه شان با پسر ۱۳ ساله به زور بوده؟ اگر رابطه شان به زور بوده که این ربطی به تمایلات جنسی دو مرد جوان ندارد، بلکه مثل هر تجاوز دیگری به قدرت طلبی ربط دارد. خیلی مواقع مردانی که از همجنس گرایان متنفرند، به آنها تجاوز می کنند. این دلیل همجنس گرا بودن تجاوزگر نیست! اما حتی اگر این دو همجنس گرا بوده اند (که تجاوز به یک پسر آنها را همجنس گرا نمی کند)، اگر به زور با پسر ۱۳ ساله رابطه داشته اند، فکر نمی کنم هیچ گروه همجنسگرایی قصد حمایت از عملشان را داشته باشد (بگذریم که کرده اند، چون قسمت تجاوز را فاکتور گرفته اند). توجه کنید که نمی گویم اعدام این دو جوان به حق بوده. نه! من در کل با اعدام مخالفم. حالا چه تجاوزگر بوده باشند و چه نه. اما اینکه این مورد را به یک مورد نقض حقوق همجنسگرایان تبدیل کنیم و نامه های بین المللی در مورد "اعدام دو همجنسگرا در ایران" راه بیندازیم بی معنی است. نمی گویم که ایران برای همجنسگرایان مملکت گل و بلبل است. نه نیست. اما حکم شلاق و مرگ برای همجنسگرایان در قانون اساسی ۴ شاهد و یا اقرار می خواهد. اینکه چطور به زور اقرار می گیرند هم درست. اما این ۴۰۰۰ اعدام همجنسگرایان که گروه بین المللی همجنسگرایان در موردش گزارش داده، بر اساس چه منابعی است؟ اخبارشان از کجا آمده؟ نمی گویم نشده، اما غلو هم بی نقش نیست. اخبار از گروه هایی که منتظرند که ایران را "وحشی" جلوه دهند هم گرفته می شود. ماجرای "آئین سنگسار کردن در سال نو در ایران" که یادتان هست؟

مثال زیاد دارم. حتی موردی که یک آشنا چطور ماجرای کتک خوردنش را در ایران تحریف کرد و آب و تاب داد تا مردمی که در یک اطاق بزرگ به حرفهایش گوش می دادند، از تعجب فکششان آویزان شود که ایران چقدر بدون قانون است! اما وقتی اصل ماجرا را بهم گفت من

فکم از این آویزان شد که چقدر قصه عمومی و قصه خصوصی اش فرق داشت (بازگو نمی کنم که هویتش محفوظ بماند). اگر کاری را که در ایران کرده بود با پلیس امریکا می کرد، کتک که سهل است، کشته هم می شد و دادگاه هم ماجرا را با "دفاع از خود" پلیس سرهم می آورد و کسی هم در مورد نقض حقوق بشر حرفی نمی زد. کسی نمی گفت "امریکا را تحریم اقتصادی کنیم!" همانطور که کسی نمی فهمد که در سال گذشته، امریکا، این "مهد تمدن"، بیشتر از هر کشور دیگر افراد زیر ۱۸ سال را اعدام کرده.

۲. اگر رابطه این دو جوان با این پسر به زور نبوده و از روی رضایت بوده باشد (که اخبار به جز اینکه بگوید پدر پسر شکایت کرده، چیزی در مورد خود پسر ۱۳ ساله نمی گوید)، آیا می شود گفت که چون پسر زیر ۱۵ سال بوده، این عمل تجاوز است؟ مسلماً این باز می گردد به اینکه سن بلوغ را چه سنی بدانیم و "رضایت" را چگونه تعریف کنیم. مرزهای کودکی و بزرگسالی را چه کسانی تعیین می کنند و بر چه اساسی؟ مسلماً قانون هر کشور در این مورد فرق می کند و ضوابط هر دینی متفاوت است. اما کودکی مقوله ای از پیش داده شده نیست. پسر ۱۰ ساله ای که زیر توپ و تانک سربازان اشغالگر بزرگ می شود و با تیر کمان به تانک ها سنگ پرتاب می کند و پسر ۱۰ ساله ای که در اطراف دیزنی لند بزرگ می شود و پسر ۱۰ ساله ای که در خیابان های تایلند بدنش را به توریست های امریکایی می فروشد و پسر ۱۰ ساله ای که در خیابان های لوس آنجلس مواد مخدر رد و بدل می کند تا خانواده اش را بگرداند و پسر ده ساله ای که در ایران نان آور خانواده است و پسر ۱۰ ساله ای که در بالای شهر تهران زندگی می کند و بازی کامپیوتری می کند ... این ها یکی نیستند. کودکیشان یکی نیست. سطح فهمشان یکی نیست. ۱۳ سالگی در هر جا مفهومی جدا دارد. آن ۱۳ سالگی که در همه دنیا یک معنی بدهد نداریم. حالا هر چقدر هم سعی کنیم یک سن قراردادی برای بلوغ ذهنی در همه نقاط جهان در نظر بگیریم، سوال این است که "نرم" را چه کسی تعیین می کند؟ چه کسی می گوید باید ۱۸ ساله باشی تا عقلت درست کار کند؟ که می گوید که باید پانزده ساله باشی تا عاقل باشی؟ چه کسی می



گوید ۹ ساله زن می شوی و چه کسی می گوید ۱۸ ساله زن می شوی و چه کسی می گوید تا وقتی که مادر نشده ای زن نیستی؟ باور کنید ۱۵ ساله هایی را دیده ام که شعورشان از پنجاه ساله ها هم بیشتر است. سن به خودی خود گویای رشد ذهنی و شخصیتی نیست. منظور از گفتن اینها این است (و می دانم که کتک و بلاگی خواهم خورد) از نظر من، اگر رابطه این پسر ۱۳ ساله با پسری که از خودش پنج سال بزرگتر است از روی رضایت بوده، این تجاوز نیست. از نظر قانونی چه در ایران و چه در امریکا تجاوز است، اما تجاوز از نظر من وقتی است که یکی از قدرتی که دارد (مسلماً قدرت فیزیکی را نمی گویم) برای استفاده جنسی از دیگری سو استفاده می کند. ممکن است بگویید قدرت اجتماعی یک ۱۸ ساله از یک ۱۳ ساله بیشتر است. تا حدی درست است، اما قدرت یکسو و از بالا به پایین نیست. قدرت مثل شبکه است. فرض کنید اگر دختر (و یا پسر)ی خدمتکار که ۱۹ سال دارد به زور مجبور باشد با پسر صاحب خانه که ۱۴ سال دارد همبستر شود، اما نتواند به کسی چیزی بگوید که کارش را از دست ندهد و یا اگر در امریکا باشد و مهاجر، از ترس اینکه از مملکت بیرونش کنند شکایت نکند، و یا از ترس اینکه خانواده خودش و یا خانواده پسر تجاوزگر او را مقصر بدانند، سکوت کند. از نظر قانونی چه کسی تجاوزگر است؟ سن تنها عامل نابرابری قدرت نیست. "جرم" و "مجرم" سازی خود پدیده ایست اجتماعی و قراردادی که نمی شود با یک استاندارد آن را سنجید. اگر این دو مرد جوان همجنسگرا بوده اند و رابطه ای با رضایت با پسر ۱۳ ساله داشته اند، شاید عصبانیت پدر پسر، ماجرا را به صورت تجاوز جلوه داده (اینها همه فرض هستند و نمی گویم اینطور بوده. اما می گویم قبل از اینکه بگوییم حتماً تجاوز بوده و یا نبوده، بد نیست بینیم سناریوهای ممکن چه می توانسته باشد).

## اعدام دو همجنسگرا

### وب لاگ ناریس

گویانیوز: اعدام دو نوجوان در مشهد موجی از خشم و نفرت جهانی را متوجه رژیم اسلامی نمود که نه تنها خودحکومت که خود من همجنس گرای ایرانی را هم غافل گیر کرد. نیروهای معترض جهانی عمداً همجنس گرایان غربی بودند و اعتراضات جهانی صورت گرفته آنچنان گسترده بود که از پرداختن به همه آنها می گذرم و صرفاً به مهمترین آنها اشاره ای گذرا خواهم داشت و بعد به موضوع اصلی می پردازم. سازمان حقوق بشر همجنس گرایان جهان و ایلگا (انجمن جهانی همجنس گرایان) با انتشار بیانیه هایی اعدام دو جوان همجنس گرا را به شدت محکوم کردند، همجنس گرایان آمریکا، کانادا سفارت ایران در کانادا را فاکس و ایمیل باران کردند، همجنس خواهان روسیه ضمن ارسال فاکس و ایمیل به سفارت ایران در آن کشور هم چنین طی نامه ای به پوتین از او خواسته اند که به اعدام همجنس گرایان در ایران اعتراض کند، در سوئد تظاهراتی در میدان مرکزی شهر استکهلم توسط همجنس گرایان آن کشور صورت گرفت، همجنس گرایان ایتالیا تظاهراتی در مقابل سفارت ایران در رم و کنسولگری ایران در میلان ترتیب دادند. گروه "اوت رایج" همجنس گرایان انگلیس با انتشار نامه شدید الحنی عمل "بربرمنشانه فوندامنتالیستهای حاکم بر تهران که ملتی را به گروگان گرفته" محکوم کرده و از تونی بلیر خواسته اند که در روابط با ایران موضوع حقوق بشر از جمله حقوق همجنس گرایان را مد نظر قرار دهد. این سازمان برنامه تظاهرات جلو سفارت ایران در لندن را برای روز ۱۱ اگوست تدارک دیده است. همجنس گرایان ونزوئلایی هم طی نامه هایی به سفارت ایران در آن کشور عمل اعدام همجنس گرایان را محکوم کرده اند. سازمان حقوق بشر جهانی همجنس گرایان که مقرر آن در آمریکاست طی نامه ای به کوندالیزا رایس از او خواسته است که اعدامها در ایران را محکوم کند. سازمان عفو بین الملل و اتحادیه اروپا نیز تحت فشار لویی نیروها و سازمانهای همجنسگرایان غربی هر کدام با انتشار بیانیه هایی اعدام دو نوجوان مشهدی را محکوم کردند. علاوه بر اینها رادیوی "رنگین کمان" همجنس گرایان

در ضمن اگر تجاوز بوده، من فکر نمی کنم که لطمه روحی که یک زن و یا مرد بزرگسال مورد تجاوز واقع می بیند، لزوماً از لطمه روحی که یک کودک می بیند کمتر است. تجاوز تجاوز است و جای زخمی که روی روح فرد می گذارد بزرگ و کوچک نمی شناسد. یعنی اگر زنی بالغ مورد تجاوز قرار می گرفت، نمی شود با قاطعیت گفت که ضربه روحیش کمتر از کودکی است که مورد تجاوز واقع شده. این هم بستگی به این دارد که فرد تا چه حد دسترسی به امکاناتی داشته باشد که بتواند روی این درد مرهم بگذارد. از موضوع دور نشوم. این را گفتم که روشن کرده باشم که معیار و ملاک قرار دادن تعاریف قراردادی ایران، آمریکا، و یا در سطح بین المللی به این سادگی ها هم نیست. مسئله پیچیده تر از آن است که بشود با باور کردن یکی از قصه ها (تجاوز و یا همجنسگرایی) به نتیجه گیری قاطعی رسید.

۳. سوالی که برایش جوابهای متضاد شنیده ام این است: اگر فرض را بر این بگذاریم که تجاوز در کار بوده (که از نظر قانون ایران، چه با رضایت و چه بدون رضایت، فکر می کنم که رابطه یک پسر ۱۳ ساله و ۱۸ ساله تجاوز است)، اگر فرد مورد تجاوز واقع شده دختر بود، آیا جرم دو مرد جوان اعدام در ملا عام بود؟ اگر نه، این در مورد ارزش یک پسر و یک دختر در ایران بسیار گویاست.

۴. فکر می کنم به جای اینکه با اطمینان بگوییم تجاوز بوده پس حکم اعدامشان حق است و یا اینکه با همان قاطعیت ادعا کنیم که تجاوز نبوده و دو مرد جوان همجنس گرا بوده اند، به این فکر کنیم که اگر بوده و یا نبوده، چگونه این داستان توسط گروه های مختلف ساخته و پرداخته شده. آخر هر حقیقتی، خود داستان سرایی است و طریقه توصیف آن از گفتمان های سیاسی و اجتماعی جدا نیست. حقیقت محض هم افسانه ای بیش نیست.

نه بگوییم همه همجنس گرایان در ایران کیف دنیا را می کنند (چون خیلی ها که قدرتش را ندارند نمی کنند)، نه بگذاریم که گروه هایی که فقط دوست دارند شعار مرگ بر "رژیم" بدهند، با تحریف، از این مورد جهت منافعشان-- (که منافعشان دور از سیاست های نو محافظه کار نیست)-- استفاده ابزاری کنند.

استرالیا بمدت یکساعت تمام به پخش برنامه در باره ایران و وضعیت همجنس گرایان آن پرداخته است. از اینها گذشته هزاران سایت اینترنتی گروهی و شخصی همجنس گرایان سراسر جهان هم به انعکاس خبر و گزارش پرداختند.

این اتفاقات چه درسی برای همه ما ایرانیان ( با هر گرایش جنسی) دارد؟

در مورد این دو نوجوان دلایل زیادی وجود دارد. اول اینکه قانون اعدام همجنس گرایان هم چنان پابرجاست و دولت و دستگاه قضائی هر وقت بخواهند می توانند با استناد به آن افراد را اعدام کنند، از این گذشته پی گیری بی طرفانه! و دقیق تمام اخبار و اطلاعات منتشره این را بیشتر در ذهن تداعی می کند یکی از "جرایم" اصلی که منجر با اعدام آنها شده همانا داشتن سکس با همجنس بوده. از یکطرف وکیل آنها گفته که دو نوجوان اعتراف کرده اند که نمی دانستند چنین عملی (سکس با همجنس) مجازات اعدام دارد، و از طرف دیگر در اخبار اولیه موضوع "لواط" همجنس گرایی بعنوان یکی از دلایل اعدام عنوان شده بود و تنها بعد از انتشار خبر و شروع اعتراضات بود که مسئولان قضائی مشهد جنبه سکس آن را کم رنگ کرده و بر جنبه " آدم ربایی، تجاوز و..." بیشتر تأکید کردند.

بنا بر تجارب اعدامهای دیگر، در این مورد که آیا این دو نوجوان واقع به عمل تجاوز دست زده اند یا نه تنها به گفته مسئولین قضایی نمی توان اعتماد کامل داشت، همین طور اعتراض پدر آن پسر ۱۳ ساله هم نمی تواند دلیلی بر تجاوز باشد و نمی توان این امکان را نادیده گرفت که آن پس ۱۳ ساله واقعاً به زور وادار به سکس شده یا اینکه خود تمایلی هم داشته است. ( عصبانیت پدر در همان چارچوب خشم و عصبانیت پدر و مادرهای ایرانی که وقتی از همجنس گرا بودن فرزند خود خبر دار می شوند و در پی نفی و انکار و اینکه تقصیر دیگران است و... تا "شرم و سرشکستگی" خود را پنهان کنند، را هم نباید از نظر دور داشت. اینکه نوجوانان دختر و پسر در سنین ۱۰ تا ۱۷ سالگی بنا بر کنجکاوی یا گرایش واقعی و درونی خود به رابطه جنسی با همجنس خود دست می زنند، چیز عجیب و غریبی نیست و یادمان باشد که دو نوجوان هنگام ارتکاب جرم

خود کودک بوده اند ( ۱۶ ساله و طرف مقابل آنها ۱۲ ساله که از نظر رشد و... گاهی نمی توان تفاوت ظاهری چندانی مشاهده کرد) و نباید آن را با پدوفیلی (تجاوز یک فرد بالغ به کودک) قاطی کرد. این را بسیاری از نوجوانان در همه دنیا تجربه می کنند بدون آنکه در در آینده همجنس گرا شوند. با اینهمه بخشی از این نوجوانان (۷ تا ده درصدی) بهرحال همجنس گرا هستند. (همان تعداد نسبی همجنس گرایان در هر کشور و جامعه ای). پس در این باره که آیا این دو نوجوان واقعاً همجنس گرا بوده اند یا نه نمی توان یک حکم قطعی داد اما ( یک امای مهم) وقتی آنها را به "جرم" اصلی عمل همجنس گرایی ( بقول هموفویبیستهای اسلامی، لواط) اعدام می کنند به این معناست که بر اساس همان قانون مجازات اسلامی که بر اساس آن مجازات همجنس گرایی اعدام است، عمل کرده اند و اینجاست که موضوع اعدام همجنس گرایان در ایران و بخصوص موضوع اعدام دو نوجوان به "جرم" همجنس گرایی برجسته می شود. واکنش به حق جامعه همجنس گرایان جهانی هم در همین رابطه است (بگذریم که کلاً اعدام عملی غیر انسانی است).

بعد از این مقدمه طولانی، هدف اصلی این نوشته اما چیز دیگری است و آن جلب توجه دوباره نیروهای فرهنگی، سازمانهای زنان، سازمانهای غیر دولتی و نیروهای سیاسی و مدافعان حقوق بشر به اهمیت دفاع علنی تر و صریح تر از ما همجنس گرایان کشور است.

در یکسال گذشته که حکومت سایتهای همجنس گرایان را مسدود کرد، افراد آگاه این نیروی اجتماعی خیلی سریع نیروی محدود خود را جمع آوری کرده و به یک ضد حمله دست زدند. در یکسال گذشته دو مجله و یک رادیوی همجنس گرایان ایرانی شروع بکار کرده اند، همچنین تعداد سایتهای اینترنتی همجنس گرایان امروز تقریباً دو برابر تعداد سایت های سال گذشته است. در نتیجه همین فعالیت ها که البته تحت انواع فشارهای حکومتی و فرهنگی و خانوادگی صورت گرفته، همجنس گرایان ایران موفق شده اند که تماسهای اولیه با جامعه جهانی همجنس گرایان برقرار کرده و آنها را در جریان وضعیت خود قرار دهند که به

نوبه خود در شکل گیری اعتراضات وسیع و خشم آلود اخیر جامعه جهانی همجنس گرایان به حکومت ایران بی تاثیر نبوده است. البته می دانیم که در سال های اول انقلاب که حکومت اسلامی تعدادی از همجنس گرایان را اعدام کرد گروه های خارجی واکنش نشان دادند اما سال های سال است که خبری از این گونه حمایت ها نبوده و گروه های خارجی کم و بیش به حمایت از همجنس گرایان ایرانی پناهنده بسنده کرده اند.

وقایع گفته نشان می دهد که نیروهای تحول طلب و دمکراسی خواه ایران اگر بخواهند و اراده کنند می توانند به شکل گیری جبهه مهم و جدیدی در مقابل حکومت اسلامی کمک کنند. این جبهه شامل مبارزات همجنس گرایان داخل و افکار عمومی جامعه جهانی همجنس گرایان است که فشار به حکومت و جالش های آن را دوچندان می کند.

همجنس گرایان طیف و نیروی وسیعی در کشور هستند. اگر همجنس گرایان ۴۰ به بالا اکثراً به اجبار تن به ازدواج داده اند اما همجنس گرایان جوانتر از آگاهی بیشتری نسبت به گرایش

جنسی خود برخوردارند و نسبت به فشارهای خانواده برای ازدواج مقاومت بیشتری نشان می دهند. تعداد همجنس گرایان ۲۰ تا ۲۵ ساله مجرد در کشور چندان کم نیست. همجنس گرایان بطور عمده با حاکمیت فعلی دمساز نیستند و خواهان بهتر شدن شرایط خود می باشند. از طرف دیگر ارزشهای سنتی و مذهبی را

بکنار نهاده اند و حتی همجنس گرایان مذهبی هم برداشت و قرائت های بسیار امروزی و سکولار از مذهب خود دارند. همجنس گرایان همچنین در تضعیف سنت، تقویت فردیت، مقابله با مردسالاری، ارائه تعریف مدرن و تازه از مفهوم خانواده و زندگی مشترک نقش بسیار با اهمیتی را میتوانند ایفا کنند. همجنس گرایان ایران یکی از نیروهای اجتماعی است که اگر به آن کمک شود بطور بالقوه از این توان برخوردارند که به یک نیروی متشکل و سازماندهی شده تبدیل شوند که با برنامه وارد کارزار دمکراسی خواهی و پیوند با دیگر نیروهای تحول خواه شده و در جهت گسترش مفاهیم دمکراسی و حقوق بشر و گسترش مفاهیم مدرن و سکولار در جامعه نقش بسیار مثبت و با اهمیتی ایفا کنند.

اما همجنس گرایان تنها تحت فشار حکومت نیستند بلکه از طرف جامعه و بخصوص خانواده های خود که آنها را برای تن دادن به یک ازدواج اجباری و بر اساس سنت هم فشار روحی روانی شدیدی قرار می دهند، واقع هستند. عبارتی دختران و پسران همجنس گرای ایرانی تحت یک فشار گاز انبری در جامعه قرار دارند، امری که پروسه خود آزادی و اعتماد به نفس آنها را کند می کند. هم چنین آنها در علنی کردن گرایش جنسی خود در مدرسه، محیط کار و... با مشکل

خارج شدن مواجه هستند. در این رابطه نقش بی بدیلی بر عهده روشنگران فرهنگی و نیروهای سیاسی دمکرات ماست و آن کمک به خنثی کردن فشار گاز انبری بر این نیروی اجتماعی است. به عبارت بهتر صرف اعلام اینکه ما از حقوق همجنس گرایان دفاع می کنیم کافی نیست، بلکه بایستی درست همانطور که در باره مسائل زنان، کارگران، و... برخورد می شود و یا همان طور که وجوه مختلف دمکراسی و اهمیت آن از زوایای مختلف بررسی می شود. باید در مورد همجنس گرایی و حقوق همجنس گرایان هم مطلب و مقاله منتشر کرد و





از زوایای مختلف به آن پرداخت تا بتوان حداقل فشار افکار عمومی و خانواده‌ها را از دوش همجنس‌گرایان کم نمود و آنها نیرو و انرژی آزاد شده خود را کانالیزه کرده و برای حقوق اجتماعی خود که بخشی از حقوق بشر است، وارد فعالیت شوند. چنین امری خود بخود علاوه بر اصلاح ذهنیت سنتی جامعه در این باره، هم چنین به فعال شدن یک جبهه فرهنگی تازه (جنبش همجنس‌گرایان) در مقابل رژیم کمک می‌کند، جبهه‌ای که پشتیبانی بخشی از افکار عمومی غرب را بدنبال خود دارد و رژیم نخواهد توانست آن طور که می‌خواهد به سرکوب آن بپردازد. ما همجنس‌گرایان ایران در به میدان کشاندن بخشی از افکار عمومی غرب (همجنس‌گرایان متشکل غربی) به حمایت از دموکراسی و حقوق بشر در ایران این توان را داریم که نقش با اهمیتی ایفا کنیم که نمونه آن را ما در این روزها شاهد بودیم، اما بشرطی که در خنثی کردن فشار خانواده‌ها و افکار سنتی در جامعه به ما کمک شود و حقوق ما در برنامه‌روشنگران و دموکراسی خواهان هم منظور شود تا بتوانیم با اعتماد به نفس و نیروی بیشتری وارد میدان شویم.

اینجا هدف من استفاده ابزاری از مسائل همجنس‌گرایان نیست بلکه منظور این است که آن دسته از روشن‌فکران، روشن‌گران اجتماعی و نیروهای سیاسی، سازمانهای غیر دولتی و دیگر تشکلات حقوق بشری کشور ما که خود را از اسارت ذهنیت گذشته رها کرده و از برابری انسان‌ها فارغ از گرایش جنسی‌شان دفاع می‌کنند، می‌باشد که نباید این عرصه را مهم را فراموش کنند. مخالفان حکومت هم باید مسائل روانشناختی جوانان را بهتر بشناسند چرا که اگر پیامی برانگیزنده و نیروبخش به نیروی وسیع همجنس‌گرایان کشور ندهند، مطمئن باشیم که آنها هم ما را جدی نخواهند گرفت. باید بار حقارت را از دوش همجنس‌گرایان گرفت، باید اجتماع و خانواده‌ها را به ظلم و ستمی که متوجه فرزندان همجنس‌گرای خود می‌کنند آگاه کرد و آنان را از آن برحذر داشت. اگر فشار فرهنگی و خانوادگی فعلی از دوش همجنس‌گرایان برداشته شود، آنوقت این نیرو با کمک افکار عمومی جهان خواهد توانست رژیم اسلامی را به یک جالش عمده فرهنگی بکشانند و

آنوقت راه برای پیوند زدن مبارزات و تلاشهای جوانان همجنس‌گرای کشور با جنبش دموکراسی خواهی هموار خواهد شد. باور کنیم که تنها چند شعار سیاسی ضد حکومتی کارساز نخواهد بود مگر زمانی که نیروهای تحول طلب فرادستی فرهنگی خود را در عمل ثابت کنند.

## انعکاس جهانی اعدام

### وب لاگ نارسیس

محمدخاتمی: افتخار نیست طوری رفتاری کنیم که بگویند ما با طالبان و القاعده همجنس هستیم انتشار خبر و عکس‌های مربوط به اعدام دو جوان که یکی از آن‌ها کمتر از هجده سال دارد، در خیابانی در مشهد، بار دیگر موجی از واکنش‌های منفی و تبلیغات علیه جمهوری اسلامی را در جهان به راه انداخت و بحث تاثیر خشونت آمیز انجام این نوع اعدام‌ها در ملاء عمومی برپا شد.

اعدام دو مجرم که خبرگزاری رسمی ایران آنان را نوجوان خوانده در خیابان با مجریان روپوشیده در زمانی که رهبر جمهوری اسلامی هم در مشهد اقامت دارد و به جهت سفر نخست وزیر عراق به آن سازمان خبرنگاران خارجی هم در شهر بودند و همان روز صورت گرفت که محمدخاتمی رییس جمهور، هیاتی را مامور رسیدگی به حادثه مه‌باد کرده و گفته بود: افتخار نیست که بعد از ۲۵ سال طوری وانمود کنیم که بگوئیم ما با طالبان و القاعده همجنس هستیم

آن چه اعدام دو جوان گریان و نادم را در روز روش در برابر چشم مردم سئوال‌هایی را در پی آورده هم زمانی آن به سه رویدادست. حوادث مه‌باد و کشته شدن یک جوان - که مردم و گروه‌های سیاسی و نیروی انتظامی گزارش‌های ضد و نقیضی درباره گذشته وی و علت کشته شدن منتشر کرده اند - سخنان رییس جدید نیروی انتظامی که از روش‌های تندتری برای حفظ نظم در کشور گفته و در ضمن تاکید کرده که از ماموران انتظامی در حال انجام وظیفه دفاع خواهد کرد و به کسی اجازه نمی‌دهد در امور ناجا دخالت کند، آغاز به کار دولت جدید که ترکیب اصلی آن را راست‌های افراطی تشکیل می‌دهند، از جمله

مسائلی است که باعث بزرگ شدن ابعاد ماجرائی شده است که نظیر آن در سال‌های گذشته در شهرهای مختلف کشور رخ داده است. خبرگزاری‌های داخل ایران نام کامل دو نوجوان را که به علت ارتکاب لواط به علف اعدام شدند در گزارش‌های خود نیاورده و از آوردن نام شهرهای محل اقامت آن‌ها هم خودداری کرده‌اند.

محکومان که در عکس‌ها نشان داده می‌شود که گریه می‌کردند قبل از اجرای حکم به خبرنگاری گفته‌اند چهارده ماه پیش دستگیر شدیم و از کار خود پشیمانیم و در حال حاضر توبه کرده ایم. یکی از محکومان با اعلام این مطلب که در دادگاه به جرم خود اقرار کرده‌اند اظهار داشت: نمی‌دانستیم که ارتکاب چنین عملی موجب مجازات اعدام خواهد شد.

کارشناسان حقوقی معتقدند از آن‌جا که ارتکاب لواط به علف مطابق قانون مجازات اعدام در پی دارد صدور حکم اعدام این دو محکوم عجیب نیست و ممکن است کسانی از زاویه مخالف با مجازات اعدام با آن مساله داشته باشند که درباره آن بحث‌های متعددی وجود دارد و به هر حال در هر جامعه‌ای حفظ امنیت جامعه مستلزم مجازات بدکاران است. یک جامعه شناس برجسته معتقد است به دو دلیل اعدام در ملاء عام آن هم جوانان نادم گریان می‌تواند تاثیر ناگوار داشته باشد اول از جهت بالا بردن میزان خشونت پذیری در جامعه و بین جوانان که بر عامل مثبت عبرت سازی می‌چربد و دیگر بی اعتقادی به طی شدن تمامی مراحل پیش بینی شده در قانون و از جمله در نظر گرفته شدن انواع تخفیف‌هایی که قانونگذار برای چنین مواردی پیش بینی کرده است. اگر ادعای وکیل یکی از این دو محکوم به اثبات می‌رسید که وی زیر هجده سال دارد ایران به دلیل پیوستن به میثاق جهانی حقوق کودک در سال ۱۹۹۴، نمی‌توانست چنین احکامی را در مورد کودکان صادر و اجرا کند.

روح الله رزاززاده وکیل یکی از محکومان که اعدام شد، با اشاره به اینکه موکلش کمتر از ۱۸ سال داشته است، اظهار داشت: اعتراض کردیم، اما سرانجام رای صادره در دیوان عالی کشور تأیید شد. به گفته رزاززاده آنان شخصا در دادگاه به لواط اعتراف کردند. دو نوجوان تصریح کردند: "نمی‌دانستیم مجازات چنین عملی

اعدام است." این درحالیست که بسیاری از حقوقدانان و فعالان حقوق بشر معتقدند سن ارتکاب جرم باید در صدور حکم در نظر گرفته شود چرا که سن مسئولیت کیفری ۱۸ سال است. نسرین ستوده حقوقدان و فعال حقوق کودک در این باره می‌گوید: آنچه که در حال حاضر باید به آن توجه شود، سن فرد در زمان ارتکاب جرم است و باید طبق سن فرد با آن مواجه شود. ما با قانونی که با بچه‌ها مثل بزرگترها رفتار کند، مخالف هستیم.

### قانون چه می‌گوید

مهر انگیز کار حقوقدان معتقد است: "اعدام مجرمان صغیر بعد از رسیدن آنان به سن ۱۸ سال به نوعی تشدید مجازات آنان است." آبان ماه سال گذشته لایحه‌ای از سوی قوه قضاییه برای اصلاح قانون مجازات کودکان به مجلس ارایه شد. بر اساس این لایحه و در صورت تصویب، مجازات حبس ابد و اعدام اطفال و نوجوانان حذف می‌شود. علیرضا جمشیدی، رئیس شورای عالی توسعه قضایی قوه قضاییه گفت که طبق این لایحه، که با کمک یونیسیف تهیه و ارائه شده بود، مجازات اعدام و حبس ابد نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله به ۲ تا ۸ سال حبس در کانون اصلاح و تربیت تبدیل می‌شود. اما این قانون بار دیگر از سوی شورای نگهبان رد شد. مهر انگیز کار در این باره می‌گوید: ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی که در آن تعریف شرعی از طفل، ملاک اعتبار دانسته می‌شود، مانع تصویب لایحه پیشنهادی قوه قضاییه است.

شیرین عبادی، فعال حقوق بشر و برنده جایزه نوبل صلح سال ۲۰۰۳، برای اعتراض به همین مسئله، یک ماه پیش، تقاضای تجمعی عمومی در پارک لاله را رسماً به وزارت کشور ارائه کرد. اما کمی بعد اعلام شد، به دلیل وجود حساسیت در مورد مسائل شرعی برای چنین تجمعی مجوز صادر نخواهد شد. بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی، از جمله انجمن حمایت از حقوق کودک، کانون مدافعان حقوق بشر، مرکز فرهنگی زنان، مرکز هستیا اندیش، انجمن دفاع از حقوق زندانیان، انجمن حمایت و یاری آسیب دیدگان اجتماعی، انجمن حمایت از کودکان و نوجوانان توان یاب، انجمن حامیان کودکان کار از این تجمع حمایت کرده بودند. نسرین ستوده، در این باره گفت: "اساساً

ما وارد بحث حدود یا قصاص که از احکام الهی است نمی شدیم و اعتراض ما صرفاً به سن مسئولیت کیفری بوده است که در بین فقها محل اختلاف نظر است. "طبق قوانین اسلامی سن دختر برای مسئولیت شرعی ۹ سال و سن پسر ۱۵ سال است. چنین سنی برای مسئولیت کیفری نیز پایه تصمیم گیری محسوب می شود. اعتراض به چنین بحث هایی در ایران همیشه به تفاسیر مختلف از قوانین اسلامی تن می ساید. درحالی که جهانیان می کوشند مجازات اعدام را در کشورهای مختلف حذف کنند، فعالان حقوق بشر و کودکان در ایران حتی برای مقابله با احکام اعدام کودکان نیز با محدودیت مواجهند. قانون مجازات اسلامی که محمل رسیدگی به جرایم است، در بسیاری موارد سختگیرانه تر از نظام جهانی برخورد می کند. مجازات اعدام، شلاق، قطع دست مورد اعتراض نهاد های بین المللی است. کارل هافن رئیس جامعه بین المللی حقوق بشر در این باره می گوید: احکام اعدام، سنگسار، دست بردن و شلاق زدن، ضد انسانی است و جمهوری اسلامی ایران دولتی است که همه این احکام را اجرا می کند. پاسخ دولت ایران نیز درباره اینگونه اعتراضات همیشه یک جمله است: اینها مسایل داخلی است و در صلاحیت خارجیان نیست که در باره آن اظهار نظر کنند. این در حالیست که ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز پیوسته است. براساس این میثاق حکم اعدام تنها درباره "جنایات مهم" قابل اجراست. اما در ایران بخش قابل توجهی از اعدام ها به دلیل روابط نامشروع انجام شده که در هیچ جای دنیا جزو جنایات محسوب نمی شوند. اغلب اعدام های کودکان در شهرستان ها و در ملاء عام انجام می شود. از آن جمله حکم اعدام عاطفه سهاله که به جرم رابطه نامشروع به اعدام در ملاء عام در شهرستان نکا محکوم شد. با اینکه حکم رابطه نامشروع افراد مجرد در ایران ۱۰۰ ضربه شلاق است، اما عاطفه که بر اساس شناسنامه اش تنها ۱۶ سال داشت به اعدام محکوم شد. گفته می شد قاضی پرونده که شخصاً طناب دار را برگردنش آویخت به دلایلی با او خصومت شخصی داشته است.

در سالهای اخیر پرونده های اعدام با مطرح شدن در مطبوعات گه گاه شکل تازه ای می گیرند. اما برخی که

مجال طرح نمی یابند یا از چشم فعالان حقوق بشر پنهان می مانند، نظیر اعدام دو متهم به لواط که اعدام شدند، سرنوشتی تلخ می یابند. آمار از سوی قوه قضاییه تاکنون منتشر نشده است که تعداد محکومان به اعدام در آن مشخصاً اعلام شده باشد، اما برخی فعالان حقوق بشر ایرانی مدعی اند از سال ۱۹۹۰ تا کنون، ۴۰ نفر زیر سن قانونی اعدام در ایران شده اند. اعدام تنها مجازات سنگین برای کودکان محکوم در دادگاه های ایران نیست، برخی احکام قصاص نوجوانان، جهانیان را مبهوت شرایط تلخ کودکان در ایران کرده است. دادگاهی ماه گذشته نوجوان ۱۴ ساله ای را که در دعوی بر سر مشتری در بازار میوه وتره بار تهران، به صورت همکاری اسید پاشیده بود، پس از دو بار رفت و برگشت پرونده اش به دیوان عالی کشور محکوم به در آوردن چشم توسط پزشک کرد!

دروری دایک نماینده سازمان عفو بین الملل می گوید حکومت ایران گزارش های فریبکارانه ای را در این مورد به نهادهای بین المللی ارایه می کند. او بر این عقیده است که: نمایندگان جمهوری اسلامی اعلام می کنند اعدام کودکان زیر ۱۸ سال را متوقف کرده اند. اما کمیته تحقیق سازمان عفو بین الملل متوجه شده در همان روزی که نماینده ایران در یک سخنرانی اعلام کرد، ایران کودکان را اعدام نمی کند، یک کودک زیر ۱۸ سال در این کشور به اعدام محکوم شد. به گفته این جامعه شناس که حاضر به افشای نام خود نشد در زمانی که قاتلان مسلم بی گناهان کرمانی و موارد مشابه آن این محکومان به اعدام اظهار داشتند: محیط زندگی ما نامناسب بود که خلاف و خراب کاری در آنجا رواج و گسترش دارد و این امر باعث شد تا ما در این وضعیت قرار بگیریم. روح الله رضازاده وکیل یکی از محکومان با ادعای اینکه موکلش کمتر از ۱۸ سال داشته است، اظهار داشت: این مطالب در دادگاه مورد اعتراض قرار گرفت اما سرانجام رای صادره در دیوان عالی کشور تأیید شد. وی افزود: محکومان در دادگاه و در حضور قاضی به جرم خود اقرار کردند اما در حال حاضر سه نفر از متهمان این پرونده متواری هستند. حکم شعبه ۱۹ سابق دادگاه عمومی درباره اعدام این دو متهم بعد از اعتراض وکلای متهمان در دیوان عالی کشور بررسی، تأیید و در نهایت امروز اجرا شد.

## حکومت جنایتکار اسلامی، دو نوجوان را وحشیانه اعدام کرد کمیته بین المللی علیه اعدام

موضوع از طرف سازمانهای مدافع حقوق انسانی در سطح بین المللی است\* سران حکومت اسلامی بدلیل این جنایات باید محاکمه و مجازات شوند\* - ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۵

### به سازمان همجنسگرایان ایرانی بپیوندید

این سازمان را حمایت مالی کنید

#### اتحادیه اروپا و اعدام دو نوجوان در مشهد

اتحادیه اروپا با محکوم کردن اعدام دو نوجوان همجنس گرا در مشهد، از ایران خواست قانونی در منع اعدام نوجوانان تصویب کند. اعدام محمود اصغری و ایاز مرحومی، دو نوجوانی که چندی پیش در مشهد به اتهام اعمال همجنس گرایانه محاکمه شدند از سوی اتحادیه اروپا محکوم شد. اتحادیه اروپا از قوه قضائیه جمهوری اسلامی خواست قانونی را در منع چنین مجازات هایی به تصویب برساند. دو نوجوان که به گفته فعالان حقوق بشر ۱۶ و ۱۸ ساله بودند چند هفته گذشته در مشهد به دار آویخته شدند. در سال ۲۰۰۴ میلادی مقام های ایران به اتحادیه اروپا اطمینان خاطر دادند که هیچ مجرم زیر ۱۸ سالی را اعدام نمی کنند. مدافعان حقوق همجنس گرایان و اپوزیسیون ایران اظهار داشتند که نسبت دادن اتهام تجاوز به دو همجنس گرای اعدام شده، تنها برای تحلیل بردن و کم کردن دلسوزی جامعه ایرانی نسبت به حکم اعدام آنها انجام گرفت اتحادیه اروپا از جمهوری اسلامی ایران به دلیل اقدامات آن در مورد دو پرونده مهم حقوق بشر انتقاد کرده است. اتحادیه اروپا در بیانیه ای که خبرگزاری جمهوری اسلامی آنرا منتشر کرده است، نگرانی خود را از اعدام دو نوجوان، که به تجاوز به یک پسر ۱۳ ساله متهم بودند، ابراز داشت. یکی از متهمین، محمود اصغری، کمتر از ۱۸ سال داشت. اتحادیه اروپا اعدام او را محکوم کرده است و می گوید این اقدام تعهداتی را که ایران بر اساس کنوانسیون های بین المللی پذیرفته است، نقض کرد.

اکنون در مقابل موجی از نفرت و انزجار جهانی و برای توجیه این جنایت سبعانه اعلام می کنند، که جرم این دو نوجوان تجاوز به یک کودک بوده است\* در ایران با پخش خبر و به ویژه عکس دو نوجوان که طناب دار بر گردنشان بود و لحظاتی قبل از اعدام، با وحشت کامل گریه می کردند، نفس در سینه ها حبس شد\* هیچ کلمه و هیچ جمله ای نفرت و انزجار از این جنایت و وحشیگری را، نمی تواند بیان کند\* در قرن بیست و یک، جلادانی که صورت شان را از ترس مردم پوشانده اند، دو نوجوان را که می توانستند، مشغول درس و تفریح و شادی باشند، را با بی رحمی تمام به پای چوبه دار



می برند و قرار است از این طریق مردم را بترسانند تا این بار به حکومت احمدی نژاد "تیر خلاص زن"، اما تمکین کنند\* اما

حکومت اسلامی به عینه می بیند که همه این تقلدهای وحشیانه به عکس خود تبدیل شده و موجی از اعتراض و نفرت و انزجار را دامن می زند\* در جریان اجرای حکم اعدام رژیم اعلام کرد که این دو نوجوان به جرم "لواط" اعدام می شوند و خود این نوجوانان قبل از اعدام گفتند که نمی دانستند این کار باعث اعدام می شود\* در ایران اما هر نوجوان و هر جوانی میدانند که تجاوز به کودک عواقب وخیمی در پی دارد\* ادعای مقامات حکومت اسلامی در مورد جرم این کودکان برای فرار از زیر بار اعتراضات جهانی و اعتراضات مردم در ایران بر علیه قتل دو نوجوان است\* مستقل از اینکه این دو نوجوان چه جرمی را مرتکب شده باشند، هیچ کس و هیچ باند و دسته تروریستی نباید اجازه داشته باشد، کسانی را اعدام کند\* اعدام شنیع و ضد انسانی است و بویژه اعدام کودکان و نوجوانان باید با عکس العمل شدید در دنیا و ایران و همراه باشد\* کمیته بین المللی علیه اعدام، جمهوری جنایت اسلامی را بدلیل اعدام دو نوجوان بشدت محکوم میکند و خواهان رسیدگی به این

## بیانیه‌ی کمیسیون حقوق بشر سازمان همجنسگرایان ایرانی آرشم پارسی

با درود فراوان

خبر اعدام دو نوجوان در مشهد در خبرگزاری های داخلی و خارجی را خواندیم و شنیدیم و همواره از آن با عنوان اعدام دو همجنسگرای نوجوان نام برده شد. سازمان همجنسگرایان ایرانی تا به امروز خبری را در این باره منتشر نمود به این دلیل که هنوز همجنسگرا بودن این قربانیان ثابت و روشن نبوده است اما نکته مهم این است که این احکام اجرا می شوند.

به استناد قوانین مجازات اسلامی چاپ اول سال ۷۱ مجازات لواط کننده حد است و در صورت دخول حد آن قتل است و کیفیت آن در اختیار حاکم شرع است ( ماده ۱۱۰ ) این مورد در ارتباط با زنان که مساحقه نام دارد بعد از سه مرتبه اجرای حد برای چهارمین بار حد آن قتل است ( ماد ۱۳۱ ). عاقل و بالغ بودن یکی از شرایط اقرار به جرم است ( ماده ۱۱۶ و ۱۱۷ )

با توجه به احکام موجود در قوانین مجازات اسلامی (برای مطالعه بیشتر این احکام می توانید به وب سایت سازمان مراجعه نمایید) اثبات می گردد که روابط همجنسگرایی به هیچ عنوان در هیچ یک از قوانین ارتباط جنسی جایی ندارد و به بدترین شکل برخورد خواهد شد. اما متأسفانه شاهدیم که کشورها و دولت های خارجی همواره اجرای این قوانین را منکر شده اند و فقط وجود آن را پذیرفته اند حال آنکه این رخ داد نه تنها اجرای آن را اثبات می کند بلکه عدم رعایت همین قوانین اسلامی را نیز تداعی می نماید. همان طور که می دانید این قربانیان نوجوان بوده و به سن قانونی نرسیده بودند و به همین راحتی احکام نقض گردید و بدون توجه به آن حکم صادر و اجرا شد. حکم اعدام این دو نوجوان در مشهد به دلیل لواط بوده است همانطور که مطلع هستید این دو نوجوان محکوم به جرم ها و بزهکاری های دیگری بوده اند که مجازات و کیفر آن ها زندان و تعزیر بوده است اما به دلیل لواط و رابطه جنسی با همجنس خود به قتل و اعدام محکوم شدند.

حال چنان چه حتی این دو نوجوان همجنسگرا نیز نباشند باز به دلیل این نوع رابطه به مرگ محکوم

شدند. بدیهی و روشن است که همجنسگرایان از این قانون جدایی نخواهند داشت. به زبانی دیگر چنان چه دگرجنسگرایان این رابطه را دارا باشند کشته خواهد شد چه رسد به همجنس گرایان.

سازمان همجنسگرایان ایرانی و کمیسیون حقوق بشر این اقدامات و تجاوزات به حریم خصوصی فرد را محکوم کرده و از تمامی انسانهای آزاده درخواست می کند که به این وضعیت نا بسامان پایان داده و همجنسگرایان را حمایت کنند و نگذارند که اینان چه گناهی و چه آشکارا قتل عام شوند.

### بیانیه‌ی انجمن حمایت از حقوق کودکان درباره اعدام دو نوجوان در ملاء عام، ایسنا وب لاگ نارسیس

انجمن حمایت از حقوق کودکان درباره‌ی اعدام دو نوجوان در ملاء عام بیانیه صادر کرد.

به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در این بیانیه آمده است: «متأسفانه بار دیگر خبر مربوط به اعدام دو نوجوان در مشهد، امیدهای بسته شده به پایان این نوع از مجازات‌های بی‌بازگشت برای کودکان زیر ۱۸ سال را مبدل به یاس کرد. این اتفاق در زمانی می‌افتد که مسوولان محترم قضایی در سال گذشته وعده داده بودند که به دنبال تصویب کلیات طرح قانونی تشکیل دادگاه اطفال بزهکار از سوی مجلس شورای اسلامی اجرای این دسته از احکام تا تصویب جزییات و نهایی شدن آن متوقف خواهد شد. این واقعه‌ی تأسف‌بار نشان می‌دهد که جلوگیری از اجرای احکام زیاد اعدام زیر ۱۸ سال نیازمند اقدامات جدی‌تر، سریع‌تر و صریح‌تر است.»

در این بیانیه عنوان شده است: «اعلام مکرر مسوولان قضایی و اجرایی مبنی بر توقف اجرای احکام اعدام زیر ۱۸ سال با مشاهدات عینی تناقضی جدی دارد زیرا همچنان که این انجمن بارها در مصاحبه‌ها اعلام کرده بود، توقف اجرای احکام اعدام نوجوانان تا تعیین تکلیف نهایی قانون مربوطه نیازمند صدور و ابلاغ بخش‌نامه رسمی از سوی ریاست محترم قوه‌ی قضاییه است که متأسفانه تاکنون چنین بخش‌نامه‌ای صادر نشده است.» انجمن حمایت از حقوق کودکان خطاب به

هم‌میهنان آورده است: «تحقق حقوق کودکان نیازمند مساعدت همگانی است. نیک می‌دانیم هم‌چنان که مجموعه‌ی عواملی در ایجاد شخصیت مجرمانه دخالت دارند، برای اصلاح مجرمان نیز باید از مجموعه‌ی علوم روز مدد گرفت که از آن میان یکی از ابزارهای اصلاح مجرمان، می‌تواند مجازات باشد. توجه به پیشینه‌ی زندگی مجرمان و شرایط اقتصادی و اجتماعی که در آن پرورش یافته‌اند همواره از نکات مورد تاکید این انجمن در رسیدگی به جرایم اطفال بوده است که متأسفانه تاکنون مورد بی‌توجهی مسوولان مربوطه قرار گرفته است. از جمله علوم انسانی و رفتاری نشان می‌دهد که می‌توان با اعمال قانون در شیوه‌ی زندگی مجرمانه و نگرش معلول آسیب‌های اجتماعی با ایجاد فضاهای تربیتی سازنده در جهت بازپروری مجرمان کم سن و سال بیشترین بهره را گرفت.»

## اعدام دو نوجوان و گزارش بی اساس سفارت سوئد

خبر تکان دهنده اعدام دو جوان به جرم رابطه جنسی در مشهد و گزارش بی اساس وزارت خارجه سوئد و سفارت این کشور در تهران. روز ۱۹ ژوئیه رژیم جنایتکار اسلامی ایران در مشهد دو جوان را که یکی از آنان کمتر از ۱۸ سال داشت، به جرم رابطه جنسی با همدیگر به اعدام محکوم کرد و حکم صادره را در ملا عام به اجرا در آورد. جانیان اسلامی قبل از اجرای حکم اعدام هر دوی این قربانیان را ۱۴ ماه زندانی کرده و آنان را به شلاق محکوم کرده اند. اعدام همجنس‌گرایان در ایران به هیچ وجه تازگی ندارد، از بدو قدرت‌گیری رژیم جنایتکار اسلامی همجنس‌گرایان مورد آزار، بی‌حرمتی و مجازات اعدام قرار گرفته و تاکنون تعداد زیادی از این انسان‌های بیگناه بدست وحوش اسلامی اعدام شده اند. در سببیت رژیم اعدام و سنگسار و جنایاتی که بطور روزمره در ایران به اجرا درمی‌آید، تردیدی نیست. این رژیم منحوس با کشتار و قتل عام مردم، سرکوب‌های خونین و اعدام و سنگسار شکل گرفته است و این اعمال وحشیانه جزء لایتجزای آن بوده و هست.

جمهوری اسلامی بدون اعدام، جمهوری اسلامی نیست.

سالهاست که ما بر وجود مجازات وحشیانه اعدام برای همجنس‌گرایان در ایران صحبت می‌کنیم و متأسفانه مقامات سوئدی گوش شنوایی برای شنیدن این حقیقت ساده نداشته اند. حال سوال این است که آیا اکنون وزارت خارجه و سفارتخانه این حکومت در تهران بعد از حلق آویز کردن دو جوان بیگناه در مشهد و در ملا عام "مجاب" شده اند که همجنس‌گرایان در ایران از امنیت جانی برخوردار نیستند؟! آیا وزارت اتباع بیگانه کماکان بر سیاست خصمانه خود علیه همجنس‌گرایان و دیپورت آنان به ایران ادامه خواهد و شریک جرم جمهوری اسلامی خواهد ماند؟! باید فشار آورد و کلیه کیس‌های همجنس‌گرایان را به دولتهای اروپایی تحویل کرد.

اعدام، این عمل شنیع و ضد انسانی تحت هر عنوانی محکوم است و باید سریعاً متوقف بشود. باید به این بربریت افسارگسیخته پایان داد. مردم آزادیخواه نباید بیش از این شاهد کشتار انسانها باشند. پیش شرط رسیدن مردم ایران به جامعه‌ای عاری از اعدام و شکنجه، جامعه‌ای فارغ از استثمار و سرشار از سعادت و خوشبختی، سرنگونی جمهوری اسلامی و نظامی آزاد و برابر است.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی واحد سوئد ضمن محکوم کردن جنایت رژیم اسلامی، همه مردم آزادیخواه را به حمایت از جان و حرمت همجنس‌گرایان فرا میخواند.

سازمان سراسری پناهندگان ایرانی - واحد سوئد

۲۳ ژوئیه ۲۰۰۵

**چنانچه برنامه های رادیو و نشریه را دریافت نکرده اید کافی است شماره های آن را ارسال نموده تا در اسرع وقت ارسال گردد.**

**لطفا ما را در انتشار و فراگیر کردن برنامه هایمان یاری رسانده و دوستان خود را به ما معرفی کنید.**

## شما با پیام

### پیام با شما

سلام من دانشجوی جامعه شناسی هستم از شیراز من همجنس گرایی هستم که برای ثابت کردن احساسم به این رشته دانشگاهی علاقمند شدم. هر کاری از دستم بر بیاید انجام می دهم تا انسان هایی که مانند من زجر می کشند را اگر نتوانم رها سازم حداقل یاری رسانم حتی در حد همدردی. از این که شما در این جهت فعال هستید خوشحالم و امیدوارم که در رسیدن به اهدافتان موفق باشید. اگر هم بتوانم کمکی کنم خوشحال می شوم. در مورد گی ها در ایران شاید دیگر مثل سابق کسی را نکشند اما آیا حقوقی مبنی بر حمایت از گی ها در این مملکت وجود دارد؟ اگر پسر طریف ۱۹ یا ۲۰ ساله ای که گی هست شب هنگام مورد آزار و اذیت کسی در خیابان شود آیا قانونی از او حمایت می کند؟ آیا پسری که می خواهد کار کند و در اداره و یا شرکتی دولتی استخدام شود می تواند آزادانه بر اساس فرم و حالت های ذاتی اش مورد تمسخر کسی قرار نگیرد؟ و عجبا فعالان حقوق بشر در کشورهای به اصطلاح پیشرفته چگونه یک لحظه از زندگی پر مشقت ما هموسکسوال ها را می توانند حتی تصور کنند. آیا پسری با داشتن حالت های دخترانه می تواند در مدرسه آسیب نبیند؟ آیا پسری که نمی تواند مثل سایر پسرها باشد می تواند در نظام آموزشی ایران که یکی از ناسالمترین نظامهای آموزشی جهان است رشد کند؟ آیا گی ها که همگی معروف به خوش حال و با استعداد هستند در این شرایط می توانند خودی نشان دهند؟ انحراف اخلاقی، بیماری های روانی، اعتیاد به مواد مخدر و بیماری های مقاربتی و ... !!! ببخشید که روده درازی کردم خیلی دلم پر هست مخصوصا از همین فعالان حقوق بشر خارجی که در ناز و نعمت زندگی می کنند و برای ما پرچم صلح تکان می دهند.

پوریا

ویژه نامه پنجمین پیش شماره چراغ

حقوق پناهندگان در قوانین بین المللی

مطالعه این ویژه نامه به تمام کسانی که در صدد خروج از کشور و پناجویی هستند توصیه می شود.

دوستان عزیز

من مایلم که کمی از زندگیم برای شما بگویم زیرا می دانم که شما تنها سازمانی هستید که می تواند در این راه به ما کمک کنید

متاسفانه من در خانواده ای سنتی و مذهبی متولد و رشد کردم. خط مشی پدرم در مورد فرزندانش همانند پدرش در حدود ۴۰ سال پیش است و پدرم دوست ندارد که کمی نگرشی در طرز رفتار خود کند و به روز شود و راه های جدید را بکار بندد و کمی انعطاف پذیر و خوش بین شود. من رشد کردم اما متفاوت از دیگر پسرها چون غمی را در خودم حس می کردم. من احساس همجنس گرایی خودم را از ده سالگی یافتم اما تا سن ۲۱ سالگی هیچ تجربه ای نداشتم.

در آن زمان ها به خاطر می آورم که مردانی بالغ با شکمی بزرگ و هوس انگیز را نگاه می کردم و وقتی که در صدد یافتن دوستی شدم ترجیح دادم که دوست من شکمی بزرگ داشته باشد. آن روزها را به یاد می آورم که پدرم من را کتک می زد وقتی که من در ریاضیات نمره پایینی می آوردم و من خاطرات وحشتناکی را از آن زمان ها در ذهن دارم. آن زمان های سخت گذشت و من بزرگ شدم و خواستم که زندگی خودم را بسازم. پدرم مرا مجبور ساخت تا به هنرستان فنی و حرفه ای بروم و الکترونیک بخوانم و همان طور که می دانید این رشته به ریاضیات قوی نیاز دارد. من به پدرم گفتم دوست دارم که دامپزشکی بخوانم و او شدیداً مخالفت کرد که در این رشته در این کشور درآمد خوبی ندارد و تو باید راهی را بیابی که درآمد خوبی داشته باشی. او به حای من انتخاب مرد و من مشغول شدم و درسم را خواندم و به دانشگاه رفتم و در آخر در ترم پنجم افتادم و رد شدم.

و اما درباره زندگی همجنس گرایانه و یا گی لایف من، این احساس رو از بچگی داشتم و از ۲۱ سالگی بود که این دوره آغاز شد و خاطرات بدی را از دوران سربازی من به خاطرم گذارد، آنها به من وعده پاداش ها و برتری هایی دادند و من قبول نکردم به همین خاطر مرا بسیار آزار دادند، دقیقاً مثل جهنم بود و دوست ندارم از آن حرف بزنم چون پدرم مشکلات بیشتری را برایم در آن زمان ایجاد کرد. من در حدود ۹ سال آخر هیچ چیز

مهمی را با او در میان گذاشتم و همه ی برادرها و خواهرانم و حتی مادرم هم همین احساس را دارند. وقتی که ۲۱ ساله شدم مردی نکات زیبایی از زندگی را به من نشان داد و مرا با کامپیوتر و طراحی گرافیک آشنا کرد و برای مدت ۴ سال دوست پسر من بود. او ازدواج کرده بود و همسر و پسر جوانی داشت و ایرانی بود. حدود یکسال پیش همسر او فهمید که شوهرش کسی دیگر به غیر از او پیدا کرده اما او نفهمید که آن من هستم. دوست پسر من همجنس گرا بود و سال ها پیش با زنی ازدواج کرده بود و پسری ۱۶ ساله داشت. به خودم گفتم که از زندگیش بیرون بیایم چون فکر می کردم که شاید باعث شوم زندگی و خانواده ای از هم پاشیده شود و به همین دلیل با سختی بسیار از او جدا شدم و من باری دیگر قربانی شدم تا او به زندگیش برگردد و حدود ۹ ماه پیش از او خداحافظی کردم. من خوشحالم که او به زندگی و خانواده اش برگشت و او منظور من را از این کار فهمید که به خاطر خودش و خانواده اش بود.

هم اکنون هم در جستجوی دوستی برای خودم هستم و در ایران رسم هست که برای پسر جوانشان در این سنین به دنبال یافتن دختری خوب برای ازدواج می گردند و او را برای ایجاد زندگی ای حمایت و پشتیبانی می کنند. خانواده من از من می خواهند که هر چه زودتر ازدواج کنم اما من دوست ندارم. پدرم گفته است که من تو را نه حمایت می کنم و نه پشتیبانی تا آن زمانی که با دختری خوب ازدواج کنی اما متاسفانه آنها نمی دانند که من گی هستم.

حدود یکسال است که من بحث ها و گفتگوهای شدیدی با خانواده ام دارم خصوصا با پدرم. من نمی توانم به آنها بگویم که گی هستم ولی به آنها گفته ام که می خواهم از این کشور بروم و الان تصمیم ازدواج ندارم. خانواده ام نمی توانند واقعیت را بپذیرند و خیلی می ترسم که این قضیه را از نظر روانشناسی توضیح دهم و یا اینکه دکتر برای آنها توضیح دهد چون می دانم چه اتفاقی خواهد افتاد. در ایران کاملا غیر قانونی هست. اگر تو را در حال سکس با شریکت ببینند به راحتی تو را خواهند کشت و این جنبه قانونی دارد و این شرایط من است در ایران.

من این نامه را برای شما نوشتم که تنها نمونه ای از

زندگی همجنس گرایان در ایران است. من واقعا به دنبال کمک هستم زیرا نمی خواهم زندگی دختری را به خاطر خودم خراب کنم و به خودم این اجازه را نمی دهم که به خاطر خانواده ام کسی را بدبخت کنم. این من هستم. من نمی خواهم با آن ها زندگی کنم و مایل نیستم که شکست های دیگری را تجربه کنم. ممنون می شوم اگر من را راهنمایی کنید.

اما من مطمئنم که روزی خورشید بر من خواهد تابید اما امیدوارم به زودی زود این اتفاق بیافتد زیرا خدا همجنسگرایان را دوست دارد.

## شاهین

با عرض سلام و خسته نباشید.

می خواستم انتقادی به مقاله سر در ورودی سازمان ملل متحد شماره ۵ مجله چراغ داشته باشم. در صورت علاقه مندی به دموکراسی آن را چاپ کنید.

در این مطلب نویسنده از عمق بشردوستی و برابری حقوق در فرهنگ اصیل ایرانی حکایت کرده است و بدنبال آن شعری از سعدی آورده و پارسیان (توجه کنید فقط پارسیان) را از پیشقدمان برابری حقوق معرفی کرده است که بوضوح تعصبات خشک و خالی زبانی و قومی نویسنده را آشکار نموده است و به نوعی از رسمی بودن زبان فارسی در ایران امروز سوءاستفاده نموده است.

نویسنده باید توجه کند که:

اولا- ایرانی بودن معادل پارس بودن نمی باشد و همواره زبانهای مختلفی در این دیار رایج بوده است.

ثانیا- هر شعر فارسی را نمی توان به پارسیان نسبت داد همان طوری که بنابه گفته خود نویسنده شعر جدید سر در ورودی سازمان ملل متحد از خاقانی شیروانی است که خود در عین حالیکه ایرانی بوده ولی زبانش نه فارسی بلکه ترکی بوده است.

در آخر سخن من با مسوولان نشریه وزین چراغ می باشد:

ضمن تشکر از زحمات بی شائبه شما لطفا این موضوع را همیشه در نظر داشته باشید که خوانندگان شما تمام ایرانیان می باشند نه فقط فارسی زبانان و بکار رفتن عباراتی که نشان دهنده تعصبات منفی و بی جا



نسبت به زبان و قوم خاصی باشد باعث می شود خوانندگان دیگر که زبانی غیر از زبان فارسی دارند را از دست بدهید و از اعتبار مجله کاسته می شود. انشاء الله در شماره های بعدی این نشریه که این همه ادعای اعتقاد یا عمل به حقوق انسانها را دارد شاهد اینگونه ناعدالتی ها و بی انصافیها نباشیم. به خاطر داشته باشید که ما هم مثل شما زبان مادریمان را دوست داریم. چشمان همه شما را می بوسم.

### تبریزی

سلام دوستان عزیز در ماهها جداً زحمت می کشید و دستتان درد نکند. ته قلبم آرزو می کنم که هر همجنسگرای این مملکت بیکار ننشیند و هر کاری که میتواند برای رفع مشکلات انجام دهد. اما من میخوام یک چیزی برای شما بگویم چون حال و هوای سلیقه و مطالب و نوشته های ماها به دلم می چسبد. مشکل من با سازمانی است که خودش را پی جی ال او می نامد. خوب ظاهراً این یک تشکیلات از بچه های ایرانی خارج کشور هست. خوب کار خوبی کردن که دور هم جمع شدن ولی چرا اسم خودشان را پی جی ال او انتخاب کرده اند؟؟ من این را می دانم که در غرب (آن هم در دوره شاه) ایران را بنام پرشین می شناختن ولی اون دورها گذشته. تازه هیچ وقت تو تاریخ خود ما ایرانیان کشورمان را پرشین یا فارس نامگذاری نکرده ایم و تنها یک استان بنام استان فارس داریم که مردم همین استان هم خودشان را شیرازی یا کازرونی می نامند و در نهایت می گویند اهل استان فارس هستند ولی همین فرد ساکن استان فارس در خارج از کشور می گوید من ایرانی هستم. تازه در دوره خود شاه بود که از طریق سفارتخانه ها به همه کشورها اعلام کرد که دیگه کلمه پرشین را بردارند و بجایش از کلمه ایران استفاده کنند.

مسئله مهمتر از آن، من فارس نیستم ولی ایرانی هستم. با دیدن کلمه ایرانی و یک سازمان ایرانی خوشحال می شوم اما وقتی کلمه پرشین می شنوم خود بخود موضوع قومهای مختلف ایران،

حق کشی های تاریخی و فشار به اقوام و... در ذهنم مطرح می شود. من ایرانی غیر فارس نمی توانم با سازمانی که خودش را پرشین گی و لزیب می داند احساس عاطفی و نزدیکی داشته باشم حتی اگر بدانم که آن ها قصد و منظوری ندارند و فقط برای خارج کشور این اسم را بکار می برند ولی باز برای خارج کشور هم من ایرانی غیر فارس خودم رو حذف شده حس می کنم.

شاید این که افراد گی و لزیب غیر فارس با این سازمان الفتی ندارند به همین دلیل باشد تازه وقتی به آرم سازمان آنها نگاه می کنید می بینید که کلمه پی جی ال او را به زبان انگلیسی نوشته نه فارسی. اگر این سازمان مثل گروه هومان آمریکا (که در مصاحبه شماره ۸ شما با بابک) اشاره کرده بود که آن سازمان کاری به ایران و بچه های این جا ندارد (حالا کار نداریم چرا)، ولی این پی جی ال او ادعای دیگری دارد و مدعی است که برای بهتر شدن اوضاع ایران و شرایط گی های مملکت زور می زند خوب پس هدف عمده داخل کشور است به همین دلیل باید اسم سازمان در آرم آن که پیام اصلی خود سازمان را می رساند باید به فارسی باشد مثلاً علامت اختصاری = سها = سازمان همجنسگرایان ایران، نه این که به انگلیسی کلمه پی جی ال او نوشته شود. حالا درسته که محل کار در خارج است و باید چیزی هم به زبان خارجی باشد ولی خوب طراح می تواند کلمه انگلیسی را با حروف کمتر زیر کلمات فارسی بنویسد و اتفاقاً این خودش یک پیام دیگر را می رساند و آن این که داخل مهمتر است. خیلی پرحرفی کردم. می بخشید ولی این قضیه اعصاب من و یک عده دیگر را خیلی خرد کرده ولی اصلاً حوصله حتی گفتن این چیزها را هم به آن ها ندارم. اما اگر شما تماسی دارید بد نیست این چیزها را برایشان گوشزد کنید.

موفق و پیروز باشید و باشیم.

### ج.ش.

است که از قدیم به این و ما هیچ گاه قومی را برتر از دیگری نمی دانیم و همواره خدمتگذار تمامی دوستان و هموطنان خود هستیم.

در رابطه با نام سازمان بایستی اعلام گردد که با توجه به اینکه به دلایل شرایط نامناسب ایران ما مجبور بودیم که سازمان را در یکی از کشورهای اروپایی تاسیس کنیم و این کار توسط یکی از دوستان ما در نروژ صورت پذیرفت. نام پیشنهادی خود ما نیز "سها" برگزیده شده از سازمان همجنسگرایان ایرانی بود. اما به دلایل شرایط خاص این نام ثبت و استفاده شد اما ما می دانیم که پرسیا نام قدیم ایران و پرشین زبان است و ایرانی یک نژاد و ملیت و این ها در کنار هم هستند نه در مقابل هم. ترک های ایرانی، لرهای ایرانی، بلوچ های ایرانی، عرب های ایرانی، کردهای ایرانی و دیگر اقوام همگی برادر و برابر هستند و هیچ برتری از نظر ما وجود ندارد.

ما همواره اعلام کرده ایم که به هیچ حزب و عقاید سیاسی تعلق نداشته و سازمان را کاملا جدا از این دسته بندی ها نگاه خواهیم داشت و همه احزاب و طرزفکرها را محترم دانسته و خواهیم دانست زیرا که هدف ما همجنس گرایان ایرانی است با هر زبان و فرهنگ و گرایش و عقایدی. ما همجنس گرایان کمونیست، همجنس گرایان سلطنت طلب، همجنس گرایان مشروطه خواه، همجنس گرایان جمهوری خواه و دیگر عقاید را در کنار خود خواهیم داشت زیرا که اگر هر کدام از این احزاب را تاکید و یا تکذیب کنیم (که از تخصص ما نیز بدور است) باعث گشته ایم که تعدادی از همجنس گرایان را از یکدیگر جدا کنیم در صورتی که هدف ما اتحاد و همسو سازی است پس چطور می توان زبان و قومیت را که در سطح گسترده تری است را نادیده بگیریم.

نام اصلی سازمان همجنسگرایان ایرانی است ما همواره سعی کرده ایم که نوشته فارسی سازمان همجنس گرایان ایرانی را در کنار نام انگلیسی آن نگاه داریم تا از این تفکرات پیشگیری کنیم و این دو نوشته در کنار هم خود باعث اتحاد بیشتر همجنس گرایان می باشد زیرا که نام فارسی آن ایرانی بودن بدون توجه به هیچ زبان و قومیت و نام انگلیسی آن فارسی زبان بودن بدون توجه به هیچ ملیت را تداعی می کند.



## دوستان عزیز

با درود فراوان از نکته سنجی شما که به دقت چراغ را مطالعه می کنید و نشریه خودتان را مورد نقد قرار می دهید این مایه ی مباحث ماست که نقدی از شما را چاپ کنیم.

در مورد مطلب سردر ورودی سازمان ملل متحد درج شده در پیش شماره ی ۵ صفحه ۲۵ گفته های شما را تصدیق کرده و اضافه می کنم که مطابق نظر تاریخ نویسان یک ایرانی حتما پارسی نیست اما یک پارسی آریایی ( ایرانی ) خواهد بود. آن چه که امروزه اهمیت دارد احترام به قومیت و هویت هر ملتی است. باید توجه داشت در آن نوشته علاوه بر اشاره کردن به عمق بشر دوستی و برابری حقوقی در فرهنگ اصیل ایرانی هیچ قید تاکیدی بر یگانه بودن پارسیان در برابری حقوقی انسان ها آورده نشده است بلکه آن را یکی از پیش قدمان برابری حقوقی عنوان کرده و حتی در مورد خاقانی شاعر و ادیب قرن علی رغم نوشتن کتاب هایش به زبان فارسی آن را از "ادیبان و سرشناسان ایرانی" معرفی کرده ایم.

لازم به ذکر است در همان شماره صفحه ۷ از پارسیان در کنار سایر اقوام باستان نام برده شده است. آن چه که امروز اهمیت دارد احترام به قومیت هر شخصی است. هر کس آزاد خواهد بود که همان طور که دوست دارد دین، زبان، ملیت، هویت اجتماعی و جنسی خودش را انتخاب کند.

آذری ها، کردها، لرها، عرب ها، بلوچ ها، پارس ها و دیگر اقوام این سرزمین همه ایرانی بوده و برابر و مساوی و قابل احترام اند. اگر در بعضا به جای ایرانی از پرشین و یا پارسی استفاده می کنیم به این جهت

## تماس با ما

### جناب آرین ورجاوندی

دبیر اول سازمان

pglo@pglo.org

### سرکار خانم ترانه فروهر

دبیر دوم سازمان

pglo@lycos.com

### جناب آقای آرشام پارسی

سخنگوی سازمان

دبیر کمیسیون حقوق بشر سازمان

hrc@pglo.org

### جناب آقای پیام شیرازی

مسول امور فرهنگی

سردبیر نشریه همجنسگرایان ایرانی - چراغ

editor@pglo.org

### سرکار خانم آرزو صالحی

مدیریت صدای همجنسگرایان ایرانی

radio@pglo.org

### سرکار خانم مهرناز خجسته

مدیریت سیمای همجنسگرایان ایرانی

tv@pglo.org

### جناب آقای کیا احمدی

مسول امور آموزشی

kia@pglo.org

### جناب آقای پدram پارسا

مسول امور اجتماعی

pedram@pglo.org

### جناب آقای مانی

مسول امور بهداشتی

mani@pglo.org

ما بسیاری از همجنس گرایان افغان و تاجیک و پاکستانی را در کنار خود داریم که فارسی زبان هستند اما ایرانی نیستند و از این طریق سعی در اتحاد همجنس گرایان می نماییم. حال اگر نام سازمان IGLO ثبت شده بود که کلمه ایرانی بودن تداعی مس شد باز نام فارسی آن سازمان همجنسگرایان ایرانی می بود. اما ایراد این دوست عزیزمان را بی مورد ندانسته و از ایشان و دوستان همفکر خود پوزش می خواهیم و باز اعلام می کنیم که این چنین منظور ما نیست. حتی ما دوستان زیادی را از آذربایجان داریم که با وجود اینکه ایرانی نیستند اما به فارسی می توانند صحبت کنند و ارتباط خوبی با هم داریم.

شایان ذکر است یکی از طرح های سازمان ایجاد نسخه های زبانی متفاوت برای تمامی قوم ها و زبان های موجود ایرانی است که در حال حاضر تنها در دست مطالعه و بررسی می باشد و با تامین نیروهای کاری اجرا خواهد شد. به عنوان مثال نسخه کردی و آذری و ... سایت سازمان. از دوستان عزیز در مجله ماها نیز سپاسگزاریم که ارتباط دهنده همجنس گرایان با هم هستند و امید است که همه با هم در تمامی مراحل پیروز و موفق باشیم و دست به دست هم دهیم و از حق و حقوق انسانی خود دفاع کنیم و این نخواهد شد مگر با اتحاد و همسو شدن همجنس گرایان ایرانی.

سلام ما را به تمامی دوستان و هم زبانان و همشهریان خود برسانید. در انتظار نامه های شما عزیزان هستیم.

### پیام شیرازی

